#  بانک‌های چندملیتی و تصمیمات گسترش خارجی

Multinational Banks and Foreign Expansion Decisions

اثر Cansu Eray

مترجمان
دکتر امیراحمد ذوالفقاری

محسن شرافتی‌نیا

**به نام آنکه جان فکرت آموخت**

# مقدمه مترجم

در نگاه کلی اقتصاد بین‌الملل را ضمن تجارت بین‌الملل و مالی بین‌الملل تصور می‌کنند. تفکیک میان مقوله تجارت و مالی به‌ویژه از حیث بین‌المللی حتماً منجر به تحلیلی ناقص می‌گردد و از این رو گرایش بیشتر به آموزش تجارت بین‌الملل در تاریخ آموزش عالی ایران را می‌توان یکی از آسیب‌های جدی و مهم تلقی نمود. مالی بین‌الملل چه از لحاظ آنکه به‌عنوان جریان پرداخت‌های بین‌الملل اهمید دارد و چه ازآن‌جهت که سرمایه یکی از نهاده‌های تولید مشترک جهانی است نیازمند تدقیق و تبادل آرای کارشناسی و دانشگاهی بیشتر میان منابع فارسی‌زبان و غیرفارسی است.

از سوی دیگر بازارهای مالی، مؤسسات مالی، ابزارهای مالی در سطح معاملات دوجانبه، چندجانبه و جهانی به طور روزافزونی دچار تحولات مفهومی و کارکردی شده است. امروز هرچند ارز جهان روای دلار آمریکایی قدرتمندترین پول ملی است که کاربرد بین‌المللی دارد؛ اما ظهور دلار بدون پشتوانه از شوک نیکسون در ابتدای دهه ۱۹۷۰ میلادی، قدرت‌یابی چشمگیر اقتصادهای نوظهور به‌ویژه جمهوری خلق چین و ابداع رمزارزهای متعدد نویدبخش جهانی است که کمتر در تقید به یک‌جانبه‌گرایی‌های نظم لیبرال دموکراسی آمریکایی خواهد بود.

کتاب **"بانک‌های چندملیتی و تصمیمات گسترش خارجی"** به بررسی پیچیدگی‌ها و چالش‌های مرتبط با تصمیم‌گیری‌های توسعه‌ای بانک‌های چندملیتی می‌پردازد. در دنیای امروز، با گسترش روزافزون جهانی‌شدن و تحولات فناوری، بانک‌ها به‌عنوان نهادهای مالی کلیدی در اقتصادهای مختلف نقش بسزایی ایفا می‌کنند. مطالعه حاضر به تحلیل عمیق و جامع از روندهای توسعه‌ای این بانک‌ها در سطح بین‌المللی پرداخته و به خوانندگان کمک می‌کند تا درک بهتری از فرایندها و تصمیمات کلیدی این نهادها در راستای توسعه خارجی پیدا کنند.

از سوی دیگر، باتوجه‌به ماهیت تحریم‌ها‌ی اقتصادی و مالی که ذاتاً محدودیت‌ها و چالش‌هایی برای اقتصادهای تحریم شده از جمله کشور عزیزمان در فضای بین‌الملل به وجود آورده، درک کارکرد بانک‌های چندملیتی در بین سیاست‌گذاران و فعالان اقتصادی می‌تواند به کاهش اثرات ناشی از تحریم‌ها کمک نموده و امکان رشد و شکوفایی اقتصاد بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران را فراهم آورد.

این کتاب در پنج فصل به‌تفصیل به جنبه‌های مختلف بانک‌های چندملیتی پرداخته و خوانندگان را با چالش‌ها و فرصت‌های موجود در این حوزه آشنا می‌سازد:

فصل اول کتاب با عنوان **"مقدمه‌ای بر تصمیمات گسترش خارجی بانک‌های چندملیتی"** به تشریح مفاهیم پایه‌ای و مهم در زمینه تصمیم‌گیری‌های توسعه‌ای پرداخته و زمینه‌های نظری و عملی این تصمیمات را مورد بررسی قرار می‌دهد. بانک‌های چندملیتی به دلیل ماهیت فعالیت‌های خود، با چالش‌های متعددی در زمینه ورود به بازارهای جدید مواجه هستند. این فصل به شفاف‌سازی این چالش‌ها و فرصت‌ها کمک کرده و بستر لازم برای فهم عمیق‌تر فصل‌های بعدی را فراهم می‌آورد.

فصل دوم به **"انگیزه اصلی بانک‌های چندملیتی برای گسترش خارجی"** اختصاص دارد. این فصل به بررسی عواملی می‌پردازد که بانک‌ها را ترغیب به گسترش فعالیت‌های خود در کشورهای دیگر می‌کند. از جمله عوامل مؤثر در شکل‌گیری انگیزه برای بانک‌های چندملیتی می‌توان به اشتراکات بین کشور مبدأ و میزبان، فرصت‌های بازار در کشور میزبان و مقررات کشور میزبان اشاره نمود. همچنین، این فصل به تحلیل تأثیرات اقتصادی ورود بانک‌ها به بازارهای جدید نیز می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه این تصمیمات می‌توانند بر روی جوامع محلی تأثیر گذاشته و از سوی دیگر بانک‌های چندملیتی را به سرمایه‌گذاری و ورود به این کشورها ترغیب نماید.

در فصل سوم، نویسنده اثر به **"تصمیمات ورود به بازار بانک‌های چندملیتی"** پرداخته و فرایندهای مختلف بانک‌ها برای ورود به بازارهای جدید را بررسی می‌کند. این فصل شامل تحلیل استراتژی‌های مختلف ورود به بازار مانند وام‌دهی فرامرزی، نهادسازی یا تملک است. ادبیات نهادسازی، مفهوم نوینی در صنعت مالی و بانکداری است که در این فصل به‌صورت مفصل در خصوص آن توضیح داده شده است. در ادامه این فصل به عواملی که بر روی انتخاب استراتژی ورود تأثیرگذار هستند نیز موردبحث قرار می‌گیرد.

فصل چهارم به موضوع **"تأثیرات ورود خارجی بر کشور و دلالت‌های آن برای بانک‌های چندملیتی"** می‌پردازد. در این فصل، اثرات مثبت و منفی ورود بانک‌های چندملیتی به بازارهای محلی ارزیابی می‌گردد. این تأثیرات شامل تغییرات در رقابت، وام‌دهی به شرکت‌های کوچک و متوسط، نرخ‌های بهره بازار، و ثبات مالی است. این فصل به تحلیل دقیق دلالت‌های این تأثیرات برای سیاست‌گذاران و مدیران بانک‌ها کمک کرده و نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از مزایای ورود بانک‌ها بهره‌برداری کرد و از معایب آن جلوگیری کرد.

در نهایت، فصل پنجم به **"نگاهی بر استراتژی‌های گسترش خارجی بانک‌های چندملیتی"** می‌پردازد. این فصل شامل تحلیل روندهای نوظهور در صنعت بانکداری بین‌المللی است و استراتژی‌های اتخاذی بانک‌ها برای موفقیت در بازارهای جهانی را بررسی می‌کند. نویسنده در این فصل به چالش‌هایی که بانک‌ها در پیاده‌سازی این استراتژی‌ها با آن مواجه هستند، اشاره کرده و راهکارهایی برای غلبه بر این چالش‌ها ارائه می‌دهد.

اثر حاضر، نه‌تنها برای دانشجویان و پژوهشگران حوزه مالی و بانکی، بلکه برای سیاست‌گذاران، مدیران بانک‌ها و تمامی علاقه‌مندان به فهم بهتر دینامیک‌های جهانی بانکداری نیز منبعی ارزشمند خواهد بود. باتوجه‌به تحولات سریع در دنیای مالی و نیاز به درک عمیق‌تر از تصمیمات توسعه‌ای بانک‌ها، امید است که ترجمه این کتاب بتواند به گسترش دانش و آگاهی در این حوزه کمک نماید.

**امیراحمد ذوالفقاری**

**محسن شرافتی‌نیا**

**زمستان ۱۴۰۳**

# پیشگفتار مؤلف

کتاب حاضر ضمن بررسی تصمیم‌های توسعه از انگیزه‌ها تا پیامدهای این تصمیم‌ها، به طور مفصل استراتژی‌های ورود بانک‌های چندملیتی را به بازارهای خارجی ارائه می‌کند. حتی اگر منابع زیادی وجود داشته باشد که تصمیمات ورود به بازارهای خارجی را بررسی کند، نیاز به ترسیم تصویری بزرگ‌تر برای مشاهده تمام ویژگی‌های این فرایند وجود دارد. این ضرورت مؤلف را به بررسی عمیق این حوزه واداشت.

تمرکز ما در ابتدای این مطالعه، بر فرایند تصمیم‌گیری بانک‌های چندملیتی از طریق تجزیه‌وتحلیل دانش فعلی به‌صورت مرور نظام‌مند بود. بااین‌حال، پس از کاربست عملیِ ادبیات نظری این حوزه، بافهم سایر طرف‌های دخیل در این فرایند، مانند کشور میزبان و سیاست‌گذاران آن، به دلیل تأثیرگذاری آن‌ها بر گام‌های استراتژیک بعدی در بازارهای خارجی، دید مؤلف از این پدیده گسترش پیدا کرد.

همبستگی میان انگیزه تصمیم برای ورود به بازار و استراتژی انتخاب شده، تأثیرات بیشتری را از نظر شرایط بازار بر کشور میزبان اعمال می‌کند. این تأثیرات باید در فرایند تصمیم‌گیری بانک‌های واردشونده به بازار[[1]](#footnote-1) موردتوجه قرار گیرند؛ زیرا در بلندمدت، شرایط اقتصادی کشور میزبان و سیاست‌های مرتبط با ورود شرکت‌های خارجی به بازار دستخوش تغییر خواهند شد.

باتوجه‌به تلاش صورت‌گرفته جهت بررسی مفهومی تصمیمات ورود و دخیل کردن همه طرف‌های مرتبط در این فرایند، از بانک‌های چندملیتی گرفته تا سیاست‌گذاران کشور میزبان، این کتاب می‌تواند به کاربست این روش‌ها و تدوین استراتژی کمک کند. امید است که این کتاب بتواند نقطه شروعی برای دست‌اندرکاران و سنگ بنایی برای پژوهشگران باشد تا مطالعات این حوزه را یک‌قدم جلوتر ببرند.

در پایان می‌خواهم یادآور شوم که هر تصمیمی که ما می‌گیریم، نه‌تنها بر خودمان، بلکه بر همگان اثرگذار است؛ بنابراین، تلاش برای پیش‌بینی پیامدها و کاربست‌های هر مرحله ضروری است؛ امید است که به ساخت جهانی بهتر ختم شود.

# درباره کتاب

این مطالعه با استفاده از روش مرور نظام‌مندِ ادبیات موضوع، برای ارائه اطلاعات ساختاریافته در مورد تصمیمات توسعه خارجی بانک‌های چندملیتی انجام شد. هدف اصلی این بررسی، ارزیابی دانش موجود در مورد این پدیده از نظر انگیزه‌های اصلی آن، پیامدهای آن در شرایط متفاوت و اثرات احتمالی بر کشور میزبان است؛ بنابراین، کتاب حاضر، یک مرور بر اساس منطق «علل و پیامدهای شکل‌گیری بانک‌های چندملیتی»، با مقایسه یافته‌های پژوهش‌های گذشته، بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۸ است.

بر اساس ارزیابی ۱۴۱ مقاله، بر اساس معیارهایی معین، ۲۸ مقاله از مجلات پژوهشی بین‌المللی پیشرو انتخاب شدند تا به چارچوبی ترکیبی دست یابیم که تصمیمات ورود بانک‌های چندملیتی به بازارهای خارجی را با دلایل و پیامدهای آن مرتبط می‌کند. انگیزه‌های اساسی توسعه خارجی، در دو عامل اصلی خلاصه می‌شوند: عوامل وابسته به مکان و عوامل وابسته به مالکیت. ادغام کشور مبدأ و کشور میزبان، فرصت‌های بازار در کشور میزبان، و مقررات کشور میزبان، تحت محرک‌های زبان‌محور طبقه‌بندی می‌شوند؛ درحالی‌که اندازه، کارایی و عملکرد و مقررات کشور مبدأ، تحت عوامل مرتبط با مالکیت قرار دارند. این عوامل به‌عنوان «دلایل» پدیده مورد بررسی قرار گرفتند.

در قسمت «پدیده»، استراتژی‌های ورود خارجی، با تمرکز بر ویژگی‌های خاص وام‌دهی فرامرزی، نهادسازی[[2]](#footnote-2) و تملک، بر اساس اولویت‌های بانک‌های چندملیتی برای توسعه خارجی، مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفتند.

فرایند تصمیم‌گیری راجع به شیوه ورود به بازار نیز، به همراه مزایا و چالش‌های آن‌ها موردمطالعه قرار گرفته است. همچنین اَشکال سازمانی ورود خارجی در قالب‌های دفتر نمایندگی، آژانس، شعبه، شرکت تابعه و سرمایه‌گذاری مشترک بیان شده و مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

برای مقایسه مؤثر این حرکت‌های استراتژیک، از رویکرد 5W1H[[3]](#footnote-3) به‌صورت "چه چیزی؟ چه کسی؟ چرا؟ کجا؟ چه زمانی؟ چگونه؟" استفاده شده است. سؤالات اصلی مورداستفاده در مطالعه عبارت‌اند از:

* شیوه ورود انتخاب شده چیست؟
* چه کسی از این حالت ورود استفاده می‌کند؟
* چرا این حالت ورود توسط بانک‌های چندملیتی انتخاب می‌شود؟
* بهترین مکان برای اتخاذ این شیوه ورود به‌عنوان یک تصمیم استراتژیک کجاست؟
* چه زمانی این شیوه ورود بهینه خواهد بود؟
* چگونه بانک‌های چندملیتی سودشان را در این حالت‌ها بیشینه می‌کنند و این استراتژی ورود، به چه میزان چالش‌برانگیز است؟

در این اثر، پیامدهای هر روش ورود با بررسی تأثیر ورود خارجی به کشور میزبان مورد بررسی قرار می‌گیرد. این امر درنظرگرفتن شرایط بازار در قالب متغیرهایی همچون رقابت، نرخ‌های وام شرکت‌های کوچک و متوسط، نرخ بهره بازار و ثبات مالی بازار صورت می‌پذیرد. فهم دقیق از تأثیر تصمیمات بر روی این متغیرها، به برنامه‌ریزی مؤثر جهت تصمیم‌گیری بلندمدت کمک می‌کند.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که در زمینه بانک‌های چندملیتی، مطالعات زیادی صورت‌گرفته است؛ اما به دلیل وجود متغیرهای پیچیده، شرایط متغیر، تفاوت‌های موجود در ادبیات موضوع و تفاوت بین پایگاه‌های داده، کاربست مفاهیم مدیریتی آن پیچیده است؛ در حقیقت، فرمول یکسانی برای همه شرایط و همه سازمان‌ها وجود ندارد. درنظرگرفتن تمام حالات ممکن در فضای رقابتی، با کمک‌گرفتن از نظریات و مطالب علمی موجود، می‌تواند سبب ارتقای مزیت رقابتی گردد. در فضای پررقابت دنیای کسب‌وکار، زمان زیادی برای جستجوی یافته‌های دانشگاهی برای تعیین استراتژی و نقشه راه جهانی‌سازی وجود ندارد؛ لذا این کتاب، با بررسی نظام‌مند مسائل و داده‌های موجود، به مدیران، بینشی صحیح، برای تصمیم‌گیری راجع به توسعه خارجی می‌دهد.

فهرست

[*بانک‌های چندملیتی و تصمیمات توسعه خارجی* 1](#_Toc188405339)

[دیباچه **Error! Bookmark not defined.**](#_Toc188405340)

[مقدمه مترجم 3](#_Toc188405341)

[پیشگفتار مؤلف 5](#_Toc188405342)

[درباره کتاب 6](#_Toc188405343)

[*فصل اول: مقدمه‌ای بر تصمیمات توسعه خارجی بانک‌های چندملیتی* 10](#_Toc188405344)

[چکیده 10](#_Toc188405345)

[روش‌شناسی 12](#_Toc188405346)

[جمع‌آوری اطلاعات 13](#_Toc188405347)

[انتخاب منابع مرتبط 13](#_Toc188405348)

[معیارهای شمول و عدم شمول 15](#_Toc188405349)

[غربالگری و احراز شایستگی 15](#_Toc188405350)

[طبقه‌بندی مطالعات انتخاب شده 15](#_Toc188405351)

[منابع 16](#_Toc188405352)

[*فصل دوم: انگیزه‌های اصلی بانک‌های چندملیتی برای توسعه خارجی* 18](#_Toc188405353)

[چکیده 18](#_Toc188405354)

[عوامل خاص مکانی 18](#_Toc188405355)

[ادغام کشور مبدأ و کشور میزبان 18](#_Toc188405356)

[فرصت‌های بازار و ویژگی‌های کشور میزبان 20](#_Toc188405357)

[مقررات کشور میزبان 21](#_Toc188405358)

[مؤلفه‌های خاص مالکیت 22](#_Toc188405359)

[مقیاس 22](#_Toc188405360)

[کارایی و عملکرد 23](#_Toc188405361)

[مقررات کشور مبدأ 24](#_Toc188405362)

[خلاصه مدیریتی 24](#_Toc188405363)

[منابع 26](#_Toc188405364)

[*فصل سوم: تصمیمات ورود به بازار در بانک‌های چندملیتی* 28](#_Toc188405365)

[چکیده 28](#_Toc188405366)

[تصمیمات ناظر به نوع ورود 28](#_Toc188405367)

[وام‌دهی فرامرزی 28](#_Toc188405368)

[*فصل چهارم: تأثیرات ورود خارجی بر کشور میزبان و دلالت‌های آن برای بانک‌های چندملیتی* 38](#_Toc188405369)

[چکیده 38](#_Toc188405370)

[رقابت 38](#_Toc188405371)

[وام‌دهی به کسب‌وکارهای خرد و متوسط 40](#_Toc188405372)

[نرخ‌های بهره بازار 41](#_Toc188405373)

[ترجیحات سیاست‌گذاران 44](#_Toc188405374)

[خلاصه مدیریتی 45](#_Toc188405375)

[چکیده 49](#_Toc188405376)

[کاربست‌های مدیریتی 55](#_Toc188405377)

[راهنمایی برای پژوهش‌های بعدی 58](#_Toc188405378)

[دفتر نمایندگی 73](#_Toc188405379)

[آژانس 73](#_Toc188405380)

[شعبه 73](#_Toc188405381)

[شرکت‌های تابعه 74](#_Toc188405382)

[سرمایه‌گذاری مشترک 75](#_Toc188405383)

#

# فصل اول: مقدمه‌ای بر تصمیمات گسترش خارجی بانک‌های چندملیتی

# چکیده

بسیاری از بانک‌ها با جهانی‌شدن، فعالیت‌های خود را در سطح بین‌المللی افزایش می‌دهند تا از فرصت‌های جدید در بازارهای مختلف استفاده کنند. ازآنجایی‌که هر استراتژی توسعه، فرصت‌ها و چالش‌های متعددی را به همراه دارد، ایجاد یک رویکرد بهینه برای بین‌المللی‌سازی، نقش مهمی در بیشینه ساختن سود و کاهش نقاط ضعف در شرایط متغیر دارد. هدف این مطالعه، بررسی استراتژی‌های اصلی ورود بانک‌های چندملیتی به بازارهای دوردست است که برای تجزیه‌وتحلیل تصمیم‌های بهینه در مورد استراتژی‌های توسعه خارجی، از طریق بررسی انگیزه‌های اساسی و پیامدهای استراتژی انتخاب شده اقدام می‌کند. در این مطالعه، جهت ارائه اطلاعات ساختاریافته درباره تصمیمات توسعه خارجی بانک‌های چندملیتی، از روش مرور نظام‌مند ادبیات نظری استفاده شده است. پنج کلیدواژه اصلی در دو پایگاه‌داده، برای به‌دست‌آوردن دامنه مطالعه مورداستفاده قرار گرفتند. در نتیجه غربالگری ۱۴۱ مقاله از این جستجو، ۲۸ مقاله بر اساس معیارهای شمول و عدم شمول در پژوهش انتخاب شدند. سه معیار اصلی برای شمول به شرح روبروست: مرتبط بودن با موضوع، چارچوب زمانی و زبان. پس از جستجوی کلمات کلیدی تعریف شده، تنها مقالات مرتبطی که در ۱۵ سال گذشته به زبان انگلیسی انجام شده‌اند، در محدوده این پروژه قرار می‌گیرند. به‌عنوان معیار خروجی نهایی، سه نگرانی اصلی در نظر گرفته می‌شود: کیفیت، عینیت و سطح علمی. در نهایت، تنها مقالات منتشر شده در مجلات معتبر بین‌المللی، بر خلاف مقالات دارای سوگیری و غیرپژوهشی، انتخاب شدند. همچنین ساختار «دلایل - پدیده - پیامدها» طراحی شده تا منطق پشت استراتژی‌های کاربردی بانک‌های چندملیتی در بازار خارجی را نشان دهد.

**واژگان کلیدی:** **بانک خارجی، بانک‌های چندملیتی، جهانی‌سازی بانک‌ها**

بانک‌های چندملیتی به‌عنوان بانک‌هایی که در بیش از یک کشور فعالیت می‌کنند، شناخته می‌شوند (Hersh & Weller, 2012). تکامل تاریخی فعالیت‌های آن‌ها در اروپا، با تسلط بانک‌های انگلیسی در خارج از کشور، قبل از جنگ جهانی اول آغاز شد و با گسترش بانک‌های تجاری فراساحلی آمریکا در طول دهه ۱۹۶۰ دنبال شد (Battilossi, 2006; Williams, 2009). سپس پدیده توسعه بانک‌های چندملیتی، باتوجه‌به موج بزرگ آزادسازی در دهه‌های بعدی، به رشد خود ادامه داد. همچنین توسعه بازارهای مالی، پیشرفت‌های فناوری و تقاضای روبه‌رشد برای خدمات بانکی در سال‌های اخیر، نه‌تنها بانک‌های چندملیتی، بلکه کشورهای میزبان این بانک‌ها را نیز به تعامل بیشتر با دنیا تشویق کرده است (Clarke, Cull, Martinez Peria, & Sanchez, 2003; Hryckiewicz & Kowalewski, 2010). با ورود بانک‌های خارجی در چندین بازار، نیاز به پاسخ به سؤالات متعددی برای درک این پدیده پیش‌آمده است که منجر به طرح این موضوعات در ادبیات دانشگاهی شده است. بسیاری از محققان، تصمیم حضور خارجی بانک‌های چندملیتی را با تمرکز بر مفاهیم مختلف تحقیقاتی بررسی کرده‌اند؛ بنابراین سطح تخصصی هر مقاله با روش‌شناسی مختلف، یافته‌ها را ناظر به بخش‌های جداگانه‌ای از این پدیده ارائه می‌کند؛ لذا درک کاملی از این پدیده به دست نمی‌دهند. به‌عنوان‌مثال، دررابطه‌با فرایند تصمیم‌گیری بانک‌ها، چندین مطالعه، بر عوامل خاص کشورهای میزبان و همچنین بانک‌های چندملیتی تأکید می‌کنند که انگیزه‌های توسعه را بر اساس اولویت‌های این ذی‌نفعان شکل می‌دهند (Buch, Koch, & Koetter, 2014; Cerutti, Dell’Ariccia, & Martinez Peria, 2007; Leung, Young, & Fung, 2008). از سوی دیگر، بسیاری از محققان، استراتژی‌های ورود بانک‌های چندملیتی را بر اساس شرایطی خاص، تحلیل می‌کنند. درحالی‌که برخی، یک شیوه ورود خاص را به نسبت کاربست‌های محلی توضیح می‌دهند (Degryse, Havrylchyk, Jurzyk, & Kozak, 2012; Leung et al., 2008; Molyneux, Nguyen, & Xie, 2013)؛ بنابراین، نه‌تنها تفاوت در سؤالات تحقیق، بلکه تمرکز روش‌شناختی نیز نتایج متفاوتی را در ادبیات ایجاد می‌کند. علاوه بر این، هر مطالعه، به مطالعات آتی جهت متفاوتی می‌دهد. به‌عنوان‌مثال، مقالات در مورد شیوه‌های ورود بانک‌های چندملیتی، بنیانی برای تعداد زیادی از مقالات آماده می‌کند که بر روی تأثیرات استراتژی ورود بر شرایط کشور میزبان، کار می‌کنند (Boustanifar, 2014; Claeys & Hainz, 2014; De Haas & van Lelyveld, 2006; Li, Zeng, & Zhang, 2013; Van Tassel & Vishwasrao, 2007; Xu, 2011)؛ بنابراین، گسترش ادبیات برای محققان مشکل ایجاد می‌کند؛ زیرا مقایسه یافته‌های چندین مقاله برای دستیابی به اجماع، زمان و تلاش زیادی می‌طلبد؛ بنابراین، هدف این مطالعه، پیوند ملاحظات نظری چندین پژوهش ارزشمند در ادبیات توسعه خارجی بانک‌های چندملیتی و ایجاد ارتباط میان آن‌ها در یک چارچوب ساختاریافته است. نقشه‌برداری و ارزیابی این جریانِ ادبیات که به‌سرعت درحال‌رشد است، به دو دلیل برای متخصصان و پژوهشگران مهم است؛ اولاً، داشتن یک دید کلی از موضوع، درک بهتری به آن‌ها می‌دهد. ثانیاً، می‌توانند کاربردهای مطالعات مربوطه را در یک بازه زمانی کوتاه، به طور دقیق بررسی کنند. همچنین، این مطالعه، با تأکید بر نکات مبهم برای مطالعات بیشتر، به شکاف موجود در ادبیات اشاره می‌کند. باتوجه‌به دانش موجود، آخرین مرور در حوزه بانکداری خارجی، توسط کلارک و همکاران (۲۰۱۳) انجام شده است. این کتاب با به‌روزرسانی نتایج مطالعات اخیر، از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۸، با استفاده از روش مرور نظام‌مند و به‌کارگیری چارچوبی یکپارچه، مطالعات این حوزه را یک گام جلوتر می‌برد.

این مطالعه، برای دستیابی به این هدف، از طریق تحلیل عمیق تصمیمات توسعه خارجی بانک‌های چندملیتی، تلاش کرده است تا به این سؤالات پاسخ دهد: چه عواملی بانک‌های چندملیتی را به سمت توسعه خارجی سوق می‌دهند؟ کدام شیوه ورود در شرایط مختلف بازار ترجیح داده می‌شود؟ استراتژی ورود انتخاب شده تا چه اندازه بر کشور میزبان تأثیر می‌گذارد؟ با پاسخ به این سؤالات، می‌توان این پدیده را از ابتدای فرایند تا پیامدهای آن بررسی کرد.

باتوجه‌به فرایند مرور، از ۱۴۱ مقاله شناسایی شده، این مطالعه، ۲۸ مورد را که با معیارهای جستجوی نظام‌مند مطابقت داشتند، تحلیل و بررسی کرد. سپس، این مقالات را بر اساس طرح مروری ترکیب کرد که مطالعه را به سه بخش مختلف با منطق «دلایل، پدیده، پیامدها» تقسیم کرد تا مفاهیم را در یک چارچوب یکپارچه با هم پیوند دهد:

* محرک‌های توسعه خارجی
* تصمیمات شیوه ورود بانک‌های چندملیتی
* تأثیرات حضور خارجی بر کشور میزبان باتوجه‌به شیوه‌های ورود

باتوجه‌به نتایج مطالعه، علل توسعه خارجی بانک‌های چندملیتی را می‌توان به‌طورکلی، به عوامل مکانی و مالکیتی مرتبط دانست. عوامل مکانی متشکل از سطح یکپارچگی کشورها، فرصت‌های بازار و مقررات کشور میزبان است؛ عوامل مالکیتی شامل اندازه، کارایی و سطح عملکرد و چارچوب قانونی کشور مبدأ می‌شود. بر اساس این محرک‌ها، بانک‌های چندملیتی، اولویت‌های خود را در بازارهای دوردست تعیین می‌کنند و شیوه ورود مناسب را برای بهره‌گیری از فرصت‌ها انتخاب می‌کنند.

تصمیمات شیوه ورود، یا همان «پدیده» در پژوهش حاضر، دارای راهبردهای متعددی است که در این کتاب، باتوجه‌به کاربرد و مزایای آنها بررسی شده‌اند. سه شیوه اصلی ورود تحت عناوین وام‌دهی فرامرزی، نهادسازی و تملک وجود دارد. ازآنجایی‌که هر حالت ورود، مزایا و چالش‌های خاص خود را به همراه دارد، انتخاب استراتژی ورود مناسب، برای کسب بیشترین سود در خارج از کشور، اهمیتی حیاتی دارد. به‌عنوان‌مثال، استراتژی وام‌دهی فرامرزی، امنیت دارایی‌ها را در بازارهای بانکی کمتر توسعه‌یافته، به دلیل ویژگی سهولت خروج از سرمایه‌گذاری تضمین می‌کند؛ درحالی‌که نهادسازی، به لطف حضور قانونی در کشور میزبان، سهم بیشتری از بازار را در بازارهای توسعه‌یافته به دست می‌دهد. از سوی دیگر، ورود به شیوه تملک، به افزایش دانش بازار در مورد کیفیت وام‌گیرندگان در بازارهای بانکی کمتر توسعه‌یافته که دارای موانع اطلاعاتی هستند کمک می‌کند (Lehner, 2009).

بر اساس ادبیات موجود، چهار پیامد کلیدی حضور بانک‌های خارجی بر کشور میزبان به شرح زیر هستند: افزایش رقابت، کاهش وام‌دهی به کسب‌وکارهای خرد و متوسط، تغییر نرخ بهره بازار و نوسانات در ثبات مالی؛ بنابراین، سیاست‌گذاران، این تأثیرات را برای تنظیم‌گری صنعت بانکداری و محدودیت‌های ورود به بازار میزبان در نظر می‌گیرند. پس بانک‌های چندملیتی، برای جلوگیری از زیان ناشی از الزامات نظارتی آتی در بلندمدت، باید از پیامدهای تصمیمات استراتژیک خود بر تصمیمات سیاست‌گذاران که برای حفاظت از منافع کشور میزبان اتخاذ می‌شوند آگاه باشند.

برای ارائه کارآمدِ مرور، ساختار کتاب به شرح زیر است: روش مرور به‌کاررفته، به طور خلاصه در فصل اول توضیح داده شده است. پس از توضیح منطق پشت طرح مرور، به تحلیل دقیق مقالات، در چارچوب «دلایل، پدیده، پیامدها» و ارائه استدلال‌های اصلی در ادبیات موجود می‌پردازد. محرک‌های اصلی تصمیمات توسعه خارجی بانک‌های چندملیتی، در فصل دوم، تحت عنوان «دلایل» مورد بررسی قرار گرفته‌اند. سپس شیوه‌های ورود، تحت عنوان «پدیده» در فصل سوم با جزئیات ارائه شده است. در بخش «پیامدها»، تأثیرات ورود خارجی به کشورهای میزبان مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. در فصل پنجم، به کمک جداول، خلاصه‌ای از محرک‌های اصلی ورود خارجی، مزایا و معایب هر شیوه ورود بانک‌های چندملیتی و تأثیرات استراتژی انتخاب شده را به طور انتقادی ارزیابی می‌کنیم. همچنین به بیان سهم یاری این پژوهش و کاربست‌های مدیریتی و توصیه‌هایی برای پژوهش‌های بعدی می‌پردازیم.

# روش‌شناسی

این تحقیق با استفاده از روش‌شناسی مرور نظام‌مند ادبیات که توسط تران فیلد، دنیر، و اسمارت (۲۰۰۳) و گوئن (۲۰۱۰) معرفی شده است انجام شد تا اطلاعات ساختاریافته‌ای در مورد تصمیمات توسعه خارجی بانک‌های چندملیتی ارائه کند. هدف اصلی این بررسی، ارزیابی دانش موجود برای این پدیده، از نظر محرک‌های اصلی آن، پیامدهای آن در شرایط مختلف، و تأثیرات آن بر کشور میزبان است؛ بنابراین، یک طرح مرور مبتنی بر منطق «دلایل، پدیده، پیامدها» مورداستفاده قرار گرفت که در شکل ۱.۱ مشاهده می‌شود. این کار، با مقایسه یافته‌های فعلی که بین سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۱۸، پس از آخرین مرور ادبیات که توسط کلارک و همکاران نوشته شده است، انجام پذیرفت.

ترکیبی از مراحل توصیه شده برای مرور نظام‌مند که توسط تران فیلد و همکاران (۲۰۰۳) و گوئن (۲۰۱۰) پیشنهاد شده است، به‌صورت طرح چهارمرحله‌ای زیر دنبال می‌شود:

* تعریف سؤالات پژوهش با چارچوب SAMPLE (دقیق، قابل پاسخ‌دهی، قابل‌اندازه‌گیری، عملی، منطقی، تجربی)؛
* جمع‌آوری داده‌ها با شناسایی ادبیات مربوطه با معیارهای جستجوی نظام‌مند برای شمول و عدم شمول؛
* ارزیابی ارتباط مطالعات بررسی شده و طبقه‌بندی آنها به گروه‌های مختلف؛
* تلخیص نتایج با ارائه یک تفسیر انتقادی.

شکل 1.1: چارچوب مرور

سؤالات پژوهش تعریف شده در مقدمه، به‌ویژه در طرح مرور، شکل ۱.۱ (مرحله ۱). بخش روش‌شناسی بر پروتکل بررسی با توضیح شناسایی ادبیات مربوطه (مرحله ۲) و تکنیک‌های مورداستفاده در انتخاب و طبقه‌بندی مجموعه‌داده‌ها (مرحله ۳) تأکید می‌کند. مرحله نهایی (مرحله ۴) به ارائه یافته‌های مرور می‌پردازد، بنابراین، در فصل ۵، جداول خلاصه، نمای کلی این مرور را همراه با ارزیابی‌های انتقادی و پیشنهادها برای مطالعات بیشتر ارائه می‌دهد.

# جمع‌آوری اطلاعات

JStor و ScienceDirect پایگاه‌های اصلی این بررسی نظام‌مند هستند که به دلایل ذیل انتخاب شده‌اند:

* مطالعات واجد شرایط را از مجلات معتبر در اختیار می‌گذارند.
* شامل ناشران بین‌بخشی می‌شوند.
* مطالعات بین‌المللی در سراسر جهان را دارند.
* به کاربران اجازه می‌دهند نتایج را به طور کارآمد فیلتر کنند.

به دلیل بازه زمانی محدود، این مطالعه تنها بر مقالات دانشگاهی به‌عنوان مجموعه‌داده اصلی متمرکز شد درحالی‌که انواع دیگر از انتشارات مانند مجلات، مقالات همایشی و مطالعات موردی کاربردی را حذف کرد. سپس، یک فرایند دومرحله‌ای را برای شناسایی لیست واژگان کلیدی برای جستجوی الکترونیکی دنبال کرد. ابتدا یک واژه کلیدی برای توصیف مفهوم اصلی انتخاب شد، سپس مترادف‌ها برای رسیدن به یک نتیجه معنی‌دار با حداقل نقاط ازدست‌رفته استفاده شدند. در نتیجه، این سه واژه کلیدی در یک جستجوی حرفه‌ای، در قسمت عنوان، چکیده و کلیدواژه‌های مقاله مورداستفاده قرار گرفتند: «ورود بانک خارجی»، «تصمیم ورود در بانکداری» و «شیوه ورود بانک‌ها».

## انتخاب منابع مرتبط

نویسنده، معیارهای شمول و عدم شمول را برای ترسیم و ارزیابی دانش به طور نظام‌مند اعمال کرد. تمام مقالات شناسایی شده، باتوجه‌به این معیارها کنترل شده و فقط مطالعات مناسب موجود در پایگاه‌داده‌ها مورداستفاده قرار گرفته است. اطلاعات دقیق در مورد مطالعات استفاده شده و حذف شده، در قسمت پیوست آورده شده است تا پایایی مرور را نشان دهد.

در جستجوی واژه کلیدی، این مطالعه از معیارهای زمانی و زبانی تعیین شده برای فیلترکردن نتایج به طور نظام‌مند استفاده کرد. سپس، نتایج به‌صورت دستی، از طریق خواندن چکیده‌ها برای حذف منابع نامربوط غربالگری شدند. سپس نوبت به ارزیابی متن کامل رسید. در نتیجه تجزیه‌وتحلیل در این مرحله، پایگاه‌داده‌های مورداستفاده این مطالعه، به ترکیب نهایی خود رسید. شکل ۱.۲ این فرایند را در با عدد نشان می‌دهد.



شکل 2.1: فرآیند جمع آوری داده‌ها

## معیارهای شمول و عدم شمول

مقالات باید سه معیار را جهت استفاده در مطالعه داشته باشند. اول، مطالعات باید به تصمیمات توسعه خارجی بانک‌های چندملیتی، تصمیمات استراتژیک در بازار میزبان از نظر شیوه ورود و پیامدهای آن بر بازار میزبان مرتبط باشد. اینها حوزه اصلی سؤالات تحقیق هستند. ثانیاً، مطالعات نباید قدیمی‌تر از ۱۵ سال، یعنی آخرین مرور نوشته شده توسط کلارک و همکاران باشد (۲۰۰۳). در نهایت، همه مقالات باید به زبان انگلیسی باشند تا در این مرور نظام‌مند گنجانده شوند. به‌عنوان معیارهای عدم شمول، سه مسئله اصلی در نظر گرفته شده است. اولاً، این مطالعه تنها بر مقالات منتشر شده در مجلات دانشگاهی بین‌المللی متمرکز بود؛ بنابراین، سایر انتشارات مانند کتابچه‌های همایش‌ها و کتاب‌ها یا مقالات منتشر نشده حذف شدند. در مرحله دوم، مطالعات از لحاظ عینیت آنها، برای جلوگیری از خطر سوگیری ارزیابی شد. پژوهش‌های دارای بورسیه[[4]](#footnote-4)، برای حفظ عینیت از مجموعه‌داده حذف شدند. ثالثاً، مقالات غیرپژوهشی حذف شدند تا مبانی نظری محکمی وجود داشته باشد. در نتیجه، تنها از مطالعات تجربی، کمی و کیفی در محدوده این مرور نظام‌مند استفاده می‌شود.

## غربالگری و احراز شایستگی

این مطالعه نتایج جستجو را با استفاده از شکل ۲.۱ برای روشن‌شدن انتخاب و نیز برای نشان‌دادن جریان اطلاعات در مراحل مختلف ثبت کرد (Moher, Liberati, Tetzlaff, & Altman, 2009). همان‌طور که در ۱.۲ مشاهده می‌شود، در مجموع ۱۴۱ نتیجه از طریق جستجو در پایگاه‌داده شناسایی شد. بااین‌حال، تنها ۱۱۹ مقاله پس از حذف مقالات تکراری از هر دو پایگاه‌داده باقی ماند. در ادامه فرایند غربالگری دستی بامطالعه عنوان و چکیده هر مطالعه، ۸۸ مقاله به دلیل نامرتبط بودن بر اساس معیارهای شمول حذف شدند؛ لذا نویسنده، متن کامل ۳۱ مقاله باقیمانده را بررسی کرد تا صلاحیت آنها را اندازه‌گیری کند و سپس ۳ مورد از آنها را به دلیل معیارهای عدم شمول مانند خطر سوگیری، مرتبط نبودن موضوع و همایشی بودن مقاله حذف کرد. در نهایت، این فرایند با انتخاب ۲۸ مطالعه مرتبط برای بررسی به روشی ترکیبی در یک مرور نظام‌مند به پایان رسید.

## طبقه‌بندی مطالعات انتخاب شده

به‌منظور ترسیم تصمیمات توسعه خارجی بانک‌های چندملیتی، این تحقیق مقالات انتخاب شده را بر اساس چارچوب مرور، در سه حوزه دسته‌بندی کرد:

* محرک‌های توسعه خارجی
* کاربست‌های تصمیمات ورود برای کشور میزبان
* تأثیرات آن بر بازارهای میزبان.

بنابراین، این مناطق بیانگر دلایل، پدیده و پیامدهای موضوع هستند.

ازآنجایی‌که هدف این مطالعه مرور ادبیات برای ارائه نقشه حضور خارجی بانک‌های چندملیتی بود، درک انگیزه‌های توسعه بانک‌های چندملیتی، گام آغازین پژوهش است. سپس، بررسی حالت‌های مختلف ورود به همراه مزایا و معایب آن‌ها، مبنایی برای ترسیم الگویی برای اشکال سازمانی فراهم می‌کند. در نهایت، اثرات تصمیمات ورود بانک‌های چندملیتی بر کشور میزبان، برای پیش‌بینی پیامدهای احتمالی سیاست‌گذاران در آینده مهم است. با این ساختار، پژوهش سعی دارد تصمیمات توسعه خارجی بانک‌های چندملیتی را با دلایل و پیامدهای استراتژی انتخاب شده ارائه دهد.

یافته‌های ادبیات کنونی، از نظر دلایل گسترش خارجی، بر دودسته عوامل خاص مکانی و مالکیتی تأکید می‌کنند. از سوی دیگر، تصمیمات ورود بانک‌های خارجی در نتیجه ترکیب ادبیات انتخاب شده، به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود: وام‌دهی فرامرزی، نهادسازی، و تملک. علاوه بر این انواع، شکل سازمانی بانک‌های چندملیتی در کشور میزبان، به حوزه‌های متمایز به‌عنوان دفتر نمایندگی، آژانس، شعبه، شرکت تابعه و سرمایه‌گذاری مشترک تقسیم می‌شود. در نهایت، حضور بانک خارجی چهار تأثیر اساسی بر کشور میزبان دارد: رقابت، اعطای وام به کسب‌وکارهای خرد و متوسط، نرخ بهره بازار و ثبات مالی.

در نتیجه تجزیه‌وتحلیل مقالات استفاده شده، این مرور، به پاسخ‌های مطلوبی برای هر سؤال رسید.

# منابع

* Battilossi, S. (2006). The determinants of multinational banking during the first globalisation 1880–1914. European Review of Economic History, 10(3), 361–388.
* Boustanifar, H. (2014). Information acquisition, foreign bank entry, and credit allocation. The Quarterly Review of Economics and Finance, 54, 324–336.
* Buch, C. M., Koch, C. T., & Koetter, M. (2014). Should I stay or should I go? Bank productivity and internationalization decisions. Journal of Banking & Finance, 42, 266–282.
* Cerutti, E., Dell’Ariccia, G., & Martinez Peria, M. S. (2007). How banks go abroad: Branches or subsidiaries? Journal of Banking & Finance, 31, 1669–1692.
* Clarke, G. R., Cull, R., Martinez Peria, M. S., & Sanchez, S. M. (2003). Foreign bank entry: Experience, implications for developing economies, and agenda for further research. World Bank Research Observer, 18, 25–59.
* Claeys, S., & Hainz, C. (2014). Modes of foreign bank entry and effects on lending rates: Theory and evidence. Journal of Comparative Economics, 42,160–177.
* Degryse, H., Havrylchyk, O., Jurzyk, E., & Kozak, S. (2012). Foreign bank entry, credit allocation and lending rates in emerging markets: Empirical evidence from Poland. Journal of Banking & Finance, 36, 949–2959.
* De Haas, R., & van Lelyveld, I. (2006). Foreign banks and credit stability in Central and Eastern Europe: A panel data analysis. Journal of Banking & Finance, 30, 1927–1952.
* Gwen, R. (2010). Guidance notes on planning a systematic review. Galway: James Hardiman Library.
* Hersh, A. S., & Weller, C. E. (2012). Increased competition from large foreign lenders threatens domestic banks. Washington: Economic Policy Institute.
* Hryckiewicz, A., & Kowalewski, O. (2010). Economic determinates, financial crisis and entry modes of foreign banks into emerging markets. Emerging Markets Review, 11, 205–228.
* Lehner, M. (2009). Entry mode choice of multinational banks. Journal of Banking & Finance, 33, 1781–1792.
* Leung, M. K., Young, T., & Fung, M. K. (2008). The entry and exit decisions of foreign banks in Hong Kong. Managerial and Decision Economics, 29(6),503–512.
* Li, Q., Zeng, Y., & Zhang, B. (2013). Market characteristics and entry modes of foreign banks. China Economic Review, 24, 26–41.
* Moher, D., Liberati, A., Tetzlaff, J., & Altman, D. G. (2009). Preferred reporting items for systematic reviews and meta-analyses: The PRISMA statement. The BMJ, 339, 1–8.
* Molyneux, P., Nguyen, L. H., & Xie, R. (2013). Foreign bank entry in South East Asia. International Review of Financial Analysis, 30, 26–35.
* Petrou, A. (2009). Foreign market entry strategies in retail banking: Choosing an entry mode in a landscape of constraints. Long Range Planning, 42, 614–632.
* Tranfield, D., Denyer, D., & Smart, P. (2003). Towards a methodology for developing evidence-informed management knowledge by means of systematic review. British Journal of Management, 14(3), 207–222.
* Van Tassel, E., & Vishwasrao, S. (2007). Asymmetric information and the mode of entry in foreign credit markets. Journal of Banking & Finance, 31, 3742–3760.
* Williams, B. (2009). Multinational banking and global capital markets. In International economics, finance and trade (pp. 1–29). Singapore: Eolss Publishers Co. Ltd.
* Xu, Y. (2011). Towards a more accurate measure of foreign bank entry and its impact on domestic banking performance: The case of China. Journal of Banking & Finance, 35, 886–901.

# فصل دوم: انگیزه‌های اصلی بانک‌های چندملیتی برای گسترش خارجی

# چکیده

در نتیجه بررسی، «دلایل» اصلی تصمیمات توسعه خارجی بانک‌های چندملیتی در دو انگیزه اصلی به‌عنوان عوامل مکان محور و عوامل مالکیتی خلاصه شده‌اند. ادغام کشور مبدأ و کشور میزبان، فرصت‌های بازار در کشور میزبان و مقررات کشور میزبان، تحت محرک‌های زبان‌محور طبقه‌بندی می‌شوند. درحالی‌که اندازه، کارایی و عملکرد و مقررات کشور مبدأ تحت عوامل خاص مالکیت قرار می‌گیرند. (مروری از مقالات تحت عنوان «دلایل» چارچوب مرور که انگیزه‌های اصلی تصمیمات توسعه خارجی بانک‌های چندملیتی را در جداول ۵.۱ و ۵.۲ باتوجه‌به عوامل مکانی و عوامل خاص مالکیتی در یک ردیف توضیح می‌دهد. این جداول در فصل ۵ قرار دارند.)

**واژگان کلیدی: دلایل توسعه بانک‌های خارجی، عوامل بین‌المللی شدن بانکداری، فرصت‌های بازار برای بانک‌های بین‌المللی**

# عوامل خاص مکانی

## ادغام کشور مبدأ و کشور میزبان

یکپارچگی بین کشورهای مبدأ و میزبان به سطح بالایی از تجارت و سرمایه‌گذاری میان کشورها اشاره دارد که جریان پولی زیادی ایجاد می‌کند. به همین دلیل، حجم تراکنش‌های بانکی فرصت‌های سودآوری برای بانک‌های چندملیتی فراهم می‌آورد. بسیاری از مطالعات، هم‌راستا با این ایده، رابطه معناداری بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تصمیمات ورود بانک‌های چندملیتی پیدا کرده‌اند، زیرا این بانک‌ها به دنبال سود بیشتر از مشتریان فعلی خود هستند که در کشورهای خارجی سرمایه‌گذاری می‌کنند (Hryckiewicz & Kowalewski, 2010; Leung, Young, & Fung, 2008; Petrou, 2007). این رویکرد در ادبیات به‌عنوان دنبال‌کردن مشتری[[5]](#footnote-5) شناخته می‌شود. ازآنجاکه رابطه موجود با مشتریان، اطلاعات ارزشمندی درباره کسب‌وکار آن‌ها فراهم می‌کند که به کاهش هزینه‌ها و ریسک‌ها کمک می‌کند، دنبال‌کردن مشتری به بانک‌ها کمک می‌کند با حداقل نیاز به منابع، سهم بازار خود را در خارج از کشور افزایش دهند (Molyneux, Nguyen, & Xie, 2013).

درحالی‌که استفاده از مزیت دانش پایگاه مشتریان موجود یک عامل کلیدی است، منشأ بانک‌های چندملیتی اهمیت کلیدی در تعیین استراتژی‌های ورود دارد. بانک‌های خارجی از کشورهای درحال‌توسعه، بیشتر تمایل دارند مشتریان خود را در خارج از کشور دنبال کنند و وارد بازارهایی شوند که رابطه تجاری قوی با کشور مبدأ دارند. ازآنجاکه این بانک‌ها، در مقایسه با بانک‌های چندملیتی کشورهای توسعه‌یافته، از قابلیت‌های کمتری برخوردارند، بر سود حاصل از مشتریان داخلی خود تمرکز کرده و استراتژی‌های وام‌دهی فرامرزی را ترجیح می‌دهند. به‌این‌ترتیب، آن‌ها فرصت یادگیری از رقبا در خارج از کشور را پیدا می‌کنند و درعین‌حال، از طریق وام‌دهی فرامرزی، سود بدون ریسک از مشتریان موجود خود کسب می‌کنند.

در مراحل اولیه جهانی‌سازی، هدف قراردادن یک بخش خاص از بازار، حتی برای بانک‌های چندملیتی کشورهای توسعه‌یافته، یک الگوی رایج است. به‌عنوان‌مثال، بانک‌های بریتانیا در آغاز مسیر جهانی‌سازی خود، مشتریان خود را در مستعمرات بریتانیا دنبال کردند تا سهم بیشتری از بازارهای دوردست کسب کنند (Petrou, 2007).

اگرچه رویکرد «دنبال‌کردن مشتری» ممکن است انگیزه اصلی در شرایط یکپارچگی بالاتر باشد، اما ممکن است این فرضیه، برای همه کشورها قطعی نباشد. بسیاری از پژوهشگران، کاربردپذیری این فرضیه را زیر سؤال برده‌اند. برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که این فرضیه در اقتصادهای درحال‌توسعه، به دلیل کمبود رقابت داخلی نسبت به اقتصادهای توسعه‌یافته، کمتر مناسب است (Miller & Parkhe, 1998 cited in Clarke, Cull, Martinez Peria, & Sanchez, 2003; Molyneux et al., 2013). علاوه بر این، مجموعه‌داده‌های مطالعات تجربی ممکن است برای پشتیبانی از فرضیه «دنبال‌کردن مشتری» طی سال‌های طولانی کافی نباشد، زیرا ممکن است به دلیل تحولات اخیر در صنعت بانکداری، کاربردپذیری خود را از دست بدهند (Clarke et al., 2003). در دنیای امروز، تحول دیجیتال در خدمات بانکی، قواعد بازی را در سراسر جهان تغییر داده است؛ بنابراین، رویکرد دنبال‌کردن مشتری، ممکن است به دلیل افزایش ارتباطات و خدمات دیجیتال، مانند گذشته مؤثر نباشد.

به‌عنوان یک محرک دیگرِ سطح یکپارچگی، نزدیکی جغرافیایی و فرهنگی نقش مهمی در تصمیمات مکانی بانک‌های خارجی دارد. بانک‌های چندملیتی تمایل دارند در بازارهایی که هم از نظر جغرافیایی و هم از نظر فرهنگی به آن‌ها نزدیک‌ترند و سطح یکپارچگی بین کشور مبدأ و میزبان بالاتر است، مستقر شوند. به‌عنوان یک مثال برجسته، لیانگ و همکاران (۲۰۰۸) دریافتند که یک بانک خارجی با دفتر مرکزی در آسیا، بیشتر احتمال دارد وارد بازار هنگ‌کنگ شود، زیرا هزینه‌های تراکنش بین کسب‌وکارها پایین‌تر، انتقال دانش آسان‌تر و آشنایی با ارزش‌های فرهنگی در بازار میزبان بیشتر است.

یافته‌های لی، زِنگ و لیو (۲۰۱۴) نیز از ایده نزدیکی فرهنگی در تصمیمات ورود پشتیبانی می‌کنند. طبق پژوهش آن‌ها، از ۱۵ بانک خارجی وارد شده به بازار چین، ۱۳ بانک از آسیا هستند، درحالی‌که دو بانک دیگر منشأ آمریکایی دارند، اما بیش از ۲۰ سال در چین فعالیت داشته‌اند. دلیل اصلی این واقعیت، نقص اطلاعاتی است که موانع نامرئی برای بانک‌های چندملیتی ایجاد می‌کند. از آنجا که فاصله جغرافیایی به طور معمول به‌عنوان معیاری برای هزینه‌های اطلاعاتی استفاده می‌شود، بازارهای نزدیک‌تر هزینه‌های ورودی کمتری دارند، زیرا عدم تقارن اطلاعاتی در آن‌ها کمتر است (Buch, Koch, & Koetter, 2014).

علاوه بر این، بانک‌های خارجی تمایل دارند وارد کشورهایی شوند که ساختار نهادی و منشأ قانونی مشابهی با بازارهای مبدأ آن‌ها دارند تا از مزیت رقابتی خود به بهترین نحو استفاده کنند و هزینه‌های عملیاتی را کاهش دهند (Claessens & van Horen, 2009 and Galindo et al., 2003 cited in Hryckiewicz & Kowalewski, 2010). در نتیجه، بهترین راه برای بهره‌برداری از مزایای کشور میزبان، نزدیکی است، زیرا یکپارچگی را در تمامی ابعاد، از جمله جغرافیایی، فرهنگی و ساختار قانونی، تسهیل می‌کند و به لطف این مزیت اطلاعاتی، بهره‌وری بیشتری فراهم می‌سازد.

# فرصت‌های بازار و ویژگی‌های کشور میزبان

شرایط کشور میزبان از جنبه‌های مختلف بانک‌های خارجی را جذب می‌کند. چندین مطالعه نشان داده‌اند که درآمد سرانه بالاتر (Brealey & Kaplanis, 1996, Buch, 2000 and Yamori, 1998 cited in Clarke et al., 2003)، شکاف بیشتر نرخ بهره (Buch, 2000 cited in Hryckiewicz & Kowalewski, 2010) و نرخ رشد اقتصادی بالاتر (Focarelli & Pozzolo, 2005 cited in Hryckiewicz & Kowalewski, 2010) در کشور میزبان، منجر به حضور بیشتر بانک‌های خارجی می‌شود، زیرا این عوامل فرصت‌های سودآور ایجاد می‌کنند.

بحران‌های مالی نیز تصمیمات ورود به بازارهای نوظهور را تسهیل می‌کنند. با کاهش قیمت خرید در کشور میزبان و نیاز بازار بانکی به وام‌دهندگان بیشتر، بانک‌های چندملیتی فرصتی برای بهره‌برداری از این موقعیت، با تأمین منابع مالی برای بانک‌های محلی در دوران بحران‌های مالی پیدا می‌کنند. به‌عنوان‌مثال، زمانی که بانک ایرلندی متحدین[[6]](#footnote-6) در سال ۲۰۱۰، برنامه‌ای برای فروش سهام خود در لهستان برای افزایش سرمایه در دوران بحران مالی اعلام کرد، بیش از دوازده بانک چندملیتی به خرید سهام این بانک علاقه‌مند شدند (Hryckiewicz & Kowalewski, 2010).

علاوه بر شرایط اقتصادی، سطح توسعه بازار میزبان فرصت‌های موجود در آن بازار را متفاوت می‌سازد. بازارهای بانکی توسعه‌یافته‌تر، تعداد بیشتری از بانک‌های بین‌المللی را با حجم بازار بزرگ‌تر جذب می‌کنند (Buch et al., 2014). حتی برای بانک‌های کمتر کارآمد، ورود به این بازارها زمانی سودآور می‌شود که بازار بانکی بزرگ‌تر و با تعداد مشتریان بیشتری همراه باشد (Lehner, 2009). ازآنجاکه این بازارها شفافیت بیشتری برای ارزیابی کیفیت وام‌گیرندگان فراهم می‌کنند، وابستگی به اطلاعات نرم کاهش می‌یابد؛ بنابراین، بانک‌های چندملیتی می‌توانند با کاهش هزینه‌های اطلاعاتی، از مزایای اندازه بازار بهره‌مند شوند (Buch et al., 2014; Li, Zeng, & Zhang, 2013). علاوه بر این، سطح پیشرفته مقررات در این کشورها، ورود بانک‌های خارجی را در مقایسه با بازارهای کمتر توسعه‌یافته، آسان‌تر می‌کند.

به‌عنوان یک گزینه جایگزین، حتی باوجود هزینه‌های بالاتر ورود ناشی از محدودیت‌های نظارتی، فرصت‌های سودِ بیش از حد، در کشورهای درحال‌توسعه، باعث ورود بانک‌های خارجی به این بازارها می‌شود. علاوه بر جمعیت بیشتر که سهم بیشتری از بازار را ارائه می‌دهد، تقاضای بالاتر برای خدمات مالی در بازارهای درحال‌توسعه، به‌عنوان مشوقی برای بانک‌های خارجی عمل می‌کند (Clarke et al., 2003)؛ بنابراین، به دلیل نبود رقابت در بانکداری، تقاضای بیشتر برای خدمات و هزینه‌های کمتر، بهره‌برداری از فرصت‌های سودآور در این بازارها اولویت پیدا می‌کند (Molyneux et al., 2013).

علاوه بر این، برخلاف فرضیه «دنبال‌کردن مشتری»، حضور بانک‌های چندملیتی باعث جذب شرکت‌های غیربانکی به کشورهای درحال‌توسعه می‌شود، زیرا فرصت تأمین مالی در بازارهای خارجی با روابط بانکی موجود فراهم می‌شود (Clarke et al., 2003; Molyneux et al., 2013). در بلندمدت، ورود بانک‌های خارجی از طریق ارائه فرصت‌های تأمین مالی، شرکت‌های بین‌المللی را تشویق می‌کند که گسترش به این بازارها را در نظر بگیرند. در نهایت، فرصت‌های موجود در بازار میزبان، شرایط مساعد بیشتری را از نظر ویژگی‌های بازار ایجاد می‌کند. به‌عنوان‌مثال، آسیا به دلیل فرصت‌های موجود مانند تقاضای بالاتر برای محصولات مالی، جمعیت بیشتر، و جنبش‌های آزادسازی برای افزایش بهره‌وری بانکداری و همچنین جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بانک‌های خارجی را جذب می‌کند.

## مقررات کشور میزبان

بانک‌های خارجی در کشورهایی که محدودیت‌های نظارتی کمتری بر صنعت بانکداری دارند سرمایه‌گذاری می‌کنند تا هزینه‌های ورود را کاهش دهند (Clarke et al., 2003; Temesvary, 2014)؛ به همین دلیل، بهبود مقررات کشور میزبان در صنعت بانکداری، باعث حضور بیشتر بانک‌های خارجی می‌شود، به‌ویژه از طریق خرید بانک‌های محلی که سطح درگیری بیشتری با بازار فراهم می‌کنند. (Hryckiewicz & Kowalewski, 2010). از سوی دیگر، محدودیت‌های شدیدتر بر فعالیت‌های بانکی و مقررات سرمایه‌ای، حضور بانک‌های خارجی را کاهش می‌دهد، زیرا بر حاشیه سود و حجم فعالیت‌ها تأثیر منفی می‌گذارد (Buchet al. , 2014).

تأثیرات مقررات کشور میزبان بر حضور بانک‌های خارجی در هر مورد متفاوت است، زیرا ویژگی‌های بازارها منحصربه‌فرد هستند. اگرچه محدودیت‌های نظارتی در صنعت بانکداری، سطح عملیات در کشور میزبان را تعیین می‌کنند، اما به طور غیرمنتظره‌ای، چِروتی، دِل آریچا و مارتینِز (۲۰۰۷) دریافتند که مقررات کشور میزبان، در مورد فعالیت‌های بانکی، تأثیر معناداری بر فرایند تصمیم‌گیری برای انتخاب شکل سازمانی در کشورهای آمریکای لاتین و اروپای شرقی ندارد. بااین‌حال، تِسای، چانگ و شیائو (۲۰۱۱) دریافتند که محدودیت‌های نظارتی بر فعالیت‌های بانکی در چین، بانک‌های چندملیتی را وادار می‌کند که شعب را به‌جای شرکت‌های تابعه ترجیح دهند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت در یافته‌ها ناشی از تفاوت‌های مبتنی بر کشورها بررسی شده است.

به‌عنوان یک مثال برجسته از اثرات نظارتی، روند متغیر آزادسازی در اندونزی بین دهه‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰، الگوی متمایزی را در ورود بانک‌های خارجی در یک کشور واحد ایجاد کرد. تا پیش از اصلاحات بانکی در سال ۱۹۸۸، بانک‌های خارجی با ایجاد شعب وارد بازار می‌شدند. سپس، تا تصویب قانون جدید بانکی در سال ۱۹۹۲ که اجازه خرید سهام بانک‌های داخلی را می‌داد، تأسیس سرمایه‌گذاری‌های مشترک به‌عنوان شکل غالب سازمانی توسط بانک‌های خارجی استفاده می‌شد. پس از بحران ۱۹۹۷، ورود نهادسازانه جایگزین تملک شد، زیرا آزادسازی بیشتری در مورد مقررات بانکی صورت گرفت (Mulyaningsih, Daly, & Miranti, 2015).

از سوی دیگر، مقررات مالیاتی، تأثیر قابل‌توجهی بر تصمیمات مکانی بانک‌های چندملیتی و همچنین سطح عملیات آن‌ها در بازار میزبان دارد (Hultman & McGee, 1989 cited in Clarke et al., 2003). نرخ‌های مالیاتی پایین، بانک‌های خارجی را جذب می‌کند تا با کاهش هزینه‌ها حاشیه سود بیشتری کسب کنند. مالیات‌های بالاتر باعث ورود از طریق شعب می‌شود، زیرا انتقال سود فرامرزی آسان‌تر است، درحالی‌که مالیات‌های پایین‌تر، خرید بانک‌های محلی را تشویق می‌کند (Cerutti et al., 2007).

ازآنجاکه موانع اطلاعاتی در بازار، انگیزه ورود بانک‌های خارجی را کاهش می‌دهد (Buch, 2003 cited in Lehner & Schnitzer, 2008)، محیط قانونی کشور میزبان که در بازار مالی شفافیت ایجاد می‌کند، اهمیت زیادی برای جذب بانک‌های چندملیتی دارد. در تصمیمات ورود، کشورهای کمتر توسعه‌یافته هزینه‌های غربالگری بالاتری برای سرمایه‌گذاری خارجی دارند (Lehner & Schnitzer, 2008) و نبود مقررات برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در این بازارها، ورود خارجی‌ها را محدود می‌کند.

به‌عنوان یک مثال تجربی جالب، مطالعاتی درباره تصمیمات ۱۰۰ بانک چندملیتی برتر نشان داده است که وجود دفاتر خصوصی امتیازدهی اعتباری، تمایل به ورود را افزایش می‌دهد، درحالی‌که دفاتر اعتباری عمومی، تأثیر معناداری بر تصمیمات ورود بانک‌های چندملیتی ندارند (Tsai, Chang, & Hsiao, 2011). توضیحی جامع برای این ترجیح می‌تواند به کیفیت اطلاعات مرتبط باشد، زیرا بانک‌های چندملیتی در بازارهایی فعالیت می‌کنند که اطلاعات دقیق و منسجم در زمان کوتاهی در دسترس است؛ بنابراین، قانون‌گذاران باید بر بهبود کیفیت اطلاعات در بازار از طریق ایجاد سیستم‌های امتیازدهی اعتباریِ بهتر کار کنند تا حضور بانک‌های خارجی را بیشتر تشویق کنند.

# مؤلفه‌های خاص مالکیت

## مقیاس

بسیاری از پژوهشگران همبستگی معناداری بین اندازه بانک‌ها و حضور خارجی آن‌ها یافته‌اند (Grosse & Goldberg, 1991, Tschoegl, 1983, Ursacki & Vertinsky, 1992, and Williams, 1996 cited in Leung et al., 2008) زیرا اندازه در بسیاری از زمینه‌ها مزایای رقابتی ایجاد می‌کند. اولاً، اندازه بزرگ‌تر موجب صرفه به مقیاس بیشتری می‌شود و هزینه‌های نظارت بر وام‌ها را کاهش می‌دهد که این امر ورود به بازارهای خارجی را آسان‌تر می‌کند (Berger & Mester, 1997, Fama, 1985, and Hughes & Mester, 1998 cited in Leung et al., 2008). ثانیاً، بانک‌های بزرگ‌تر، مشتریان چندملیتی بیشتری دارند که به خدمات در بازارهای دوردست نیاز دارند؛ بنابراین آن‌ها ترجیح می‌دهند مشتریان خود را دنبال کنند تا روابط خود را در هر مکان حفظ کنند. ثالثاً، فعالیت در بازارهای مختلف برای بانک‌های بزرگ‌تر، امکان تنوع‌بخشی ریسک را فراهم می‌کند. برخی از خدمات مالی، مانند مدیریت پرتفوی نیز از ورود بانک‌های بزرگ‌تر به بازارهای مختلف حمایت می‌کنند، زیرا آن‌ها قادرند خدمات بهتری ارائه دهند (Clarke et al., 2003). علاوه بر این، بانک‌های بزرگ‌تر، دارای مزایای اطلاعاتی و اعتباری بیشتری هستند که اعتبار بین‌بانکی و سهم بازار را در بازارهای خارجی تسهیل می‌کند (Leung et al., 2008).

مطالعات تجربی (۲۰۰۷) نشان داده است که بانک‌های چندملیتی از کشورهای توسعه‌یافته، تمایل بیشتری به خدمت‌رسانی به بازارهای بین‌المللی گسترده دارند، زیرا اندازه آن‌ها بزرگ‌تر است. وی دریافت که بانک‌های کشورهای توسعه‌یافته، شش برابر بزرگ‌تر از بانک‌های کشورهای درحال‌توسعه هستند و طبیعتاً پنج برابر حضور بین‌المللی بیشتری دارند. این بانک‌ها ترجیح می‌دهند از طریق شرکت‌های تابعه با مالکیت جزئی وارد بازارهای خارجی شوند، زیرا می‌توانند به دلیل تخصص خود در فرایندهای جهانی‌سازی، شراکت را مدیریت کنند. از سوی دیگر، بانک‌های چندملیتی کشورهای درحال‌توسعه، بیشتر تمایل دارند از طریق سرمایه‌گذاری‌های کاملاً متعلق به خود، وارد بازارهای خارجی شوند، زیرا به دلیل کمبود تجربه در جهانی‌سازی نمی‌توانند شراکت را به‌خوبی مدیریت کنند؛ بنابراین، سطح بین‌المللی‌سازی مزایای خاص خود را از طریق افزایش بهره‌وری در عملیات خارجی به همراه دارد، اما این امر به‌شدت با اندازه بانک مرتبط است که توانایی‌ها، منابع، تصمیمات ورود و موفقیت‌های بعدی در کشور میزبان را تعیین می‌کند (Petrou, 2007).

تِمِشواری(۲۰۱۴)، بر خلاف این پژوهشگران، دریافت که بین اندازه و نفوذ خارجی بانک‌ها در ایالات متحده همبستگی وجود ندارد. وی با استفاده از رشد دارایی به‌عنوان معیاری برای اندازه، نتیجه‌گیری کرد که بانک‌های کوچک‌تر ایالات متحده حضور خارجی خود را سریع‌تر از بانک‌های بزرگ‌تر این کشور توسعه داده‌اند. بااین‌حال، وی با ادبیات موجود درباره این ادعا موافق است که تجربه قبلی در بین‌المللی‌سازی به گسترش خارجی بانک‌ها کمک می‌کند.

به‌عنوان یک یافته جالب دیگر، لیانگ و همکاران (۲۰۰۸)بازار هنگ‌کنگ را بررسی کردند و دریافتند که بانک‌های خارجی باتجربه بین‌المللی بیشتر، می‌توانند در مدت‌زمان کوتاه‌تری وارد بازار کشور میزبان شوند. بااین‌حال، خروج از این بازار برای این بانک‌ها نسبت به همتایانشان زمان بیشتری می‌برد.

## کارایی و عملکرد

بانک‌های کارآمد بیشتر تمایل دارند که با استفاده از روش‌های پیچیده‌تر در خارج از کشور توسعه یابند و فرایند بین‌المللی‌سازی، آن‌ها را در طول زمان بهره‌ورتر می‌سازد (Lehner, 2009). از سوی دیگر، بانک‌های بهره‌ورتر حجم بیشتری از دارایی‌های خارجی را نگه می‌دارند که این امر ناشی از فعالیت‌های گسترده‌تر آن‌ها در خارج از کشور است (Buch et al., 2014). به‌عنوان‌مثال، لیانگ و همکاران (۲۰۰۸) دریافتند که بانک‌های خارجیِ باتجربه بیشتر در بازارهای بین‌المللی، زمان کمتری برای ورود به بازار هنگ‌کنگ صرف می‌کنند. بر اساس مطالعه تجربی آن‌ها، حضور در بازارهای دوردست نه‌تنها کارایی بانک‌های چندملیتی را افزایش می‌دهد، بلکه موفقیت آن‌ها را در بازارهای میزبان نیز بهبود می‌بخشد، زیرا تنوع در ریسک ارزی و وام‌دهی را به همراه دارد و تخصص آن‌ها را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، هرچه بانک بین‌المللی‌تر باشد، به دلیل افزایش کارایی، بازدهی بیشتری از دارایی‌های خود در طول زمان به دست می‌آورد. یافته‌های فوکارِلی و پوتسولو (2000)(نقل شده در کلارک و همکاران (2003))، درباره همبستگی مثبت بین درآمدهای غیرمشاع و حضور خارجی بانک‌ها، به‌صورت تجربی این رابطه را اثبات می‌کند.

قدرت مالی بانک‌ها نقش مهمی در نفوذ خارجی ایفا می‌کند، زیرا به آن‌ها کمک می‌کند تا در بازارهای دوردست هزینه‌ها را به طور مؤثر مدیریت کرده و در نهایت از طریق تعامل با بازیگران محلی، مزیت اطلاعاتی کسب کنند (Li et al., 2014). علاوه بر این، بانک‌هایی که توانایی مالی بالاتری دارند ممکن است ترجیح دهند از اشکال مختلف ورود در یک بازار استفاده کنند تا باتوجه‌به ویژگی‌های خاص آن کشور، حداکثر سود را کسب کنند. به‌عنوان نمونه، بانک‌های جهانی شناخته‌شده (مانند سیتی بانک، بی‌اِن‌پی کاری با و دویچه بانک) ترجیح می‌دهند در بازارهای دوردست، از استراتژی‌های ترکیبی استفاده کنند. مشخص شده است که آن‌ها در شهرهای کمتر توسعه‌یافته چین، برای بهره‌برداری از مزیت اطلاعاتی، سهام بانک‌های محلی را خریداری می‌کنند. درحالی‌که در شهرهای توسعه‌یافته‌تر، شرکت‌های تابعه و شعبه‌هایی ایجاد می‌کنند تا با مزیت هزینه‌ای، سهم بیشتری از بازار به دست آورند (Li et al., 2013).

برگر و همکاران (۲۰۰۰) (نقل شده در کلارک و همکاران (۲۰۰۳)) دریافتند که بانک‌های محلی در کشورهای توسعه‌یافته، کارآمدتر از بانک‌های خارجی عمل می‌کنند، درحالی‌که در کشورهای درحال‌توسعه، کارایی کمتری نسبت به بانک‌های خارجی دارند. جالب اینجاست که در ایالات متحده، بانک‌های محلی عملکردی کمتر کارآمد از بانک‌های خارجی دارند؛ بنابراین، انتظار می‌رود در صنعت بانکداریِ اقتصادهای درحال‌توسعه، ادغام‌های فرامرزی بیشتری صورت گیرد، زیرا بانک‌های داخلی در این مناطق به نسبت ناکارآمدتر هستند. این امر به این معناست که فرصت‌های سود فراوانی برای بانک‌های چندملیتی کارآمد در این بازارها وجود دارد. بانک‌های خارجی از کشورهای توسعه‌یافته بیشتر تمایل دارند وارد بازارهای درحال‌توسعه شوند تا از فرصت‌های موجود در بازارهای بانکی ناکارآمد، با استفاده از منابع و مزیت رقابتی خود در مقابل بانک‌های موجود بهره‌برداری کنند. آن‌ها سعی می‌کنند مشکل بیگانگی[[7]](#footnote-7) را با کارایی عملیات، منابع بیشتر، و توانایی‌های بالاتر متعادل کنند (Petrou, 2007).

## مقررات کشور مبدأ

مقررات کشور مبدأ، تأثیر چشمگیری بر تصمیم ورود بانک‌های چندملیتی دارد، زیرا ممکن است هزینه سرمایه‌گذاری را افزایش داده و کارایی را کاهش دهد. برای مثال، محدودیت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی[[8]](#footnote-8) ممکن است باعث کاهش سطح حضور خارجی بانک‌ها و همچنین شرکت‌های غیرمالی شود (Clarke et al., 2003). فوکارِلی و پوت‌سولو (۲۰۰۰) همچنین دریافتند که محدودیت‌های نظارتی بر بانک‌های داخلی، احتمال ورود خارجی را کاهش می‌دهد، زیرا آن‌ها مزیت رقابتی را در بازارهای جهانی از دست می‌دهند. این یافته ارزشمند تأیید می‌کند که همان‌طور که در بخش قبلی بدان اشاره شد، هرگونه محدودیت نظارتی در بخش بانکداری، ناکارآمدی‌هایی را به همراه دارد که حضور خارجی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر، زمانی که منشأ بانک‌های چندملیتی از کشورهای با درآمد بالا باشد، بانک‌های خارجی بهتر از رقبای داخلی عمل می‌کنند (Claessens & van Horen, 2009 cited in Hryckiewicz & Kowalewski, 2010). ازآنجایی‌که مقررات بازار داخلی به‌طورکلی در این کشورها برای توسعه فعالیت‌های بانکی به‌خوبی تثبیت شده، بانک‌ها به دلیل کسب مهارت در بازار داخلی از توانایی‌های بالاتری نسبت به رقبای خود برخوردار هستند.

# خلاصه مدیریتی

عوامل وابسته به مکان برای بانک‌های چندملیتی به سه دسته تقسیم می‌شوند: اشتراکات بین کشور مبدأ و میزبان، فرصت‌های بازار در کشور میزبان و مقررات کشور میزبان. سطح بالاتر اشتراکات بین کشور مبدأ و میزبان، بانک‌های چندملیتی را به ورود به بازارهای دوردست تشویق می‌کند، زیرا هزینه‌ها و ریسک‌ها کاهش می‌یابند. این موضوع به دلایل زیر است:

* کاهش عدم تقارن اطلاعاتی؛
* امکان استفاده از روابط موجود با مشتریان از طریق رویکرد دنبال‌کردن مشتری (Hryckiewicz & Kowalewski, 2010; Molyneux et al., 2013; Petrou, 2007)
* کاهش اثرات منفی ناشی از بیگانگی از طریق نزدیکی جغرافیایی و فرهنگی (Li et al., 2014)

محرک‌های اصلی ورود بانک‌های خارجی به بازارهای میزبان از دید فرصت‌های بازار عبارت‌اند از:

* درآمد سرانه بالاتر؛
* شکاف نرخ بهره بیشتر؛
* نرخ رشد اقتصادی بیشتر؛
* بحران‌های مالی که هزینه ورود از طریق تملک را کاهش می‌دهند (Hryckiewicz & Kowalewski, 2010)

علاوه بر این، بازارهای توسعه‌یافته، بانک‌های چندملیتی را با اندازه بازار بزرگ‌تر، هزینه‌های ورود کمتر و سطح پیشرفته مقررات بانکی جذب می‌کنند (Molyneux et al., 2013). در مقابل، بازارهای درحال‌توسعه فرصت‌های محلی بیشتری ارائه می‌دهند که ناشی از تقاضای بیشتر برای خدمات بانکی، نبود رقابت، و هزینه‌های کمتر نسبت به کارایی است (Clarke et al., 2003).

سطح پیشرفته مقررات در صنعت بانکداری و محدودیت‌های کمتر در ورود بانک‌های خارجی، بانک‌های چندملیتی را به ورود به کشور میزبان ترغیب می‌کند (Temesvary, 2014)؛ درحالی‌که مقررات سخت‌گیرانه‌تر، ورود بانک‌های خارجی را با کاهش سودآوری از طریق افزایش هزینه‌ها محدود می‌کند (Buch et al., 2014). عدم تقارن اطلاعاتی نیز نقش مهمی در تصمیمات ورود دارد؛ بنابراین، چارچوب قانونی که موانع اطلاعاتی را در کشور میزبان از بین می‌برد، هزینه‌های ورود را کاهش داده و بانک‌های خارجی را جذب می‌کند (Lehner & Schnitzer, 2008). وجود سیستم گزارش‌دهی اعتباری در کشور میزبان، دسترسی به اطلاعات را افزایش داده و ورود بانک‌های چندملیتی را تشویق می‌کند. درعین‌حال، تسای و همکاران (۲۰۱۱) دریافتند که دفاتر عمومی اعتباری، در مقابل دفاتر خصوصی امتیازدهی اعتباری، تأثیر معناداری بر تصمیمات ورود بانک‌های خارجی ندارند.

می‌توان عوامل مختص مالکیت را که توسعه خارجی بانک‌های چندملیتی را هدایت می‌کنند، در سه دسته اصلی طبقه‌بندی کرد: اندازه، کارایی و عملکرد و مقررات کشور مبدأ. بانک‌های بزرگ‌تر به دلیل استراتژی‌های متنوع‌سازی ریسک، مزیت رقابتی در برخی محصولات و داشتن مشتریان چندملیتی که به خدمات در خارج نیاز دارند، تمایل بیشتری برای توسعه خارجی دارند. علاوه بر این، بانک‌های بزرگ‌تر، بیشتر به توسعه خارجی می‌پردازند تا هزینه‌ها را از طرق زیر کاهش دهند: (Leung et al., 2008)

* صرفه به مقیاس
* مزایای اطلاعاتی
* شهرتی که دریافت اعتبار بین‌بانکی را تسهیل می‌کند

علاوه بر این، بانک‌های چندملیتی از کشورهای توسعه‌یافته، به دلیل اندازه نسبتاً بزرگ‌تر خود که کارایی را تسهیل می‌کند، حضور خارجی بیشتری نسبت به همتایانشان در کشورهای درحال‌توسعه دارند**.**

علاوه بر این، بانک‌های کارآمدتر تمایل بیشتری به توسعه در بازارهای خارجی دارند و فرایند بین‌المللی‌سازی آن‌ها را در طول زمان بهره‌ورتر می‌سازد (Lehner, 2009) که این امر ناشی از تنوع‌بخشی ریسک ارزی و وام‌دهی همراه با افزایش تخصص است (Leung et al., 2008).

از نظر کارایی و عملکرد، توان مالی بانک‌های چندملیتی، توسعه خارجی را تسریع می‌کند، زیرا موجب کارایی هزینه‌ای در بازار میزبان می‌شود و مزیت رقابتی فراهم می‌کند (Li et al., 2014). به‌عنوان یک نمونه بارز، بانک‌های چندملیتی از کشورهای توسعه‌یافته، بیشتر به بازارهای درحال‌توسعه وارد می‌شوند تا با مزیت رقابتی خود از فرصت‌های ناشی از ناکارآمدی بازار بانکی این کشورها بهره‌برداری کنند؛ لذا این بانک‌ها می‌توانند اثرات منفی ناشی از بیگانگی را با کارایی عملیات خود کاهش دهند (Petrou, 2007).

یکی دیگر از عوامل مربوط به مالکیت، الزامات نظارتی کشور مبدأ است که تأثیر بسیاری بر تصمیمات ورود بانک‌های چندملیتی دارد؛ زیرا هزینه سرمایه‌گذاری را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. به‌عنوان‌مثال، محدودیت‌ها بر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی می‌تواند سطح نفوذ خارجی بانک‌ها را کاهش دهد. علاوه بر این، الزامات نظارتی کشور مبدأ بر مزیت رقابتی در بازارهای دوردست و همچنین سطح کارایی تأثیر می‌گذارد (Clarke et al., 2003). بانک‌های چندملیتی از کشورهای با درآمد بالا، معمولاً در بازارهای خارجی عملکرد بهتری دارند، زیرا محیط نظارتی توسعه‌یافته در کشور مبدأ آن‌ها، توانایی‌های بیشتری نسبت به رقبایشان در کشور میزبان برای این بانک‌ها ایجاد کرده است (Hryckiewicz & Kowalewski, 2010).

# منابع

* Buch, C. M., Koch, C. T., & Koetter, M. (2014). Should I stay or should I go? Bank productivity and internationalization decisions. Journal of Banking & Finance, 42, 266–282.
* Cerutti, E., Dell’Ariccia, G., & Martinez Peria, M. S. (2007). How banks go abroad: Branches or subsidiaries? Journal of Banking & Finance, 31, 1669– 1692.
* Clarke, G. R., Cull, R., Martinez Peria, M. S., & Sanchez, S. M. (2003). Foreign bank entry: Experience, implications for developing economies, and agenda for further research. World Bank Research Observer, 18, 25–59.
* Hryckiewicz, A., & Kowalewski, O. (2010). Economic determinates, financial crisis and entry modes of foreign banks into emerging markets. Emerging Markets Review, 11, 205–228.
* Lehner, M. (2009). Entry mode choice of multinational banks. Journal of Banking & Finance, 33, 1781–1792.
* Lehner, M., & Schnitzer, M. (2008). Entry of foreign banks and their impact on host countries. Journal of Comparative Economics, 36, 430–452.
* Leung, M. K., Young, T., & Fung, M. K. (2008). The entry and exit decisions of foreign banks in Hong Kong. Managerial and Decision Economics, 29(6), 503-512.
* Li, Q., Zeng, Y., & Liu, B. (2014). Asymmetric information, foreign entry and multi-period credit competition in banking industry. The Quarterly Review of Economics and Finance, 54, 16–229.
* Li, Q., Zeng, Y., & Zhang, B. (2013). Market characteristics and entry modes of foreign banks. China Economic Review, 24, 26–41.
* Molyneux, P., Nguyen, L. H., & Xie, R. (2013). Foreign bank entry in South East Asia. International Review of Financial Analysis, 30, 26–35.
* Mulyaningsih, T., Daly, A., & Miranti, R. (2015). Foreign participation and banking competition: Evidence from the Indonesian banking industry. Journal of Financial Stability, 19, 70–82.
* Petrou, A. (2007). Multinational banks from developing versus developed countries: Competing in the same arena? Journal of International Management, 13, 376–397.
* Temesvary, J. (2014). The determinants of U.S. banks’ international activities. Journal of Banking & Finance, 44, 233–247.
* Tsai, H., Chang, Y., & Hsiao, P. H. (2011). What drives foreign expansion of the top 100 multinational banks? The role of the credit reporting system. Journal of Banking & Finance, 35, 588–605.

## فصل سوم: تصمیمات ورود به بازار در بانک‌های چندملیتی

# چکیده

در فصل پیش به تحلیل و بررسی علل توسعه خارجی بانک‌های چندملیتی پرداخته شد. حال به بررسی فرایند تصمیم‌گیری بانک‌های چندملیتی در مورد استراتژی‌های ورود به بازار تحت عنوان «پدیده» می‌پردازیم. بانک‌های خارجی با درنظرگرفتن سه عامل زیر، برای نحوه ورودشان به یک بازار دوردست تصمیم‌گیری می‌کنند: انگیزه اصلی برای توسعه خارجی، یک مزیت رقابتی در آن بازار و شرایط کشور میزبان. با اینکه این اولویت‌های بانک‌های چندملیتی در یک بازار خارجی است که نحوه ورودشان را تعیین می‌کند، اما نیاز به دسترسی به منابع محلی، خصوصاً اطلاعات نرم، همچنین تمایل به کنترل ورود بازیگران خارجی، نقاط اصلی موردتوجه در فرایند تصمیم‌گیری راجع به نحوه ورود به بازار هستند. گاهی اوقات ممکن است کشورهای میزبان با استفاده از سازوکارهای ویژه‌ای به تصمیمات بازیگران خارجی شکل‌دهی کنند؛ مانند ارائه مشوق‌ها، درخواست اصلاحاتی خاص یا محدودسازی فعالیت‌ها از طریق تنظیم‌گری. این فصل به توضیح گزینه‌های محتمل نوع ورود به بازار توسط بانک‌های چندملیتی در بازارهای دوردست می‌پردازد و در این راستا منافع بانک‌های چندملیتی و کشورهای میزبان را در نظر می‌گیرد. بر اساس اولویت‌بندی انگیزه‌های فعالیت خارجی، یک بانک چندملیتی می‌تواند به‌صورت وام‌دهی فرامرزی، نهادسازی[[9]](#footnote-9) یا تملک وارد بازار شود. پس از آزمودن انواع مختلف ورود به بازار در شرایط متغیر، مدیران ارشد با الگوی جهانی‌سازیِ انواع ورود به بازارِ بانک‌های چندملیتی، بر فرایند تصمیم‌گیری تأثیر می‌گذارند (در فصل‌های آتی، جدول ۵.۳ مزایا و معایب چند استراتژی ورود مشخص را نشان می‌دهد. این بخش در فصل پنجم بیان شده است تا کاربست‌های مدیریتی را به طور عمیق‌تر و با استفاده از خلاصه فصل‌های گذشته ارزیابی کند).

**واژگان کلیدی: بانکداری فرامرزی، بانک‌های نهادساز، تملک بانک**

# تصمیمات ناظر به نوع ورود

## وام‌دهی فرامرزی

وام‌دهی فرامرزی بدین معنی است که بانک‌ها بدون اینکه در کشور میزبان حضور فیزیکی پیدا کنند در بازارهای خارجی شروع به وام‌دهی می‌کنند. بانک‌های بسیاری مشتری‌های چندملیتی دارند، لذا ترجیح می‌دهند ابتدا از این مشتری‌ها حمایت مالی کنند. وابسته‌سازی از طریق وام‌دهی فرامرزی یک‌قدم اولیه در فرایند جهانی‌سازی است. توانایی پایین بانک‌های چندملیتی در غربالگری، علت اصلی وام‌دهی فرامرزی است؛ افزایش کارایی در فرایند غربالگری مشتریان، در نهایت باعث حرکت بانک‌ها به سمت الگوهای نهادسازی و تملک می‌شود (Lehner, 2009).

این نوع از حضور خارجی، برای بازارهای کمتر توسعه‌یافته و کشورهای میزبان کوچک مطلوب است، چرا که به نسبت دیگر انواع ورود، روابط امن‌تری را ایجاد می‌کند (Lehner, 2009). با اینکه وام‌دهی فرامرزی برای بانک‌ها از نظر امنیت سرمایه کم‌ریسک‌تر است، می‌تواند برای کشور میزبان ریسک عدم ثبات مالی را به همراه داشته باشد؛ زیرا این نوع سرمایه‌گذاری‌ها در زمان‌های بحران به‌سادگی از بین می‌روند (Clarke, Cull, Martinez Peria, & Sanchez, 2003). برای وام‌دهندگان فرامرزی، به نسبت ساده است که در زمان بحران پولشان را از کشور میزبان پس بگیرند، لذا امن‌ترین گزینه از لحاظ امنیت سرمایه به‌حساب می‌آید. از سوی دیگر، بسیاری از محققان استدلال می‌کنند که در زمان بحران، سقوط سطح اعتباری وام‌دهندگان فرامرزی کمتر از کاهش ارزش سرمایه‌گذاری‌های بانک‌های محلی است (De Haas & van Lelyveld, 2006). بااین‌حال این یافته‌ها سیاست‌گذاران را از وضع مالیات‌های سنگین‌تر و ایجاد کنترل سرمایه‌ای برای وام‌دهی فرامرزی باز نمی‌دارد، چرا که قصد آن‌ها پرهیز از نوسانات در طول دوره بحران است (Lehner, 2009).

به علت فراهم‌کردن امنیت سرمایه بیشتر در یک بازار دوردست، ورود به شیوه وام‌دهی فرامرزی برای بسیاری از بانک‌های چندملیتی، در ابتدای فرایند جهانی‌شدن، گزینه بهینه است؛ بنابراین، با درنظرگرفتن عوامل خاص محلی، بانک‌های چندملیتی می‌توانند از فرصت‌های بازارهای خارجی، با تقبل ریسک‌های مالی کمتر استفاده کنند. باوجوداینکه ادغام کشور میزبان و میهمان در بازار میزبان به نسبت کمتر اتفاق می‌افتد، بسیاری از بانک‌های چندملیتی مشتریانشان را که در بازارهای خارجی سرمایه‌گذاری می‌کنند دنبال می‌کنند، تا روابط اعتباری خود را با یک مشتری شناخته شده را در قالب وام‌دهی فرامرزی ادامه دهند. وام‌دهنگان فرامرزی برای اعتبارسنجی مشتریان محلی، دسترسی به اطلاعات نرم در آن بازارها ندارند؛ لذا ترجیح می‌دهند تا در مرحله اول ارتباط با مشتریان فرامرزی خود را حفظ کنند. بااین‌حال در دنیای مالی، ریسک‌های بزرگ‌تر بازدهی‌های بیشتر را به دنبال دارد؛ لذا ماندن در منطقه امن برای شناخت بازار در ابتدای کار استراتژی مناسبی است؛ اما در بلندمدت، بانک‌های چندملیتی، برای کسب سهم بیشتری از بازار، باید به سراغ اتخاذ استراتژی‌های با سطح ادغام بیشتر بروند.

نهادسازی[[10]](#footnote-10) (نوپا)

نهادسازی به معنای حضور در کشور میزبان برای ارائه خدمات بانکی است. بانک‌های نهادساز فرصت‌های بیشتری برای ورود به بازار در اختیار دارند، چرا که هویت قانونی آن‌ها به‌عنوان یک نهاد جداگانه در بازار شناخته می‌شود. مقررات کشور میزبان تأثیر زیادی بر فرایند تصمیم‌گیری نهادسازی دارند، زیرا برای این نوع سرمایه‌گذاری نباید محدودیت وجود داشته باشد (Petrou, 2009).

رشد اقتصادی بالا در کشور میزبان، می‌تواند به‌عنوان یکی از انگیزاننده‌های بانک‌ها برای اتخاذ استراتژی ورود به نهادسازی باشد، تا از طریق بازتخصیص سرمایه، به سرمایه‌گذاری‌های با ظرفیت بازدهی بیشتر دست یابند (De Haas & van Lelyveld, 2006). افزایش ارزش ارز کشور میزبان نیز می‌تواند بانک‌ها را به اتخاذ استراتژی نهادسازی تشویق کند؛ چرا که در این حالت فرصت‌های درآمدی افزایش می‌یابد (Hryckiewicz & Kowalewski, 2010). در این حالت بانک خارجی می‌تواند در یک ارز باارزش کسب درآمد کند، پس این یک کسب‌وکار سودآور با کنترل بیشتر بر سهم بازار است. همچنین با افزایش قیمت ارز کشور میزبان، هزینه تملک کسب‌وکار بالا می‌رود که این خود مشوقی برای ورود به نهادسازی است.

بانک‌های نهادساز با سطح عملیات گسترده‌شان می‌توانند سهم بازار بیشتری را از آن خود کنند؛ اما باید با استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته غربالگری و به‌دست‌آوردن اطلاعات بازار در طول زمان، بر چالش عدم تقارن غلبه کنند. برای مثال در اقتصادهای پیشرفته، استراتژی نهادسازی کم‌تر مؤثر است، زیرا بنگاه‌های کمی در بازار تازه‌واردند و اطلاعات مربوط به پایگاه مشتریان فعلی، بلافاصله در دسترس یک بانک خارجی نیست (Claeys & Hainz, 2014). از سوی دیگر، چند دوره رقابت در بازار میزبان، باعث کاهش برتری اطلاعاتی بانک‌های محلی می‌شود و بانک‌های خارجی در این مدت با الگوهای وا‌م‌دهی و نیز توانایی قرض‌گیرندگان در بازار آشنا شده‌اند. در این شرایط و با کاهش ارزش اطلاعات، نهادسازی آسان‌تر و به لحاظ اقتصادی موجه‌تر می‌شود (Li, Zeng, & Zhang, 2013).

بانک‌های خارجی، پس از آشناشدن با شرایط بازار میزبان و به‌دست‌آوردن اطلاعات نرم در مورد وام‌گیرندگان، می‌توانند به افراد نسبتاً غیرشفافی که در غیر این حالت نمی‌توانستند از یک بانک خارجی استقراض کنند، وام بدهند؛ بنابراین، بانک‌های نهادساز با افزایش پایگاه مشتریان در طول زمان، جای پایشان را در بازار میزبان محکم می‌کنند. همچنین در برخی مطالعات استدلال می‌شود که استراتژی ورود نهادسازی برای وام‌دهندگان کوچک مفید است، چرا که بر عکس بانک‌های بزرگ که بیشتر در فکر افزایش سهم بازار هستند، به وام‌دهی به کسب‌وکارهای خرد و کوچک تمایل دارند (DeYoung et al., 1999 cited in Clarke et al., 2003).

بانک‌های خارجی، به دو علت، برای اتخاذ استراتژی ورود نهادسازی، در بازارهای بانکی توسعه‌یافته‌تر، انگیزه بیشتری دارند:

* شفافیت بیشتر موجب کاهش اتکا به اطلاعات نرم شده است؛ و
* این کشورها بازارهای بزرگ‌تری دارند که فرصت‌های درآمدی بیشتری را ارائه می‌دهند (Li et al., 2013).

زمانی که نیاز به اطلاعات محلی کاهش پیدا می‌کند، استراتژی ورود نهادسازی نسبت به دیگر انواع ورود به بازار درآمدزایی بیشتری خواهد داشت. ورود به بازار از طریق نهادسازی، سهم بازار بیشتری نسبت به وام‌دهی فرامرزی به ارمغان می‌آورد، زیرا در این حالت کنترل بیشتری بر بازار خارجی وجود دارد. علاوه بر این، افزایش سودآوری در نهادسازی نسبت به خرید یک بانک موجود بیشتر است، چرا که در این حالت هزینه خرید وجود ندارد؛ بنابراین، در بازارهای توسعه‌یافته‌تر، بانک‌های چندملیتی باید استراتژی ورود از طریق نهادسازی را اتخاذ کنند تا از فرصت‌های بهتر در بازار میزبان بهره‌مند شوند (Lehner, 2009).

طبق مطالعه تجربی دیگری سه، هاوریلچیک، جورزیک و کوزاک (۲۰۱۲) درباره بازار بانکی لهستان، بانک‌های نهادساز کارآمدتر از سایر بانک‌ها هستند و این بهره‌وریِ برتر، به‌صورت سود باقی می‌ماند و به وام‌گیرندگان منتقل نمی‌شود. ازآنجاکه این بانک‌ها تمایلی به اعطای وام‌های بلندمدت ندارند و ترجیح می‌دهند به مشتریان شفاف‌تر اعتباردهی کنند، می‌توانند با استفاده از ارز خارجی، سطح کارایی خود را از طریق کاهش هزینه‌ها حفظ کنند. همچنین، به علت دسترسی به بازارهای سرمایه بین‌المللی از طریق بانک‌های مادر، مزیت رقابتی آن‌ها افزایش می‌یابد؛ لذا این بانک‌ها وام‌های بیشتری با ارز خارجی و دوره‌های سررسید کوتاه‌تر، به شرکت‌های چندملیتی و شرکت‌های صادرکننده می‌دهند (Jeon, Olivero, & Wu, 2013).

تملک

تملک به معنای خرید تعداد زیادی سهام از یک بانک داخلی برای فعالیت در یک بازار جدید است. این استراتژی در مقایسه با سایر روش‌ها، با سرعت بیشتری سهم بازار بانک را افزایش می‌دهد، زیرا از طریق یک بانک محلی، دسترسی سریع‌تری به سپرده‌های محلی، پایگاه مشتریان موجود و اطلاعات نرم درباره بازار پیدا می‌کند.

بر اساس مطالعه هریکویچ و کوالوسکی (۲۰۱۰)، کاهش ارزش پول کشور میزبان باعث جذاب‌تر شدن استراتژی تملک می‌شود، زیرا بانک‌های خارجی می‌توانند به دلیل وخامت اوضاع اقتصادی در بازار میزبان، دارایی‌ها را باقیمت پایین‌تری خریداری کنند. نتایج تجربی آن‌ها نشان می‌دهد که بیشتر بانک‌های چندملیتی، در طول بحران‌های اقتصادی، وارد بازارهای نوظهور می‌شوند تا از مزیت قیمت‌های پایین‌تر برای تملک استفاده کنند. بااین‌حال، کارایی استراتژی ورود از طریق تملک، به الزامات نظارتی و تفاوت‌های بین کشور مبدأ و میزبان بستگی دارد. در صورت وجود موانع نظارتی بالا و تفاوت‌های میان کشور مبدأ و میزبان، همکاری مشترک که مبتنی بر شراکت موقت است، می‌تواند مقدمه‌ای برای تملک باشد؛ زیرا شریک می‌تواند به افزایش سطح آشنایی در بازارهای دوردست کمک کند (Petrou, 2009).

طبق نظر پترو (۲۰۰۹)، اگر نیاز به منابع محلی بالا باشد، تملک برای ورود به بازار ارجحیت دارد. اصلی‌ترین منبع محلی در یک بازار دوردست، اطلاعاتی است که بانک‌های خارجی نمی‌توانند در بازه زمانی کوتاه از آن بهره‌برداری کنند. ارزش اطلاعات نرم در این مناطق با وام‌گیرندگان غیرشفاف‌تر بالاتر است؛ بنابراین، احتمال بیشتری وجود دارد که بانک‌های خارجی، یک بانک محلی را در کشورهای میزبان کوچک‌تر و بازارهای بانکی کمتر توسعه‌یافته تملک کنند. ازآنجاکه رقابت در این بازارها تا حد زیادی به شناخت بازار وابسته است، بانک‌های خارجی می‌توانند با تملک یک بانک محلی که در زمینه اطلاعات نرم درباره پایگاه مشتریان موجود، مزیت نسبی دارد، سودآوری بیشتری داشته باشند (Lehner, 2009; Li et al., 2013).

لذا به دو علت، استراتژی تملک مزیت رقابتی بیشتری ایجاد می‌کند:

* بانک‌هایی که با این استراتژی ورود می‌کنند، با استفاده از تکنولوژی غربالگری پیشرفته‌تر می‌توانند متقاضیان جدیدی به دست آورند.
* بانک‌های چندملیتی، می‌توانند با استفاده از مزیت حضور و سابقه یک بانک محلی، از پایگاه مشتریان موجود سود کسب کنند.

با اینکه بانک‌های چندملیتی می‌توانند با استراتژی تملک، به طور مؤثری از اطلاعات موجود بهره‌برداری کنند، ارزش‌گذاری این اطلاعات برای قیمت‌گذاری با دشواری‌هایی همراه است. بانک‌های خارجی، هنگام تصمیم‌گیری برای تملک یک نهاد، به‌ویژه در بازارهای نوظهور، بانک‌های محلی کمتر رقابتی را هدف قرار می‌دهند که پرتفوی وام‌گیرندگانشان شفاف‌تر باشند. اما یافتن بانکی با وام‌گیرندگان شفاف در یک بازار دوردست، به دلیل عدم تقارن اطلاعاتی، فرایندی چالش‌برانگیز است. علاوه بر این، به دلیل اختلاف‌نظر میان مؤسسات اعتبارسنجی (مانند مودیز و S&P) درباره رتبه‌بندی‌ها، عدم قطعیت درباره ارزش اطلاعات افزایش می‌یابد. از آنجا که ماهیت دارایی‌های مالی، فرایند رتبه‌بندی را در الگوهای وام‌دهی پیچیده می‌کند، بسیاری از مؤسسات قادر نیستند تا رتبه‌بندی‌های خود را به‌صورت مداوم به‌روزرسانی کنند (Van Tassel & Vishwasrao, 2007).

علاوه بر این، ممکن است بازطراحی فرایندها دشوار باشد؛ چرا که ممکن است استانداردهای اعتباری و رویه‌های مدیریت ریسک بانک‌های تملک‌شده، در مقایسه با استانداردهای بانک‌های خارجی، مطلوبیت کافی را نداشته باشند (Jeon et al., 2013). تصمیم‌گیرندگان بانک‌های چندملیتی باید مزایا و چالش‌های ورود از طریق تملک را در نظر داشته باشند تا باتوجه‌به عوامل خاص مالکیتی و اثرات خاص موقعیتی، در یک بازار جدید سود بیشتری کسب کنند. به‌عنوان‌مثال، برای بانک‌های خارجی از کشورهای توسعه‌یافته، محتمل‌تر است که وارد بازارهای درحال‌توسعه شوند، تا با بهره‌گیری از مزیت رقابتی خود نسبت به بانک‌های موجود، از فرصت‌های موجود در بازارهای بانکی ناکارآمد استفاده کنند. بااین‌حال، نبود الزامات نظارتی در این بازارها، ریسک این بانک‌ها را افزایش می‌دهد؛ لذا نسبت به بازارهای توسعه‌یافته، به اطلاعات نرم بیشتری در این کشورها نیاز دارند؛ بنابراین، بانک‌های چندملیتی برای یافتن مسیر خود در این بازارها به تملک بانک‌های محلی نیاز دارند و باید مزایا و معایب آن را قبول کنند.

الگوی نوع ورود به بازار

بنا بر نظر لینر (۲۰۰۹)، این کارایی در غربالگری وام‌گیرندگان است که الگوهای ورود به بازار را در بانک‌های چندملیتی تعیین می‌کند، چرا که درآمدزایی در بازار دوردست متأثر از آن است. همان‌طور که در فصل دوم اشاره شد، تازه‌واردان بازار، با چالش «بیگانگی» مواجه‌اند، درحالی‌که بانک‌های محلی از مزیت رقابتی در زمینه اطلاعات برخوردارند. بانک‌های چندملیتی با کارایی پایین‌تر در غربالگری، برای ورود به بازار جدید، باید از استراتژی وام‌دهی فرامرزی استفاده کنند؛ و به این صورت به‌مرورزمان به دانش بازار در کشور میزبان دست پیدا می‌کنند. افزایش کارایی در غربالگری، با کاهش هزینه‌های ثابت ورود به بازار، منجر به نهادسازی می‌شود. در نهایت، به دلیل کاهش هزینه‌های تملک از طریق بهبود بهره‌وری، کارآمدترین بانک‌های چندملیتی می‌توانند با تملک یک بانک محلی وارد بازار شوند.

لینر (۲۰۰۹) کارایی غربالگری را به‌عنوان شاخصی از سطح توسعة کشور مبدأ نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. تحلیل نتایج وی نشان می‌دهد که بانک‌های چندملیتی مستقر در کشورهای توسعه‌یافته، تمایل دارند از طریق تملک وارد بازارهای خارجی شوند، درحالی‌که بانک‌های کشورهای کمتر توسعه‌یافته، معمولاً گزینه‌های نهادسازی و اعطای وام‌های فرامرزی را انتخاب می‌کنند. دلیل این تفاوت این است که بانک‌های چندملیتی کشورهای توسعه‌یافته، به دلیل برخورداری از توانایی غربالگری بالاتر، می‌توانند فرایند بین‌المللی شدن را از مراحل پیشرفته‌تری آغاز کنند و از مراحل ابتدایی اعطای وام‌های فرامرزی و نهادسازی صرف‌نظر کنند.

الگوهای ورود به بازار بانک‌های چندملیتی بر اساس کارایی آن‌ها در فرایند غربالگری

تأثیرات مدیران ارشد بر روی تصمیمات ورود به بازار

پترو (۲۰۰۹) دریافت که مدیران در بانکداری خرد، سه انگیزه اصلی برای ورود به بازار دوردست دارند:

* مقررات در کشور مبدأ و میزبان
* نیاز به منابع محلی برای ورود به بازار میزبان
* سطح آشنایی با شرایط بازار

مقایسه بین روش‌های ورود به بازار، باتوجه‌به نیازهای بانک‌های چندملیتی، می‌تواند این انگیزه‌ها را روشن سازد. اما نظریه «رده‌های بالا» [[11]](#footnote-11) نشان می‌دهد که انگیزه‌های شخصی و تجربیات گذشته مدیران اجرایی، تأثیر بیشتری بر تصمیمات ورود به بازار دارند تا دانش عقلایی (Hambrick & Mason, 1984). بسیاری از مدیران ارشد، به دلیل انگیزه‌های شخصی مانند منافع مالی یا کسب شهرت، گرایش به انتخاب گزینه‌های غیرعقلایی دارند که این امر می‌تواند به زیان بیشتری برای بانک‌های چندملیتی منجر شود.

همچنین، آشنایی با یک روش خاص ورود به بازار باعث می‌شود مدیران مایل باشند از استراتژی‌های مشابهی در بازارهای دوردست استفاده کنند. به‌عنوان‌مثال، «اِرسته بانک» اتریش در بازارهای مختلف، به‌ویژه در کشورهای اروپای شرقی، از استراتژی‌های مشابهی استفاده کرد، اما شکست فعالیت‌های آن در مجارستان بیانگر این است که حتی در بازارهای مشابه نیز ممکن است یک استراتژی واحد جوابگو نباشد (Petrou, 2009).

یافته‌های سراتی، دل‌آریچیا و مارتینز پریا (۲۰۰۷) نیز ایده سوگیری مدیریتی را تأیید کردند. آن‌ها در تحقیقاتشان نشان دادند که بانک‌های مادر تمایل دارند فراتر از محیط‌های نظارتی کشورهای مبدأ و میزبان، در شعب یا شرکت‌های تابعه فعالیت کنند. با اینکه آن‌ها تخصص و طراحی حاکمیت شرکتی بانک مادر را به‌عنوان دلیل این موضوع بیان می‌کنند، اما این احتمال وجود دارد که سوگیری مدیریتی در این مسئله تأثیر داشته باشد، زیرا آن‌ها نتوانستند رابطه معناداری بین اندازه بانک و تخصص در نوع ساختار سازمانی پیدا کنند.

خلاصه مدیریتی

اعطای وام‌های فرامرزی، گام ابتدایی در فرایند بین‌المللی شدن بانک‌ها محسوب می‌شود؛ زیرا در مقایسه با دیگر روش‌های ورود به بازار، روابط وام‌دهی نسبتاً ایمن‌تری ایجاد می‌کند. ویژگی‌های اصلی اعطای وام‌های فرامرزی عبارت‌اند از:

* توانایی غربالگری پایین‌تر، انگیزه اصلی برای انتخاب این استراتژی است.
* بانک‌های چندملیتی از طریق اعطای وام‌های فرامرزی، مشتریان خود را در بازارهای دوردست دنبال می‌کنند تا از عدم تقارن اطلاعاتی در بازار خارجی پرهیز کنند.
* بازارهای کمتر توسعه‌یافته و کشورهای کوچک‌تر در این مورد ارجحیت دارند (Lehner, 2009).
* این روش از طریق تسهیل خروج در زمان بحران‌های مالی، ایمنی دارایی‌ها را تضمین می‌کند (Clarke et al., 2003).

پس از مدتی، افزایش کارایی در توانایی‌های غربالگری، بانک‌ها را در فرایند بین‌المللی شدن به سمت نهادسازی سوق می‌دهد تا با سطح عملیات گسترده‌تر در کشور میزبان، سهم بیشتری از بازار را به دست آورند. ویژگی‌های اصلی این استراتژی ورود عبارت‌اند از:

* رشد بالای اقتصادی در کشور میزبان عامل اصلی نهادسازی است ((De Haas & van Lelyveld 2006. همچنین، کشورهای میزبان بزرگ‌تر با بازار وسیع‌تر، بانک‌های چندملیتی را به استفاده از این استراتژی، برای افزایش سودشان از بازار جذب می‌کنند ((Lehner, 2009.
* افزایش ارزش ارز کشور میزبان، با بالابردن سودآوری، یکی از مشوق‌های نهادسازی است (Hryckiewicz & Kowalewski, 2010).
* بانک‌های نهادساز، پس از کسب اطلاعات نرم در طول زمان، پایگاه مشتریان خود را به وام‌گیرندگان محلی در کشور میزبان گسترش داده‌اند (DeYoung et al., 1999 cited in Clarke et al., 2003).
* در این استراتژی، بازارهای توسعه‌یافته‌تر ترجیح داده می‌شوند، زیرا این کشورها شفافیت بیشتر و حجم بازار بزرگ‌تری دارند (Li et al., 2013).
* این روش به سبب ارائه کنترل بیشتر بر بازار خارجی، سهم بازار بزرگ‌تری نسبت به استراتژی اعطای وام‌های فرامرزی فراهم می‌کند.
* سود خالص این روش بالاتر از ورود از طریق تملک است، زیرا هزینه‌های تملک در این روش وجود ندارد (Lehner, 2009).

در مرحله نهایی نفوذ به بازارهای خارجی، کارآمدترین بانک‌های چندملیتی از نظر توانایی‌های غربالگری، از طریق تملک یک بانک محلی، وارد کشورهای میزبان می‌شوند. مشارکت تجاری[[12]](#footnote-12) که بر پایه یک شراکت موقت شکل می‌گیرد، می‌تواند در صورت وجود موانع نظارتی زیاد و تفاوت‌های میان کشور مبدأ و میزبان، مقدمه‌ای برای تملک باشد؛ زیرا شریک محلی به افزایش سطح آشنایی در بازار دوردست کمک می‌کند (Petrou, 2009). ویژگی‌های اصلی ورود از طریق تملک عبارت‌اند از:

* بانک‌های چندملیتی این استراتژی را برای دستیابی بهتر به منابع بازار محلی (Petrou, 2009)، بهره‌برداری از مزیت اطلاعاتی بانک‌های محلی (Van Tassel & Vishwasrao, 2007)، استفاده از مزیت مشتریان موجود (Claeys & Hainz, 2014) و افزایش کنترل بر بازارهای دوردست (Petrou, 2009) انتخاب می‌کنند.
* کاهش ارزش ارز کشور میزبان، مشوقی برای ورود از طریق تملک است، زیرا هزینه‌های تملک را کاهش می‌دهد (Hryckiewicz & Kowalewski, 2010).
* این روش در کشورهای میزبان کوچک‌تر و بازارهای کمتر توسعه‌یافته ترجیح داده می‌شود؛ زیرا بانک‌های چندملیتی، برای کسب سود در این بازارها، به اطلاعات نرم بانک‌های محلی متکی هستند (Lehner, 2009; Li et al., 2013).
* این روش نسبت به سایر استراتژی‌های ورود، سهم بازار را با سرعت بیشتری در اختیار بانک می‌گذارد؛ زیرا از طریق بانک محلی، سریع‌تر به سپرده‌های محلی، پایگاه مشتریان موجود، و دانش بازار دسترسی پیدا می‌کند (Hryckiewicz & Kowalewski, 2010).

به نظر لینر (۲۰۰۹)، بانک‌های چندملیتی از کشورهای توسعه‌یافته، به دلیل برخورداری از فناوری‌های غربالگری پیشرفته‌تر، ترجیح می‌دهند در همان ابتدا استراتژی تملک را انتخاب کرده و دو مرحله دیگر را نادیده بگیرند. در مقابل، بانک‌های چندملیتی از کشورهای کمتر توسعه‌یافته، در فرایند بین‌المللی شدن، به اعطای وام‌های فرامرزی و نهادسازی روی می‌آورند.

نقطه شروع تصمیمات استراتژیک مدیران ارشد بانک‌های چندملیتی در بازارهای دوردست، باید مقایسه میان روش‌های ورود به بازارهای خارجی، با درنظرگرفتن انگیزه‌های اصلی و سنجش مزایا و چالش‌های بالقوه باشد. اما برخی مطالعات نشان داده‌اند که سوگیری مدیریتی تأثیر بیشتری در تصمیم‌گیری نسبت به دانش موجود در ادبیات مرتبط با استراتژی‌های ورود دارد (Cerutti et al., 2007; Hambrick & Mason, 1984; Petrou, 2009). بسیاری از مدیران ارشد تمایل دارند به دلیل انگیزه‌های شخصی مانند کسب منافع مالی یا شهرت، گزینه‌های غیرعقلایی را انتخاب کنند. این امر منجر به زیان‌های زیادی برای بانک‌های چندملیتی می‌شود. همچنین، آشنایی پیشینی با یک روش خاص ورود به بازار، گرایش به استفاده از استراتژی‌های مشابه را در بازارهای دورتر ایجاد می‌کند. با درنظرگرفتن تمامی عوامل یاد شده، می‌توان نتیجه گرفت که تصمیم‌گیرندگان بانک‌های چندملیتی باید تمامی ابعاد فرایند ورود به بازارهای خارجی را مدنظر قرار دهند تا بیشترین بهره را در ازای تحمل کمترین ریسک ممکن، از آن ببرند.

منابع

* Cerutti, E., Dell’Ariccia, G., & Martinez Peria, M. S. (2007). How banks go abroad: Branches or subsidiaries? Journal of Banking & Finance, 31, 1669–1692.
* Claeys, S., & Hainz, C. (2014). Modes of foreign bank entry and effects on lending rates: Theory and evidence. Journal of Comparative Economics, 42, 160–177.
* Clarke, G. R., Cull, R., Martinez Peria, M. S., & Sanchez, S. M. (2003). Foreign bank entry: Experience, implications for developing economies, and agenda for further research. World Bank Research Observer, 18, 25–59.
* Degryse, H., Havrylchyk, O., Jurzyk, E., & Kozak, S. (2012). Foreign bank entry, credit allocation and lending rates in emerging markets: Empirical evidence from Poland. Journal of Banking & Finance, 36, 949–2959.
* De Haas, R., & van Lelyveld, I. (2006). Foreign banks and credit stability in Central and Eastern Europe: A panel data analysis. Journal of Banking & Finance, 30, 1927–1952.
* Hambrick, D. C., & Mason, P. A. (1984). Upper echelons: The organization as a reflection of its top managers. Academy of Management Review, 9, 193–206.
* Hryckiewicz, A., & Kowalewski, O. (2010). Economic determinates, financial crisis and entry modes of foreign banks into emerging markets. Emerging Markets Review, 11, 205–228.
* Jeon, B. N., Olivero, M. P., & Wu, J. (2013). Multinational banking and the international transmission of financial shocks: Evidence from foreign bank subsidiaries. Journal of Banking & Finance, 37, 952–972.
* Lehner, M. (2009). Entry mode choice of multinational banks. Journal of Banking & Finance, 33, 1781–1792.
* Li, Q., Zeng, Y., & Zhang, B. (2013). Market characteristics and entry modes of foreign banks. China Economic Review, 24, 26–41.
* Petrou, A. (2009). Foreign market entry strategies in retail banking: Choosing an entry mode in a landscape of constraints. Long Range Planning, 42, 614–632.
* Van Tassel, E., & Vishwasrao, S. (2007). Asymmetric information and the mode of entry in foreign credit markets. Journal of Banking & Finance, 31, 3742–3760.

## فصل چهارم: تأثیرات ورود خارجی بر کشور میزبان و دلالت‌های آن برای بانک‌های چندملیتی

# چکیده

پس از بررسی استراتژی‌های ورود به بازار، در این فصل، تأثیرات آن‌ها بر کشور میزبان، بر اساس چهارچوب مروری، در چهار دسته اصلی مطرح شده است: رقابت، وام‌دهی به شرکت‌های کوچک و متوسط، نرخ‌های بهره بازار، و ثبات مالی. درک «پیامدهای» استراتژی‌های ورود، به بانک‌های چندملیتی کمک می‌کند تا تغییرات احتمالی مقررات در کشور میزبان را در بلندمدت پیش‌بینی کنند؛ چرا که سیاست‌گذاران، در تصمیم‌گیری برای قوانین آینده، این پیامدها را برای حفاظت از منافع بازار میزبان مدنظر قرار می‌دهند. (نمای کلی از یافته‌های مطالعات مرتبط با «پیامدها» در چارچوب مرور، در جدول ۵.۴ ارائه شده است تا تأثیر حضور خارجی بر کشور میزبان، به‌صورت عمیق‌تری نمایش داده شود.)

**واژگان کلیدی: رقابت بانک خارجی، وام‌دهی به کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، نرخ‌های بهره کشور میزبان، حضور بانک خارجی**

# رقابت

بانک‌های خارجی بزرگ می‌توانند حاشیه سود خود را کاهش دهند؛ زیرا اندازه‌بزرگ آن‌ها، مزایایی همچون صرفه به مقیاس، الزامات سرمایه‌ای کمتر، دسترسی بهتر به منابع مالی بین‌المللی، حمایت مالی از سوی بانک مادر، هزینه‌های کمتر برای جذب سپرده به دلیل شهرت، فناوری پیشرفته‌تر در غربالگری و متنوع‌سازی ریسک از طریق جهانی‌شدن را به همراه دارد (Degryse, Havrylchyk, Jurzyk, & Kozak, 2012)؛ بنابراین، بانک‌های چندملیتی بزرگ می‌توانند با هزینه‌های عملیاتی کمتر، هزینه‌های سربار پایین‌تر و صرف بهره کمتری نسبت به رقبای محلی در کشور میزبان فعالیت کنند (Martinez Peria & Mody, 2004, Unite & Sullivan, 2003 and Manlagnit, 2011 cited in Mulyaningsih, Daly, & Miranti, 2015). از سوی دیگر، مزیت بانک‌های محلی این است که اطلاعات نرم و عمیقی از بازار در اختیار دارند که رقبای خارجی نمی‌توانند در بازه زمانی کوتاه به آن دست یابند.

با ورود بانک‌های چندملیتی، رقابت شدیدی آغاز می‌شود. این بانک‌ها با ارائه خدمات مالی بهتر و با قیمت‌های پایین‌تر، سودآوری مازاد بانک‌های داخلی را کاهش می‌دهند (Clarke, Cull, Martinez Peria, & Sanchez, 2003). علاوه بر این، مزیت اطلاعاتی بانک‌های محلی ممکن است برای رقابت با رقبای خارجیِ کارآمد کافی نباشد، زیرا معایب این بانک‌ها به‌تدریج و با استفاده از مزایای هزینه‌ای آن‌ها کاهش می‌یابد (Li, Zeng, & Liu, 2014). این بانک‌ها می‌توانند با استفاده از چندین استراتژی ورود، این موانع را دور بزنند. به‌عنوان‌مثال، ورود از طریق تملک باعث حذف اطلاعات نامتقارن می‌شود و بانک‌های چندملیتی می‌توانند با استفاده از فناوری پیشرفته خود در غربالگری و تطبیق آن با مزیت اطلاعاتی بانک تملک‌شده، در شرایط رقابتی بهتری قرار بگیرند (Lehner, 2009). از سوی دیگر، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری برای بانک‌های داخلی هنگام تملک بیشتر است.

به‌عنوان یکی دیگر از الگوهای متغیر در استراتژی‌های ورود، برخی مطالعات نشان می‌دهند که بانک‌های تأسیس‌شده از طریق استراتژی نهادسازی، رقابت بیشتری نسبت به ورود از طریق تملک در کشور میزبان ایجاد می‌کنند (Lehner & Schnitzer, 2008; Claeys & Hainz, 2006 cited in Lehner, 2009; Schmidt, 2009 cited in Hryckiewicz & Kowalewski, 2010). اولاً، در حالت نهادسازی تعداد بانک‌ها افزایش می‌یابد؛ درحالی‌که در روش تملک این تعداد ثابت می‌ماند (Claeys & Hainz, 2014). در ثانی، بانک‌های نهادساز، به دلیل هزینه‌های سربار کمتر می‌توانند فعالیت مقرون‌به‌صرفه‌تری داشته باشند. علاوه بر این، تلاش برای دستیابی سریع به سهم بازار در روش نهادسازی، باعث کاهش شدید نرخ بهره شده و رقابت بیشتری ایجاد می‌کند (Mulyaningsih et al., 2015). درعین‌حال، استراتژی نهادسازی برای بانک خارجی یک نقطه‌ضعف دارد؛ این بانک‌ها باید هزینه بیشتری برای کسب اطلاعات در مورد کشور میزبان متحمل شوند. درحالی‌که ورود از طریق تملک یک بانک محلی، موانع مرتبط با اطلاعات نرم را برای بانک‌های چندملیتی از بین می‌برد (Cerutti, Dell’Ariccia, & Martinez Peria, 2007).

یکی دیگر از مفاهیم مرتبط، سطح رقابت موجود در بازار میزبان است که می‌تواند استراتژی‌های ورود بانک‌های چندملیتی را شکل دهد. بر اساس نظر لینر و اِشنیتزِر (۲۰۰۸)، رقابت بیشتر در بازار میزبان، ورود از طریق نهادسازی را تشویق می‌کند، چرا که در محیطی با تعداد بانک‌های بیشتر، اثر سرایت[[13]](#footnote-13) کمتری وجود دارد. در مقابل، رقابت کمتر، ورود از طریق تملک را تشویق می‌کند، زیرا رفاه بین تعداد کم‌تری از بانک‌ها افزایش می‌یابد.

صرف‌نظر از انتخاب روش ورود، حضور بانک‌های خارجی تأثیرات متعددی بر سطح رقابت در بازار میزبان دارد. یکی از مهم‌ترین اثرات آن، افزایش کارایی در بخش بانکی کشور میزبان، از طریق تخصص بانک‌های چندملیتی و کاهش هزینه‌های تأمین مالی برای مشتریان محلی به دلیل کاهش نرخ‌های بهره است (Haselmann, 2006; Xu, 2011). به‌عنوان نمونه‌ای از بازار چین، شو (۲۰۱۱) عملکرد بانک‌های داخلی را، با استفاده از شاخص‌هایی مانند حاشیه سود خالص بهره، درآمدهای غیربهره‌ای، و هزینه‌ها مورد ارزیابی قرار داد تا تأثیر حضور بانک‌های خارجی بر بازار را بسنجد. وی دریافت که بانک‌های جهانی به افزایش کارایی بازار بانکی داخلی کمک می‌کنند و آزادسازی مالی در یک محیط نظارت شده و تنظیم‌شده، به بازاری کارآمدتر منجر می‌شود.

از سوی دیگر، لی (۲۰۰۸) دریافت که رابطه‌ای U شکل، بین حضور بانک‌های خارجی و ورود بانک‌های داخلی وجود دارد که به دلیل تعاملات نامتقارن ایجاد می‌شود. این بدین معناست که حضور بانک‌های خارجی، ممکن است در مراحل اولیه به بانک‌های داخلی آسیب بزند و با افزایش رقابت، فشار ایجاد کند، اما در مراحل بعدی، با تشویق ورود بانک‌های داخلی، فرصت‌آفرین است. از آنجا که بانک‌های خارجی با مشکل بیگانگی مواجه هستند، بانک‌های داخلی می‌توانند با استفاده از فرصت انتقال دانش بازار به بانک‌های چندملیتی از طریق تملک، عملیات جدیدی را راه‌اندازی کنند. این مطالعه به بحث‌های راجع به رقابت در برابر هم‌زیستی مربوط می‌شود و نشان می‌دهد که بانک‌های داخلی، می‌توانند در طول زمان یاد بگیرند که چگونه از فرصت‌های ایجادشده توسط رقبای خارجی بهره‌مند شوند. علاوه بر این، بانک‌های محلی می‌توانند از اثرات سرریز دانش بهره‌مند شوند؛ زیرا بانک‌های خارجی، فناوری‌های جدید، محصولات نوآورانه، ساختارهای پیشرفته حاکمیت شرکتی، استراتژی‌های بازاریابی بهتر، و شیوه‌های مدیریتی را به بازار میزبان وارد می‌کنند (Mulyaningsih et al., 2015). همچنین، بسیاری از مطالعات، به ارتباط میان رقابت در صنعت بانکی و سطح رشد اقتصادی اشاره کرده‌اند، با این استدلال که نرخ‌های بهره پایین، با تسهیل تأمین مالی، باعث رشد نوآوری و توسعه صنعتی می‌شوند (Jayaratne & Strahan, 1996, Levine et al., 2000, Collender & Shaffer, 2003 and Bikker et al., 2011 cited in Mulyaningsih et al., 2015).

می‌توان از بحث رقابت این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که: بانک‌هایی که در یک گروه استراتژیک قرار دارند، تصمیمات یکدیگر را به‌عنوان معیار دنبال می‌کنند و سعی می‌کنند استراتژی‌های موفق را تقلید کنند. رقابتی که ناشی از ورود بانک‌های خارجی است، علاوه بر چالش‌ها، مزایایی نیز برای بانک‌های داخلی به همراه دارد. در نتیجه این رقابت، بانک‌های داخلی به‌مرورزمان از نظر هزینه کارآمدتر شده‌اند و با الگوبرداری از بانک‌های چندملیتی، در بازار خود تصمیمات استراتژیک اتخاذ می‌کنند.

# وام‌دهی به کسب‌وکارهای خرد و متوسط

حضور بانک‌های خارجی، با تغییر الگوهای وام‌دهی، شرایط بازار را به‌ویژه در زمینه اعتباردهی به کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. این تغییر عمدتاً به دلیل معایب اطلاعاتی بانک‌های چندملیتی در بازار میزبان است (Clarke et al., 2003). به اذعان بسیاری از پژوهشگران، بانک‌های چندملیتی رفتار گزینش ممتاز[[14]](#footnote-14) دارند؛ به این معنا که آن‌ها بهترین وام‌گیرندگان، اغلب شرکت‌های بزرگ‌تر، را انتخاب می‌کنند و مشتریان نسبتاً مبهم‌تر را به بانک‌های محلی واگذار می‌کنند تا از بدین ترتیب ضعف اطلاعاتی خود را پوشش دهند (Boustanifar, 2014; Molyneux et al., 2013; Clarke et al., 2005, Mian, 2006 and Gormley, 2010 cited in Degryse et al., 2012; Giannetti & Ongena, 2008 cited in Claeys & Hainz, 2014).

رویکرد انتخاب برتر بانک‌های چندملیتی به بازار اعتبار کشور میزبان آسیب می‌زند؛ زیرا کسب‌وکارهای خرد و متوسط، تنها می‌توانند از بانک‌های داخلی وام بگیرند که ممکن است نرخ بهره بالاتری از آن‌ها دریافت کنند (Clarke et al., 2003). علاوه بر این، تغییر در تخصیص وام‌های بانک‌های داخلی، هنگام ورود از طریق نهادسازی شدیدتر است، زیرا این استراتژی رقابت را تقویت می‌کند. در مقابل، ورود از طریق تملک سرریز دانشی مثبت ایجاد می‌کند، زیرا تکنیک‌های غربالگری بانک‌های محلی با یادگیری روش‌های وام‌دهی مبتنی بر تراکنش، بهبود می‌یابد (Degryse et al., 2012). بااین‌حال، ورود از طریق تملک باعث کاهش تعداد بانک‌های داخلی می‌شود که نتیجه آن، کاهش سطح اعتبار برای تمامی شرکت‌ها، به‌ویژه کسب‌وکارهای خرد و متوسط است. در نتیجه، حضور گسترده‌تر بانک‌های خارجی، در هر حالتی به کاهش سطح اعتبار برای کسب‌وکارهای کوچک و متوسط منجر می‌شود. علاوه بر این، محدودیت‌های اعتباری برای شرکت‌های کوچک‌تر، برای ورود استارت‌آپ‌ها به بازار میزبان موانعی ایجاد می‌کند که در بلندمدت، بر رشد اقتصادی، تأثیر منفی خواهد گذاشت (Havrylchyk, 2012).

از طرفی، برخی از بانک‌های داخلی که در رقابت برای جذب مشتریان بزرگ‌تر حذف شده‌اند، ممکن است بر وام‌دهی به کسب‌وکارهای خرد و متوسط تمرکز کنند (Jenkins, 2000 cited in Clarke et al., 2003). علاوه بر این، تازه‌واردان به بازار به‌مرورزمان، با افزایش مزیت رقابتی و فناوری غربالگری پیشرفته، توانسته‌اند به تأمین مالی کسب‌وکارهای خرد و متوسط بپردازند. برخلاف ادبیات موجود، بوستانیفار (۲۰۱۴) نشان داد که ورود بانک‌های خارجی، باتوجه‌به فناوری غربالگری پیشرفته و فرصت‌های موجود در بازار، باعث افزایش وام‌دهی به مشتریان غیرشفاف‌تر می‌شود. علاوه بر این، حضور بانک‌های خارجی، موانع تأمین مالی، برای تمامی شرکت‌های حاضر در بازار را کاهش می‌دهد و در نهایت، کسب‌وکارهای خرد و متوسط نیز می‌توانند از تأمین مالی خارجی بهره‌مند شوند. همچنین، فشار رقابتی باعث افزایش کارایی در صنعت بانکی می‌شود که به نفع تمامی بازیگران بازار، از جمله کسب‌وکارهای خرد و متوسط، خواهد بود (Lehner & Schnitzer, 2008; Beck et al., 2010, De Haas & Naaborg, 2006 and de la Torre et al., 2010 cited in Boustanifar, 2014).

بر اساس مطالعه تجربی کلایز و هاینز (۲۰۱۴) بر روی بازار بانکی اروپای شرقی، مزیت اطلاعاتی تازه‌واردان بازار، تأثیر قابل‌توجهی بر رقابت دارد. مزیت اطلاعاتی بالاتر منجر به اتخاذ استراتژی‌های نهادسازی می‌شود که از طریق افزایش رقابت، نرخ‌های بهرهرا کاهش می‌دهد. سپس، افزایش کارایی در بازار بانکی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از فناوری‌های پیشرفته غربالگری، الگوهای وام‌دهی را به تمام انواع مشتریان، از جمله کسب‌وکارهای خرد و متوسط، گسترش می‌دهد. بااین‌حال، بازار مالی عمیق‌تر با عدم تقارن اطلاعاتی کمتر، تأثیر ناچیزی بر الگوی وام‌دهی به کسب‌وکارهای خرد و متوسط دارد.

# نرخ‌های بهره بازار

بانک‌های خارجی دارای شکاف نرخ بهره پایین‌تری هستند. این امر بانک‌های داخلی را مجبور می‌کند تا هزینه‌های خود را کاهش دهند (Marinez & Peria, 2004 cited in Lehner, 2009). الگوی تخصیص اعتبار بانک‌های خارجی، نرخ‌های بهره پایین‌تر را بر اساس وام‌های کوتاه‌مدت و وام‌های ارزی خارجی توضیح می‌دهد. بانک‌های چندملیتی ترجیح می‌دهند وام‌های کوتاه‌مدت بیشتری ارائه دهند، تا ریسک پول داغ[[15]](#footnote-15) را در صورت بروز بحران مالی کاهش دهند و مشکل عدم تقارن اطلاعاتی را حل کنند. علاوه بر این، این بانک‌ها عمدتاً وام‌های ارزی خارجی ارائه می‌دهند، زیرا از طریق بانک مادر و با استفاده از بازارهای سرمایه بین‌المللی تأمین مالی می‌شوند (Rodrik & Velasco, 2000 and Browne et al., 2008 cited in Degryse et al., 2012). بااین‌حال، انگیزه‌های اصلی بانک‌های خارجی، برای ارائه نرخ بهره پایین‌تر، بسته به کشورهای میزبان متفاوت است. برای مثال، دگریز و همکاران (۲۰۱۲) دریافتند که بانک‌های چندملیتی در لهستان نرخ بهره کمتری نسبت به رقبای داخلی خود اعمال نمی‌کنند.

علاوه بر شرایط کشور میزبان، استراتژی ورود بانک‌های چندملیتی نیز می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر نرخ‌های بهره بازار داشته باشد. در ورود از طریق نهادسازی، بانک خارجی پایین‌ترین نرخ بهره را اعمال می‌کند تا مشتریان داخلی را جذب کند (Van Tassel & Vishwasrao, 2007). در نتیجه، بانک‌های داخلی از بازار حذف می‌شوند. اما در ورود از طریق تملک، ممکن است بانک‌های خارجی از اطلاعات نرم به‌دست‌آمده از بانک‌های محلی، برای افزایش سهم بازار خود استفاده کنند و نرخ‌های بهره را، به‌اندازه بانک‌هایی که استراتژی نهادسازی را برای ورود انتخاب می‌کنند، کاهش ندهند (Claeys & Hainz, 2004 cited in Hryckiewicz & Kowalewski, 2010). ازآنجاکه بانک‌های داخلی ممکن است به دلیل موقعیت ضعیف‌تر اطلاعاتی دچار مشکل شوند، برای تأمین هزینه‌های بالاتر، نیاز به تأمین مالی با شکاف‌های بهره بیشتری دارند؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که هرچه عدم تقارن اطلاعاتی میان بانک‌های خارجی و داخلی بیشتر باشد، شکاف بیشتری در بهره‌ها ایجاد خواهد شد (Claeys & Hainz, 2014)؛ بنابراین، ورود به شیوه تملک، میانگین نرخ بهره بالاتری در بازار ایجاد می‌کند، حتی اگر هنوز هم کمتر از نهادسازی باشد. بااین‌وجود، این روش به بانک‌های داخلی کمک می‌کند تا در رقابتی با شدت کمتر، در بازار برجسته شوند (Van Tassel & Vishwasrao, 2007).

بسیاری از پژوهشگران معتقدند که ورود از طریق تملک، به دلیل منافع متقابل، گزینه‌ای مطلوب‌تری است؛ زیرا این روش با محدودکردن رقابت در نرخ‌های بهره و افزایش کارایی صنعت بانکی، به بقای بانک‌های داخلی کمک می‌کند و هم‌زمان، منافع بیشتری برای بانک‌های چندملیتی، از طریق شکاف‌های بهره بالاتر فراهم می‌کند (Tassel et al., 2007 and Peria & Mody, 2004 cited in Hryckiewicz & Kowalewski, 2010). از سوی دیگر، ورود از طریق نهادسازی باعث کاهش نرخ‌های بهره در بازار از طریق رقابت می‌شود. سیاست‌گذاران باید بین کاهش نرخ‌های بهره از طریق ورودی‌های نهادسازی و حمایت از بانک‌های داخلی از طریق تملک، موازنه برقرار کنند تا باتوجه‌به نیازهای کشور میزبان، از حضور بانک‌های خارجی به شکل بهینه بهره‌مند شوند.

ثبات مالی

ورود بانک‌های خارجی به بازار تأثیرات متعددی بر ثبات مالی کشور میزبان دارد، چرا که این امر، بازار را در معرض نوسانات اقتصادی در بازارهای خارجی و جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قرار می‌دهد. علاوه بر سطح نفوذ بانک‌های خارجی، انتخاب استراتژی ورود بانک‌های چندملیتی نیز، تأثیر قابل‌توجهی بر ثبات مالی بازار میزبان دارد.

یک واقعیت شناخته‌شده، این است که بانک‌های خارجی، امکان انتقال نوسانات اقتصادی از کشورهای مبدأ خود را به همراه دارند. انتقال شوک‌های مالی منفی از کشور مبدأ بانک‌های چندملیتی به بازار میزبان، به سطح روابط سرمایه داخلی میان بانک‌ها بستگی دارد. از آنجا که وابستگی بانک‌های نهادساز، به منابع مالی بین‌المللی، از جمله بانک‌های مادر، بیشتر است، این بانک‌ها از نظر ثبات مالی، آسیب‌زاتر از بانک‌های هستند که از طریق تملک وارد می‌شوند (Jeon, Olivero, & Wu, 2013). برای مثال، فروپاشی بازار سهام و املاک در ژاپن، در دهه ۱۹۹۰، باعث کاهش وام‌دهی شعب بانک‌های ژاپنی در بازار ایالات متحده شد و صنعت ساخت‌وساز در ایالات متحده تحت‌تأثیر قرار گرفت، زیرا بانک‌های ژاپنی در برخی از بازارهای املاک تجاری، فعالیت گسترده‌ای داشتند (Clarke et al., 2003).

علاوه بر انتقال شوک‌های منفی، بانک‌های چندملیتی از تأثیر سیاست‌های پولی کاسته و بازار اعتباری کشور میزبان را تغییر می‌دهند. بر اساس مطالعات تجربی در بازارهای آسیایی، تأثیرات خنثی‌کننده بانک‌های خارجی بر سیاست‌های پولی در دوره‌های بحران بیشتر است (Wu, Luca, & Nam Jeon, 2011; Jeon & Wu, 2014)؛ بنابراین ممکن است مکانیزم‌های اصلاحی برای نجات کشور میزبان از بحران اعتباری، موفقیت‌آمیز نباشند. تأثیر مخرب بانکداری خارجی بر سیاست پولی در مورد ورود از طریق نهادسازی بسیار شدیدتر است؛ زیرا بانک‌های مادرِ این بانک‌ها، بر تأمین مالی غیرسپرده‌ای و بانک‌های جهانی تکیه دارند (Jeon, Olivero, & Wu, 2014).

از سوی دیگر، برخی طرف‌داران معتقدند که بانکداری خارجی در طول یا پیش از بحران مالی در بازار میزبان، اثر تثبیت‌کننده‌ای دارد (Haselmann, 2006). بانک‌های چندملیتی به نقدینگی بانک‌های مادر خود دسترسی دارند که با جهانی‌سازی دارایی‌ها، ریسک‌ها را متنوع می‌کنند، لذا بانک‌های تملک‌شده می‌توانند در شرایط بحران، خود را تأمین مالی کنند. بانک‌های مادر نقش آخرین وام‌دهنده[[16]](#footnote-16) را ایفا می‌کنند، هرچند که ترجیح می‌دهند این نقش را تا لحظه آخر انجام ندهند (Hryckiewicz & Kowalewski, 2010)؛ بنابراین، بانک‌های خارجی، توانایی بیشتری نسبت به بانک‌های داخلی، برای تنظیم سطح وام‌دهی و نرخ بهره خود دارند (Clarke et al., 2003; De Haas & Van Lelyveld, 2006; Wu et al., 2011).

اثرات تثبیت‌کنندگی هنگام بحران، باتوجه‌به نوع حضور بانک‌های چندملیتی در بازار متفاوت است. وام‌دهندگان فرامرزی، به دلیل امکان خروج سریع، حساسیت بیشتری نسبت به بی‌ثباتی مالی نشان می‌دهند؛ لذا اغلب، سیاست‌گذاران، برای جلوگیری از نوسانات وام‌های فرامرزی، به وضع مالیات و کنترل‌های سرمایه‌ای برای وام‌ها اقدام می‌کنند. بااین‌حال، کاهش میزان اعتبار توسط وام‌دهندگان برون‌مرزی همچنان کمتر از کاهش سطح وام‌دهی بانک‌های داخلی در طول بحران مالی است.

بانک‌های خارجی نهادساز، از نظر تأمین اعتبار در طول بحران مالی، نسبت به وام‌دهندگان برون‌مرزی پایدارتر هستند (De Haas & Van Lelyveld, 2006). بااین‌حال، این بانک‌ها، در مقایسه با بانک‌های داخلی، به دلیل محدودیت در غربالگری توانایی وام‌گیرندگان، در طول بحران مالی با سرعت بیشتری در تأمین اعتبار دچار افت می‌شوند. از سوی دیگر، بانک‌های چندملیتی ممکن است به دلیل اهمیت استراتژیک شراکت، در طول بحران مالی تمایل بیشتری به اولویت قراردادن مؤسسات تملک‌شده، نسبت به بانک‌های نهادساز، برای تأمین مجدد سرمایه داشته باشند (Hryckiewicz & Kowalewski, 2010).

ورود از طریق تملک، علاوه بر فراهم‌کردن منابع پایدارتر در طول بحران مالی، می‌تواند بیش از بانک‌های نهادساز، به ثبات مالی کمک کند؛ زیرا باعث تخصیص مؤثرتر منابع می‌شود. اولاً، دارایی‌های اطلاعاتی بانک تملک‌شده به تأمین مالی کمک می‌کند و با حذف وام‌گیرندگان باکیفیت پایین، از دانش بازار بانک محلی تملک شده بهره می‌گیرد. ثانیاً، ممکن است تأمین مالی کارآفرینان محلی، به دلیل روابط مشتریان موجود در بانک تملک‌شده افزایش یابد (Van Tassel & Vishwasrao, 2007). علاوه بر این، درحالی‌که استراتژی‌های قیمت‌گذاری تهاجمی برای کسب سریع سهم بازار، در ورود از طریق نهادسازی، به سطح رقابت در کشور میزبان آسیب می‌زند، ورود از طریق تملک، با شرایط کشور میزبان سازگاری بیشتری دارد (De Haas & Van Lelyveld, 2006)؛ لذا ورود از طریق تملک می‌تواند گزینه بهتری برای حفظ ثبات مالی در کشور میزبان باشد، چرا که نوسانات در الگوهای وام‌دهی بانک‌های چندملیتی را کاهش می‌دهد.

هرچند که عملیات فیزیکی بانک‌های خارجی در کشور میزبان، تأثیر تثبیت‌کننده‌ای بر بازار مالی دارد، اما یکپارچگی بیشتر این بانک‌ها در گروه‌های مالی، ممکن است شرایط بد اقتصادی کشور مبدأ را به بازار میزبان منتقل کند که قبلاً با مثال بانک‌های ژاپنی در ایالات متحده توضیح داده شد. پس تنوع‌بخشی بانک‌های خارجی بر اساس کشورهای مبدأ آن‌ها، یک سیاست اساسی، برای جلوگیری از اثرات منفی سرریز است که ممکن است از بازارهای مبدأ خاص ناشی شود (De Haas & Van Lelyveld, 2006).

# ترجیحات سیاست‌گذاران

ازآنجاکه تنظیم‌کنندگان کشور میزبان، قدرت محدودکردن یا تشویق نوع خاصی از ورود را دارند، درک انتظارات سیاست‌گذاران اهمیت زیادی دارد. در بیشتر موارد، ترجیحات سیاست‌گذاران در زمینه نوع ورود بانک‌های خارجی، مشابه ترجیحات بانک‌های چندملیتی است، زیرا پای منافع متقابل در میان است (Lehner, 2009). درعین‌حال، رویکرد سیاست‌گذاران می‌تواند بسته به بازار، متفاوت باشد؛ زیرا هر بازار، با ویژگی‌های متمایز خود، مستلزم شرایط خاصی است تا از تأثیرات زیان‌بار حضور بانک‌های خارجی محافظت شود (Clarke et al., 2003).

اگر حفاظت از بانک‌های داخلی در اولویت باشد، به دلایل زیر، سیاست‌گذاران باید ورود از طریق تملک را تشویق کنند:

* ورود از طریق تملک، نرخ‌های بهره را به‌اندازه ورود از طریق نهادسازی کاهش نمی‌دهد.
* کارایی صنعت بانکی، با استفاده از تخصص بانک‌های چندملیتی افزایش می‌یابد.
* این روش در زمان بحران‌ها، ثبات مالی را فراهم می‌کند.

از سوی دیگر، بانک‌های نهادساز، در شرایطی توصیه می‌شوند که اولویت بازار، دستیابی به نرخ‌های بهره پایین باشد (Peria & Mody, 2004, cited in Hryckiewicz & Kowalewski, 2010). سیاست‌گذاران باید باتوجه‌به شرایط کشور میزبان، بین سیاست نرخ بهره و حفاظت از مؤسسات محلی، موازنه برقرار کنند. به‌عنوان‌مثال، هند، ورود بانک‌های نهادساز با مالکیت کامل را مجاز می‌داند، اما تملک را محدود کرده و تنها برای بازطراحی بانک‌های داخلی اجازه می‌دهد. این سیاست باعث افزایش قیمت تملک شده و ورود بانک‌های نهادساز را تشویق می‌کند (Van Tassel & Vishwasrao, 2007).

ادبیات پژوهشی، بیشتر حامی ورود از طریق تملک است، زیرا این روش، تخصص و منابع بانک‌های چندملیتی را، تحت کنترل نهادهای داخلی، به کشور میزبان وارد می‌کند (Berger et al., 2008 and Majnoni et al. cited in Lehner, 2009). بااین‌حال، ورود از طریق تملک اهمیت اطلاعات نرم را کاهش داده و منجر به کاهش تعداد بانک‌های داخلی می‌شود. در نتیجه، منبع تأمین مالی برای کسب‌وکارهای خرد و متوسط، در حضور بانک‌های خارجی، به طور چشمگیری کاهش می‌یابد. این امر، رشد اقتصادی کشور میزبان را با حذف استارت‌آپ‌ها، به دلیل محدودیت‌های اعتباری برای وام‌گیرندگان غیرشفاف، تهدید می‌کند (Havrylchyk, 2012).

# خلاصه مدیریتی

ورود بانک‌های خارجی به بازارهای میزبان، تحت چهار دسته اصلی مورد بررسی قرار گرفته است: رقابت، وام‌دهی به کسب‌وکارهای خرد و متوسط، نرخ‌های بهره بازار، و ثبات مالی. گسترش بین‌المللی بانک‌های چندملیتی به کشور میزبان، دارای مزایا و معایب متعددی است. از منظر رقابت:

* بانک‌های چندملیتی می‌توانند خدمات مالی بهتری را با قیمت‌های پایین‌تر ارائه دهند؛ این امر سودآوری بانک‌های داخلی را کاهش می‌دهد (Clarke et al., 2003).
* رقابت، از طریق سرریز دانش و کاهش هزینه‌های مالی برای مشتریان داخلی، موجب افزایش سطح کارایی در بخش بانکی کشور میزبان می‌شود (Haselman, 2006; Hryckiewicz & Kowalewski, 2010; Mulyaningsih et al., 2015; Xu, 2011).
* کاهش نرخ‌های بهره به دلیل رقابت شدید، به افزایش سطح رشد اقتصادی در کشور میزبان کمک می‌کند (Mulyaningsih et al., 2015).
* به دلیل تعاملات نامتقارن، رابطه‌ای به شکل U میان حضور بانک‌های خارجی و ورود بانک‌های داخلی وجود دارد. این به این معناست که ممکن است حضور بانک‌های خارجی، در مراحل اولیه با افزایش رقابت، به بانک‌های داخلی آسیب برساند، اما در مراحل بعدی، با تشویق ورود بانک‌های داخلی، فرصت‌آفرین است (Li, 2008).
* به دلیل رقابت، بانک‌های داخلی به‌مرورزمان، از نظر هزینه کارآمدتر می‌شوند (Fries & Taci, 2001 cited in Hryckiewicz & Kowalewski, 2010).
* ورود از طریق نهادسازی، رقابت بیشتری نسبت به ورود از طریق تملک ایجاد می‌کند، زیرا با افزایش تعداد بانک‌ها، نرخ‌های بهره را کاهش می‌دهد و عملیات را مقرون‌به‌صرفه‌تر می‌سازد (Mulyaningsih et al., 2015).

علاوه بر این، حضور بانک‌های خارجی در بازار میزبان، می‌تواند پیامدهای متفاوتی برای کسب‌وکارهای خرد و متوسط داشته باشد:

* به دلیل الگوی وام‌دهی که تنها شرکت‌های بزرگ‌تر را در اولویت قرار می‌دهد (رفتار انتخاب برتر یا Cherry-Picking بانک‌های چندملیتی)، اعتبار برای شرکت‌های کوچک‌تر دچار محدودیت می‌شود و موانعی برای ورود استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارهای خرد و متوسط ایجاد می‌کند. بانک‌های چندملیتی ترجیح می‌دهند تأمین مالی را برای شرکت‌های بزرگ‌تر فراهم کرده و وام‌گیرندگان نسبتاً غیرشفاف و مبهم را به بانک‌های داخلی واگذار کنند. این امر تأثیر منفی بر رشد اقتصادی آینده کشور میزبان دارد (Havrylchyk, 2012).
* به‌عنوان جایگزین، بوستانیفار (۲۰۱۴) استدلال کرد که حضور بانک‌های خارجی می‌تواند برای کسب‌وکارهای خرد و متوسط مفید باشد، زیرا کارایی بازار را افزایش داده، فرصت‌های تأمین مالی بزرگ‌تری ایجاد می‌کند که باعث تقویت شرایط اقتصادی می‌شود؛ لذا در بلندمدت، اعتبارات بیشتری از بانک‌های چندملیتی به دلیل توانایی غربالگری بالاتر آن‌ها برای این کسب‌وکارها فراهم می‌شود.
* بااین‌حال، هاورلیچیک (۲۰۱۲) نشان داد که بازار مالی عمیق‌تر، با عدم تقارن اطلاعاتی کمتر، تأثیر چندانی بر الگوی وام‌دهی به کسب‌وکارهای خرد و متوسط ندارد.

بانک‌های خارجی شکاف نرخ بهره کمتری دارند. این امر، بانک‌های داخلی را مجبور می‌کند در رقابت با بانک‌های چندملیتی، هزینه‌های خود را کاهش دهند (Lehner, 2009). بااین‌حال، هر کشور میزبان شرایط متفاوتی دارد که می‌تواند تأثیر نرخ‌های بهره را تغییر دهد. همچنین، انتخاب استراتژی ورود، تأثیرات متفاوتی بر نرخ‌های بهره بازار دارد:

* ورود از طریق نهادسازی، در مقایسه با سایر استراتژی‌های ورود، پایین‌ترین نرخ بهره را برای جذب مشتریان محلی ایجاد می‌کند (Van Tassel & Vishwasrao, 2007).
* به دلیل نرخ‌های بهره پایین‌تر ناشی از استراتژی نهادسازی، بانک‌های داخلی از بازار حذف می‌شوند. بااین‌حال، در ورود از طریق تملک، تازه‌واردان ممکن است از اطلاعات نرم بانک‌های محلی برای کسب سهم بازار استفاده کنند و نرخ‌های بهره را به‌اندازه حالت نهادسازی کاهش ندهند (Claeys & Hainz, 2004 cited in Hryckiewicz & Kowalewski, 2010). این امر به بانک‌های داخلی کمک می‌کند که در یک رقابت خفیف‌تر، دیده شوند (Van Tassel & Vishwasrao, 2007).
* سیاست‌گذاران، باید باتوجه‌به نیازهای کشور میزبان، بین کاهش نرخ‌های بهره از طریق ورود نهادسازی و حمایت از بانک‌های داخلی از طریق تملک، موازنه برقرار کنند، تا به شکلی بهینه از حضور بانک‌های خارجی بهره‌مند شوند.

ورود بانک‌های خارجی به بازار، پیامدهای متعددی بر ثبات مالی کشور میزبان دارد. زیرا بازار میزبان را در معرض نوسانات اقتصادی بازارهای خارجی و جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قرار می‌دهد.

* انتقال شوک‌های مالی منفی از کشور مبدأ بانک‌های چندملیتی به بازار میزبان، به میزان روابط سرمایه داخلی میان بانک‌ها بستگی دارد. به علت این که وابستگی بانک‌های نهادساز، به منابع مالی بین‌المللی، از جمله بانک‌های مادر، بیشتر است، این بانک‌ها از نظر ثبات مالی در مقایسه با ورود از طریق تملک آسیب‌زاتر هستند (Jeon et al., 2013).
* علاوه بر انتقال شوک‌های منفی، بانک‌های چندملیتی اثرگذاری سیاست پولی را کاهش داده و بازار اعتباری کشور میزبان را تغییر می‌دهند (Jeon & Wu, 2014; Wu et al., 2011). تأثیر مخرب بانکداری خارجی بر سیاست پولی در مورد بانک‌های نهادساز که بانک‌های مادر آن‌ها، به منابع غیروابسته به سپرده و بانک‌های جهانی متکی هستند، شدیدتر است (Jeon & Wu, 2014).
* ورود از طریق تملک می‌تواند بیش از ورود از طریق استراتژی نهادسازی به ثبات مالی کمک کند، زیرا تخصیص منابع را به طور بهینه‌تر می‌کند (Van Tassel & Vishwasrao, 2007).
* استراتژی‌های قیمت‌گذاری تهاجمی برای کسب سریع سهم بازار، در ورود از طریق نهادسازی، به سطح رقابت در کشور میزبان آسیب می‌زند؛ درحالی‌که ورود از طریق تملک با شرایط کشور میزبان سازگارتر است.

در نهایت، با درنظرگرفتن تمامی این موارد، سیاست‌گذاران کشور میزبان، باید ویژگی‌های متمایز بازار خود را برای تنظیم استراتژی‌های ورود بانک‌های چندملیتی موردتوجه قرار دهند. همان‌طور که در چهار جنبه اصلی توضیح داده شد، هر یک از استراتژی ورود بانک‌های خارجی، دارای مزایا و معایبی برای بازار میزبان است؛ لذا محیط نظارتی، نقشی حیاتی در بهره‌گیری بهینه کشور میزبان از ورود بانک‌های خارجی به بازار ایفا می‌کند. همچنین بر تصمیمات ورود بانک‌های چندملیتی تأثیر قابل‌توجهی دارد، زیرا فرصت‌های موجود در بازار کشور میزبان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

منابع

* Boustanifar, H. (2014). Information acquisition, foreign bank entry, and credit allocation. *The Quarterly Review of Economics and Finance, 54,* 324–336.
* Cerutti, E., Dell’Ariccia, G., & Martinez Peria, M. S. (2007). How banks go abroad: Branches or subsidiaries?. *Journal of Banking & Finance*, *31*, 1669–1692.
* Claeys, S., & Hainz, C. (2014). Modes of foreign bank entry and effects on lending rates: Theory and evidence. *Journal of Comparative Economics, 42,* 160–177.
* Clarke, G. R., Cull, R., Martinez Peria, M. S., & Sanchez, S. M. (2003). Foreign bank entry: Experience, implications for developing economies, and agenda for further research. *World Bank Research Observer, 18,* 25–59.
* Degryse, H., Havrylchyk, O., Jurzyk, E., & Kozak S. (2012). Foreign bank entry, credit allocation and lending rates in emerging markets: Empirical evidence from Poland. *Journal of Banking & Finance*, *36*(11), 2949–2959.
* De Haas, R., & van Lelyveld, I. (2006). Foreign banks and credit stability in Central and Eastern Europe. A panel data analysis. *Journal of Banking &* *Finance, 30,* 1927–1952.
* Haselmann, R. (2006). Strategies of foreign banks in transition economies. *Emerging Markets Review, 7,* 283–299.
* Havrylchyk, O. (2012). The effect of foreign bank presence on firm entry and exit in transition economies. *Journal of Banking & Finance, 36,* 1710–1721.
* Hryckiewicz, A., & Kowalewski, O. (2010). Economic determinates, financial crisis and entry modes of foreign banks into emerging markets. *Emerging* *Markets Review, 11,* 205–228.
* Jeon, B. N., Olivero, M. P., & Wu, J. (2013). Multinational banking and the international transmission of financial shocks: Evidence from foreign bank subsidiaries. *Journal of Banking & Finance, 37,* 952–972.
* Jeon, B. N., & Wu, J. (2014). The role of foreign banks in monetary policy transmission: Evidence from Asia during the crisis of 2008–9. *Pacific-Basin* *Finance Journal, 29,* 96–120.
* Lehner, M. (2009). Entry mode choice of multinational banks. *Journal of Banking & Finance, 33,* 1781–1792.
* Lehner, M., & Schnitzer, M. (2008). Entry of foreign banks and their impact on host countries. *Journal of Comparative Economics, 36,* 430–452.
* Li, J. (2008). Asymmetric interactions between foreign and domestic banks: Effects on market entry. *Strategic Management Journal, 29*(8), 873–893.
* Li, Q., Zeng, Y., & Liu, B. (2014). *The Quarterly Review of Economics and Finance, 54,* 16–229.
* Molyneux, P., Nguyen, L. H., & Xie, R. (2013). Foreign bank entry in South East Asia. *International Review of Financial Analysis, 30,* 26–35.
* Mulyaningsih, T., Daly, A., & Miranti, R. (2015). Foreign participation and banking competition: Evidence from the Indonesian banking industry. *Journal* *of Financial Stability, 19,* 70–82.
* Porter, M. E. (1980). *Competitive strategy: Techniques for analyzing industries and competitors*. New York: Free Press.
* Van Tassel, E., & Vishwasrao, S. (2007). Asymmetric information and the mode of entry in foreign credit markets. *Journal of Banking & Finance, 31,* 3742– 3760.
* Wu, J., Luca, A. C., & Nam, Jeon B. (2011). Foreign bank penetration and the lending channel in emerging economies: Evidence from bank-level panel data. *Journal of International Money and Finance, 30,* 1128–1156.
* Xu, Y. (2011). Towards a more accurate measure of foreign bank entry and its impact on domestic banking performance: The case of China. *Journal of* *Banking & Finance, 35,* 886–901.

فصل پنجم: نگاهی بر استراتژی‌های گسترش خارجی بانک‌های چندملیتی

# چکیده

پس از ترسیم ارتباط میان عوامل اصلی توسعه بین‌المللی بانک‌های چندملیتی، انتخاب استراتژی‌های ورود آن‌ها و تأثیر حضور بانک‌های خارجی در کشور میزبان در چارچوب «دلایل - پدیده - پیامدها»، این کتاب در این فصل، موضوعات هر فصل را در با استفاده از جداولی که یافته‌های اصلی ادبیات موجود را به‌صورت انتقادی نشان می‌دهند، خلاصه می‌کند. با این کار، این کتاب، کاربست‌هایی برای مدیران ارشد بانک‌های چندملیتی ارائه می‌دهد؛ همچنین شکاف‌های موجود در ادبیات کنونی را برای پژوهشگران، به‌منظور مطالعات آتی مشخص می‌کند.

واژگان کلیدی: بانک‌های چندملیتی، استراتژی‌های ورود خارجی، بانکداری بین‌المللی

مهم‌ترین سهمیاری این پژوهش، ارائه یک نقشه کلی از ادبیات موجود در زمینه پدیده توسعه بین‌المللی بانک‌های چندملیتی، با ایجاد پیوند میان مفاهیم در یک رویکرد نظام‌مند است. این کتاب به طرق زیر، به درک نظریه ورود بانک‌های خارجی به بازارهای جدید کمک می‌کند:

* به‌روزرسانی مرور ادبیات کلارک، کال، مارتینز پریا، و سانچز (۲۰۰۳) با پایش مطالعات انجام‌شده طی ۱۵ سال اخیر.
* فراتر رفتن از این مطالعه، با استفاده از روش‌شناسی مرور نظام‌مند (سیستماتیک) و دامنه وسیع‌تر.
* ارائه برخی ملاحظات نظری، در چارچوبی که منطق پشت تصمیمات استراتژیک را با تحلیل علت‌ومعلولی توضیح می‌دهد.

بر اساس دانش فعلی، از زمان مقاله کلارک و همکاران (۲۰۰۳)، هیچ مطالعه‌ای به طور عمیق، ادبیات موجود درباره تصمیمات توسعه‌ای بانک‌های چندملیتی را نقشه‌برداری و ارزیابی نکرده است؛ بنابراین، نیاز به پژوهش‌های بیشتر برای مرور نظری احساس می‌شود، زیرا از زمان انجام آن مطالعه ۱۵ سال گذشته و دامنه ادبیات، به‌ویژه پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸، گسترش‌یافته است. علاوه بر این، این مطالعه با یک رویکرد نظام‌مند طراحی شده است که از معیارهای شمول و عدم شمول استفاده می‌کند و بدین ترتیب ابهام ناشی از سوگیری‌ها را از بین می‌برد. همچنین، حرکت جهانی‌سازی و پیشرفت‌های تکنولوژیکی در دهه گذشته، قوانین بازی را تغییر داده است؛ به‌طوری که نظریه‌ها نیازمند بازنگری و همراه شدن با نوآوری در صنعت بانکداری هستند؛ لذا این کتاب، نتایج آخرین مرور را با یک روش‌شناسی نظام‌مندتر به‌روز می‌کند و دامنه آن را برای درنظرگرفتن تحولات اخیرِ صنعت بانکداری، گسترش می‌دهد.

این پژوهش، علاوه بر گسترش دامنه با روش‌شناسی نظام‌مند، با ایجاد پیوند میان مفاهیم، نتایج را به‌گونه‌ای ارائه می‌دهد که درک عمیق‌تری از مسئله ایجاد کند. طرح مرور مبتنی بر ساختار «دلایل - پدیده - پیامدها»، منطق پشت استراتژی‌های اعمال‌شده توسط بانک‌های چندملیتی در بازارهای خارجی را نشان می‌دهد. ازآنجایی‌که این مطالعه، روابط متقابل میان پدیده، عوامل پیشینی آن و تأثیرات آن بر کشور میزبان را ترسیم می‌کند، ورود بانک‌های خارجی به بازارهای مختلف از ابتدای فرایند تا انتهای آن مورد بررسی قرار گرفته است.

بخش «دلایل» در چارچوب مرور، شامل مقالاتی است که محرک‌های توسعه خارجی برای بانک‌های چندملیتی را بررسی می‌کنند. باتوجه‌به رویکردهای مختلف هر مطالعه، می‌توان این عوامل را دو عامل اصلی خلاصه کرد:

* ویژگی‌های مکانی که شامل یکپارچگی اقتصادی بین کشورهای مبدأ و میزبان، فرصت‌های بازار کشور میزبان و محدودیت‌های نظارتی در بازارهای دوردست می‌شوند.
* عناصر مالکیتی که شامل اندازه، کارایی و عملکرد بانک، و چارچوب قانونی کشور مبدأ هستند.

جدول ۵.۱ فرضیه‌های اساسی بر اساس عوامل مکانی را خلاصه می‌کند، درحالی‌که جدول ۵.۲ به طور خاص، بر یافته‌های اصلی ادبیات مرتبط با عوامل مالکیتی تمرکز دارد. بر اساس ایده‌های ارائه‌شده در این جداول، پژوهشگران، محرک‌های اصلی را با توجه ویژگی‌های خاص هر مورد بررسی کرده‌اند. بااین‌حال، از یکپارچه‌سازی یافته‌های مطالعات، چهار نکته مهم به دست می‌آید:

۱. سطح توسعه کشورها یکی از ملاحظات کلیدی است؛ چرا که رویکرد دنبال‌کردن مشتری که بازتاب‌دهنده سطح یکپارچگی است، تنها در اقتصادهای پیشرفته اهمیت دارد، درحالی‌که در اقتصادهای نوظهور، این فرصت‌های بازار هستند که جذاب است.

۲. چارچوب قانونی کشور میزبان، به‌ویژه قوانین مالیاتی، تأثیر قابل‌توجهی بر تصمیمات ورود دارد و می‌تواند استراتژی‌های بانک‌های چندملیتی را دستخوش تغییر کند.

۳. اندازه بانک‌های خارجی، نقش مهمی در توسعه بین‌المللی ایفا می‌کند؛ همچنین بر عملکرد و کارایی تأثیرگذار است. هرچه بانک بزرگ‌تر باشد، توسعه به بازارهای بین‌المللی را با کارایی بیشتری انجام می‌دهد.

۴. مقررات کشور مبدأ، به‌اندازه محیط قانونی کشور میزبان اهمیت دارد، زیرا هر دو، پیامدهای هزینه‌ای دارند.

|  |
| --- |
| **جدول ۵.۱ عوامل خاص مکانی** |
|  | **نویسنده** | **سال** | **سهمیاری پژوهش** |
| یکپارچگی کشور مبدأ و میزبان | Hryckiewicz & Kowalewski | ۲۰۱۰ | میان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با تصمیمات ورود بانک‌های چندملیتی رابطه وجود دارد: هرچه یکپارچگی اقتصادی بیشتر باشد، ورود بانک‌های خارجی از طریق رویکرد دنبال‌کردن مشتری افزایش می‌یابد. |
|  | Petrou | ۲۰۰۷ | بانک‌های خارجی از کشورهای درحال‌توسعه، به دلایل زیر تمایل بیشتری دارند مشتریان خود را دنبال کنند: بهره‌برداری از فرصت‌های سودآور، با توانایی‌های محدود، ارتقای توانایی‌های خود از طریق یادگیری از بانک‌های خارجی در خارج از کشور. |
|  | Molyneux, Nguyen, & Xie | ۲۰۱۳ | در کشورهای درحال‌توسعه، سطح یکپارچگی تأثیر کمتری بر تصمیمات ورود دارد، زیرا فرصت‌های بازار محلی انگیزه اصلی هستند، نه رویکرد دنبال‌کردن مشتری. |
|  | Leung, Young, & Fung | ۲۰۰۸ | رشد سریع‌تر تجارت و توسعه‌بخش بانکی ورود بانک‌های خارجی را افزایش می‌دهد، زیرا هزینه‌های تراکنش بین کسب‌وکارها کاهش می‌یابد، انتقال دانش آسان‌تر می‌شود، و با ارزش‌های فرهنگی آشنایی بیشتری ایجاد می‌گردد. |
|  | Li, Zeng, & Liu | ۲۰۱۴ | نزدیکی جغرافیایی و فرهنگی بر تصمیمات ورود بانک‌های چندملیتی تأثیر می‌گذارد، زیرا بانک‌های خارجی می‌توانند به علت سطح یکپارچگی بالاتر، مشکل بیگانگی را در بازارهای نزدیک‌تر کاهش دهند. |
|  | Buch, Koch, & Koetter | ۲۰۱۴ | فاصله جغرافیایی به‌عنوان شاخصی برای هزینه‌های اطلاعاتی در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین، بازارهای نزدیک‌تر هزینه‌های ورود کمتری دارند، زیرا عدم تقارن اطلاعاتی در این بازارها کمتر است. |
|  | Hryckiewicz & Kowalewski | ۲۰۱۰ | یکپارچگی بالاتر همچنین به معنای تشابه ساختار نهادی و منشأ قانونی با بازار مبدأ است. در نتیجه، بانک‌های چندملیتی تمایل دارند وارد این بازارها شوند تا از مزیت‌های نسبی خود بهره ببرند و هزینه‌های عملیاتی را کاهش دهند. |
| فرصت‌های بازار کشور میزبان | Hryckiewicz & Kowalewski | ۲۰۱۰ | علاوه بر درآمد سرانه بالاتر، شکاف نرخ بهره بیشتر و نرخ رشد اقتصادی بالاتر، بحران مالی در کشور میزبان باعث جذب بانک‌های خارجی می‌شود. |
|  | Buch et al. | ۲۰۱۴ | بازارهای توسعه‌یافته‌تر، بسیاری از بانک‌های چندملیتی را با اندازه بازار بزرگ‌تر، هزینه‌های کمتر که باعث افزایش سودآوری می‌شود و سطح پیشرفته‌ای از مقررات که ورود بانک‌ها را آسان‌تر می‌کند، جذب می‌کنند. |
|  | Clarke et al. | ۲۰۰۳ | فرضیه دنبال کردن مشتری در کشورهای در حال توسعه کمتر صدق می‌کند، زیرا انگیزه‌های اصلی بانک‌های چندملیتی در این بازارها، بهره‌برداری از فرصت‌های محلی به دلیل تقاضای بالاتر برای خدمات مالی، رقابت کمتر در صنعت بانکداری و هزینه‌های کمتر نسبت به کارایی است. |
|  | Molyneux et al. | ۲۰۱۳ | به‌عنوان نمونه‌ای از مناطق درحال‌توسعه، آسیا بانک‌های خارجی را با فرصت‌های بازاری مانند تقاضای بالاتر برای خدمات مالی، جمعیت بیشتر، جنبش‌های آزادسازی برای افزایش کارایی بانکداری، و جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جذب می‌کند. |
| مقررات کشور میزبان | Temesvary | ۲۰۱۴ | بهبود مقررات در صنعت بانکداری و کاهش محدودیت‌های ورود، حضور بانک‌های خارجی را با کاهش هزینه‌های ورود افزایش می‌دهد. |
|  | Buch et al. | ۲۰۱۴ | مقررات سخت‌گیرانه‌تر بر فعالیت‌های بانکی، ورود بانک‌های خارجی را کاهش می‌دهد، چرا که باعث کاهش حاشیه سود می‌شود. |
|  | Cerutti, Dell’Ariccia, & Martinez Peria | ۲۰۰۷ | مقررات مالیاتی کشور میزبان بر سطح عملیاتی بانک‌های خارجی تأثیر می‌گذارد. مالیات‌های پایین‌تر ورود بانک‌ها از طریق تملک را تسهیل می‌کند، درحالی‌که مالیات‌های بالاتر، باعث تشویق بانک‌های خارجی به ایجاد شعبی در کشور میزبان برای افزایش سود فرامرزی خود می‌شود. |
|  | Lehner & Schnitzer | ۲۰۰۸ | چارچوب قانونی که عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد، حضور بانک‌های خارجی را تسهیل می‌کند، چرا که هزینه‌های اطلاعاتی، به‌ویژه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، کاهش می‌یابد. |
|  | Tsai, Chang, & Hsiao | ۲۰۱۱ | وجود سیستم گزارش‌دهی اعتباری که توسط مقررات کشور میزبان حمایت می‌شود، بر تصمیمات ورود بانک‌های چندملیتی تأثیر می‌گذارد، درحالی‌که ثبت‌های اعتباری عمومی تأثیر قابل‌توجهی بر این تصمیمات ندارند. |

ساختار «پدیده» به مقالاتی می‌پردازد که انتخاب استراتژی‌های ورود را با درنظرگرفتن انگیزه‌های اصلی حضور خارجی بررسی می‌کنند. سه استراتژی اصلی برای ورود بانک‌های چندملیتی عبارت‌اند از: اعطای وام‌های فرا‌مرزی، نهادسازی و تملک. علاوه بر این، برخی مقالات به اشکال سازمانی در بازار میزبان مانند دفتر نمایندگی، آژانس، شعبه، شرکت تابعه، و سرمایه‌گذاری مشترک پرداخته‌اند. از آنجا که این مطالعه ترجیح داده است برای حفظ ساختار اصلی مقاله، بر روش‌های ورود تمرکز کند، جزئیات مربوط به اشکال سازمانی در پیوست‌ها بیان شده است؛ لذا جدول ۵.۳ مقایسه‌ای از روش‌های ورود را با رویکرد 5W1H ارائه می‌دهد تا مزایا و معایب آن‌ها را هم‌زمان ترسیم کند. این جدول نشان می‌دهد که هر روش ورود، اهمیت استراتژیک متفاوتی دارد که به اولویت‌های بانک‌های چندملیتی بستگی دارد.

بر اساس نظر لینر (۲۰۰۹)، توسعه بین‌المللی بانک‌های چندملیتی با اعطای وام‌های فرامرزی آغاز می‌شود و سپس افزایش مهارت‌های غربالگری، نهادسازی را از طریق کاهش هزینه‌های اطلاعاتی آسان‌تر می‌کند. در نهایت، کارآمدترین بانک‌ها از نظر توانایی‌های غربالگری، از طریق تملک وارد بازار می‌شوند، زیرا قیمت‌ها در این مرحله پایین‌تر خواهند بود. بااین‌حال، سوگیری مدیریتی می‌تواند مانع از اتخاذ تصمیم بهینه ورود شود؛ زیرا تصمیم‌گیرندگان ممکن است تحت‌تأثیر انگیزه‌های شخصی اقدام کرده و گزینه‌های غیرمنطقی را انتخاب کنند (Petrou, 2009). در ادبیات این اجماع وجود دارد که انتخاب بهترین روش ورود، برای دستیابی به بالاترین سطح سودآوری، حیاتی است. در این فرایند، درنظرگرفتن تمام دانش موجود در ادبیات برای حذف سوگیری مدیریتی از اهمیت بالایی برخوردار است.

در نهایت، بخش «پیامدها»، به مطالعاتی می‌پردازد که تأثیر حضور بانک‌های خارجی را بر کشور میزبان بررسی می‌کنند. این بخش شامل چهار گروه موضوعی بر اساس مقالات موجود می‌شود: سطح رقابت، وام‌دهی به کسب‌وکارهای خرد و متوسط، نرخ‌های بهره بازار، و ثبات مالی. این مطالعه با استفاده از این نتایجِ اساسی حضور بانک‌های خارجی در بازار میزبان به‌عنوان نقطه شروع، تلاش می‌کند ترجیحات سیاست‌گذاران در کشور میزبان را با مقایسه یافته‌های ادبیات موجود ارزیابی کند. همان‌طور که در جدول ۵.۴ مشاهده می‌شود، هر روش ورود ویژگی‌های متمایزی دارد که به پیامدهای متفاوتی در کشور میزبان منجر می‌شود. پس سیاست‌گذاران، باید هر جنبه از حضور بانک‌های خارجی را با درنظرگرفتن تأثیرات متمایز آن‌ها بررسی کنند. به‌عنوان‌مثال، در صورت تشویق ورود از طریق تملک، برای بهره‌مندی از مزایای آن، باید از قبل، اقدامات پیشگیرانه برای پیامدهای منفی احتمالی مورد بررسی قرار بگیرند.

|  |
| --- |
| **جدول ۵.۲ عوامل مختص به مالکیت** |
|  | ***نویسنده*** | ***سال*** | ***سهمیاری پژوهش*** |
| اندازه | Leung et al. | ۲۰۰۸ | بانک‌های بزرگ‌تر بیشتر تمایل به توسعه به بازارهای خارجی دارند، زیرا می‌توانند هزینه‌ها را از طریق عوامل زیر کاهش دهند:* صرفه به مقیاس
* مزیت‌های اطلاعاتی
* شهرت که باعث تسهیل اعتبار بین‌بانکی است.
 |
|  | Clarke et al. | ۲۰۰۳ | بانک‌هایی با اندازه بزرگ‌تر به سه علت حضور بیشتری در بازارهای خارجی دارند:* مشتریان چندملیتی آن‌ها به خدمات در خارج از کشور نیاز دارند.
* تنوع‌بخشی ریسک
* مزیت رقابتی در برخی خدمات مانند مدیریت پرتفوی.
 |
|  | Petrou | ۲۰۰۷ | بانک‌های چندملیتی از کشورهای توسعه‌یافته، نسبت به بانک‌های خارجی کشورهای درحال‌توسعه، حضور بیشتری در بازارهای خارجی دارند، زیرا در اندازه‌های نسبتاً بزرگ‌تری فعالیت می‌کنند که بهره‌وری را تسهیل می‌کند. |
|  | Temesvary | ۲۰۱۴ | با اینکه بانک‌های آمریکایی الگوی متفاوتی از نظر اندازه دنبال کرده‌اند، به‌گونه‌ای که بانک‌های کوچک‌تر ایالات متحده، نفوذ بیشتری در بازارهای خارجی نسبت به بانک‌های بزرگ‌تر دارند، تجربه قبلی در بین‌المللی شدن، به توسعه بیشتر در خارج از کشور کمک می‌کند. |
| بهره‌وری و عملکرد | Lehner | ۲۰۰۹ | بانک‌های کارآمد بیشتر احتمال دارد در بازارهای خارجی توسعه پیدا کنند و فرایند بین‌المللی شدن، آن‌ها را بهره‌ورتر می‌کند. |
|  | Clarke et al. | ۲۰۰۳ | هرچه بانک بین‌المللی‌تر باشد، به مدد افزایش بهره‌وری، در طول زمان، بازده نسبت به داراییِ بیشتری به دست می‌آورد. |
|  | Buch et al. | ۲۰۱۴ | بانک‌های بهره‌ور، دارایی خارجی بیشتری در اختیار دارند، زیرا حجم فعالیت‌های آن‌ها در خارج از کشور بیشتر است. |
|  | Li et al. | ۲۰۱۴ | توانایی مالی بانک، با حفظ کارایی هزینه‌ای، نفوذ آن را در بازارهای خارجی دوردست افزایش می‌دهد. |
|  | Petrou | ۲۰۰۷ | بانک‌های چندملیتی از کشورهای توسعه‌یافته تلاش می‌کنند مشکل بیگانگی را در بازار میزبان، با بهره‌وری عملیات، منابع بیشتر، و توانایی‌های بالاتر جبران کنند. |
| مقررات کشور میزبان | Clarke et al. | ۲۰۰۳ | محدودیت‌های مقرراتی کشور مبدأ، ممکن است بر تصمیمات توسعه خارجی بانک‌های چندملیتی تأثیر بگذارد، زیرا هزینه سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. |
|  | Hryckiewicz & Kowalewski | ۲۰۱۰ | زمانی که بانک‌های چندملیتی از کشورهای با درآمد بالا و فضای مقرراتی پایدار منشأ می‌گیرند، عملکرد بهتری نسبت به رقبای داخلی دارند. |

|  |
| --- |
| جدول ۵.۳ مقایسه روش‌های ورود در چارچوب روش 5W1H |
| **استراتژی ورود** | **وام‌دهی فرامرزی** | **نهادسازی** | **تملک** |
| **چه** **کسی** این استراتژی را بر می‌گزیند؟ | * بانک‌های چندملیتی ضعیف‌تر از نظر دانش بازار و توانایی‌های غربالگری (Lehner, 2009)
* بانک‌های چندملیتی که در مراحل اولیه جهانی‌سازی هستند، به علت عدم توانایی‌های لازم، با وام‌دهی فرامرزی مشتریانشان را دنبال می‌کنند (Petrou, 2007).
 | بانک‌های کاراتر از لحاظ توانایی‌های غربالگری (Lehner, 2009) | * کاراترین بانک‌های چندملیتی از لحاظ غربالگری وام‌گیرندگان

(Lehner, 2009) |
| **چرا** این استراتژی برای ورود انتخاب می‌شود؟ | * برای جبران توانایی پایین در غربالگری
* برای آشناشدن با بازار میزبان

(Lehner, 2009) | * تخصیص سرمایه به سرمایه‌گذاری‌های بالقوه سودآور (De Haas & Van Lelyveld, 2006)
* دستیابی به سهم بیشتر از بازار (Li et al., 2013)
* کنترل بیشتر بر نهاد خارجی در مقایسه با تملک و وام‌دهی فرامرزی (Petrou, 2009)
 | * دستیابی به منابع محلی بهتر (Petrou, 2009)
* به‌دست‌آوردن مزیت اطلاعاتی بانک‌های محلی (Van Tassel & Vishwasrao, 2007)
* بهره‌گیری از مزیت مشتریان موجود (Claeys & Hainz, , 2014)
* کنترل بیشتر بر نهاد خارجی در مقایسه با سرمایه‌گذاری مشترک (Petrou, 2009)
 |
| **بهترین مکان** برای استفاده از این روش ورود به‌عنوان یک استراتژی کجاست؟  | * بازارهای بانکی کمتر توسعه‌یافته، برای پرهیز از تأثیرات منفی کشور میزبان (Lehner, 2009)
* کشورهای میزبان کوچک‌تر (Lehner, 2009)
 | * کشورهای با رشد اقتصادی بالا (De Haas & Van Lelyveld, 2006)
* بازارهای بانکی توسعه‌یافته‌تر، به علت شفافیت بیشتر که موجب فرصت‌های درآمدزایی بالاتر و سهم بازار بیشتر می‌شود (Li et al., 2013)
* کشورهای میزبان بزرگ‌تر که اندازه بازار بزرگ‌تری دارند (Lehner, 2009)
 | * بازارهای بانکی کمتر توسعه‌یافته‌ای که اطلاعات نرم برای درآمدزایی اهمیت دارند (Lehner, 2009; Li et al., 2013)
* کشورهای میزبان کوچک‌تر (Lehner, 2009)
* کشورهای میزبان با مقررات پیشرفته در صنعت بانکداری (Hryckiewicz & Kowalewski, 2010)
* کشورهای میزبان با نرخ مالیات کمتر (Cerutti et al., 2007)
 |
| **چه زمانی** این روش ورود بهینه خواهد بود؟ | * در مرحله اولیه جهانی‌سازی، چون دانش بازار را فراهم می‌کند و حفاظت بیشتری از پیامدهای بحران مالی ارائه می‌کند (Lehner, 2009)
 | * زمانی که هیچ محدودیتی در مقررات کشور میزبان برای ورود بانک‌های خارجی وجود ندارد (Petrou, 2009)
* زمانی که ارزش پول کشور میزبان افزایش می‌یابد (Hryckiewicz & Kowalewski, 2010)
 | * در زمان بحران‌های مالی، زمانی که کشور میزبان به دلیل کاهش ارزش پول خود دچار مشکل می‌شود که این امر باعث کاهش قیمت تملک می‌شود (Hryckiewicz & Kowalewski, 2010)
 |
| **چگونه** بانک‌های چندملیتی از این استراتژی بیشترین منفعت را می‌برند؟ | * امنیت دارایی‌ها ثابت می‌ماند؛ زیرا بانک می‌تواند در هر زمانی از سرمایه‌گذاری خارج شود (Clarke et al., 2003)
 | * ارائه سهم بازار بیشتر به لطف کارایی بالاتر (Degryse, Havrylchyk, Jurzyk, & Kozak, 2012)
* افزایش سود به دلیل عدم وجود هزینه تملک بالاتر خواهد بود (Lehner, 2009)
* حفظ سطح کارایی با کاهش هزینه‌ها (Lehner, 2009)
 | * بانک‌های تملک شده منابع محلی بیشتری ارائه می‌دهند از جمله اطلاعات نرم، سپرده‌های داخلی و مشتریان موجود (Claeys & Hainz, 2014; Petrou, 2009)
 |
| این استراتژی ورود **چه‌قدر** **چالش‌برانگیز** است؟ | * سیاست‌گذاران ممکن است مالیات‌هایی بر تسهیلات فرامرزی اعمال کنند تا از نوسانات در طول بحران مالی جلوگیری کنند (Lehner, 2009)
 | * نیاز به غلبه بر عدم تقارن اطلاعات (Claeys & Hainz, 2014; Li et al., 2013)
 | * تعیین قیمت بهینه برای تملک به دلیل وابستگی به ارزش اطلاعات (Van Tassel &Vishwasrao, 2007)
* ارزیابی کیفیت بانک خریداری‌شده از نظر پرتفوی و ساختار مدیریت ریسک (Claeys & Hainz, 2014; Jeon, Olivero, & Wu, 2013)
 |

# کاربست‌های مدیریتی

اگرچه مطالعات بسیاری درباره توسعه خارجی بانک‌های چندملیتی انجام شده است، به‌کارگیری نتایج مدیریتی همچنان دشوار باقی‌مانده است؛ زیرا عوامل تعیین‌کننده پیچیده‌ای وجود دارند که می‌توانند در هر مورد تغییر کنند؛ بین پایگاه‌های داده در ادبیات موجود نیز تفاوت‌هایی وجود دارد. هیچ روش یا فرمول جهان روایی وجود ندارد که برای همه سازمان‌ها کارساز باشد؛ لذا درنظرگرفتن همه روش‌های نظری و انتخاب بخش‌هایی که بهترین تطبیق را دارند، می‌تواند به کسب مزیت رقابتی کمک کند. بااین‌حال، در این دنیای پرسرعت کسب‌وکار، زمان زیادی برای جستجوی یافته‌های علمی، جهت تعیین نقشه راه برای استراتژی‌های جهانی‌سازی وجود ندارد؛ بنابراین، این مرور نظام‌مند از ادبیات کنونی، بینش‌هایی درباره تصمیم‌گیری‌های ناظر به توسعه خارجی برای کاربست مدیریتی ارائه می‌دهد و این پدیده را از انگیزه‌ها تا پیامدها بررسی می‌کند و یافته‌های اصلی را از یک دیدگاه انتقادی برجسته می‌سازد.

علاوه بر ارائه ملاحظات نظری مهم در ادبیات مرتبط با «دلایل» (جداول ۵.۱ و ۵.۲) و «پیامدها» (جدول ۵.۴)، جدول ۵.۳ نتایج مهمی را برای تصمیم‌گیرندگان در بانک‌های چندملیتی ارائه می‌کند و مزایا و معایب استراتژی‌های مختلف ورود به بازار را با در چارچوب 5W1H خلاصه می‌کند.

|  |
| --- |
| **جدول ۵.۴ تأثیرات ورود بانک خارجی بر کشور میزبان** |
| **اثر** | **شرایط بازار** | **وام‌دهی فرامرزی** | **نهادسازی** | **تملک** |
| **رقابت** | مزیت هزینه‌ای بانک‌های چندملیتی، سودآوری بانک‌های محلی را کاهش می‌دهد؛ زیرا بانک‌های خارجی می‌توانند خدمات مالی بهتری را با قیمت‌های پایین‌تر ارائه دهند (Clarke et al., 2003).به دو دلیل، رقابت باعث افزایش کارایی در بخش بانکی کشور میزبان می‌شود:* انتقال دانش
* کاهش هزینه‌های تأمین مالی برای مشتریان داخلی با کاهش نرخ بهره

رقابت باعث افزایش سطح رشد اقتصادی می‌شود؛ زیرا نرخ بهره پایین‌تر باعث تقویت نوآوری از طریق تأمین مالی می‌شود.حضور خارجی ممکن است در مراحل اولیه از طریق افزایش رقابت به بانک‌های داخلی آسیب برساند، اما در مراحل بعدی با رفع مشکلات مرتبط با بیگانگی فرصت‌هایی را ایجاد کرده و ورود بانک‌های داخلی را تشویق می‌کند. | تسهیلات فرامرزی تأثیر قابل‌توجهی بر سطح رقابت کشور میزبان ندارد. | به دلایل زیر، ورود از طریق سرمایه‌گذاری سبز رقابت بیشتری ایجاد می‌کند:* افزایش تعداد بانک‌ها
* کارایی هزینه‌ای
* کاهش شدید نرخ بهره برای دستیابی سریع به سهم بازار

رقابت بیشتر در بازارهای کشور میزبان ورود از طریق نهادسازی را تشویق می‌کند، زیرا اثر سرریز کمتری با تعداد بانک‌های بیشتر دارد. | بانک‌های چندملیتی که از طریق تملک وارد بازار می‌شوند، می‌توانند در رقابت موقعیت بهتری داشته باشند؛ به دلایل زیر:* ترکیب فناوری غربالگری بهتر با مزیت اطلاعاتی ناشی از تملک
* مشوق‌های بیشتری برای سرمایه‌گذاری، توسط کشور میزبان

سطح پایین‌تر رقابت، ورود از طریق تملک را تشویق می‌کند، زیرا باعث افزایش رفاه عمومی در اثر سرریز و نیز تعداد کمتر بانک‌ها می‌شود. |
| **وام‌دهی به کسب‌وکارهای خرد و متوسط** | بانک‌های چندملیتی، رفتار «انتخاب بهترین‌ها» را انجام می‌دهند و بهترین وام‌گیرندگان، یعنی عمدتاً شرکت‌های بزرگ‌تر را جذب می‌کنند و وام‌گیرندگان با اطلاعات مبهم‌تر را به بانک‌های داخلی واگذار می‌کنند که این امر باعث جبران عدم مزیت اطلاعاتی آنها می‌شود.در نتیجه حضور بانک‌های خارجی، کسب‌وکارهای خرد و متوسط مجبور به استقراض از بانک‌های داخلی هستند که ممکن است به نسبت، نرخ بهره بالاتری اعمال کنند.باتوجه‌به اینکه الگوهای وام‌دهی به سمت شرکت‌های بزرگ‌تر متمایل است، محدودیت‌های اعتباری برای شرکت‌های کوچک‌تر ایجاد می‌شود که موانع ورود برای استارتاپ‌ها را افزایش داده و بر رشد اقتصادی آینده تأثیر منفی می‌گذارد.کسب‌وکارهای خرد و متوسط می‌توانند به علل زیر، از حضور بانک‌های خارجی در بازار بهره ببرند:* افزایش بهره‌وری در صنعت بانکداری
* تأمین مالی بیشتر در مجموع بازار که می‌تواند شرایط اقتصادی را تقویت کند.
* تخصصی سازی بانک‌های داخلی برای کسب‌وکارهای خرد و متوسط.
* تأمین مالی اضافی از سوی بانک‌های چندملیتی به دلیل افزایش توانایی غربالگری در بلندمدت.

بااین‌حال، برخی مطالعات نشان می‌دهند که بازار مالی عمیق‌تر با عدم تقارن اطلاعاتی کمتر، تأثیر کمی بر الگوی تأمین مالی برای کسب‌وکارهای خرد و متوسط دارد. | تسهیلات فرامرزی تأثیر قابل‌توجهی بر الگوی وام‌دهی به کسب‌وکارهای خرد و متوسط ندارد. | ورود از طریق نهادسازی، باعث تغییر در نسبت تخصیص وام‌ها برای بانک‌های محلی می‌شود، زیرا آنها وام‌های بیشتری به وام‌گیرندگان مبهم‌تر داده‌اند، چرا که رقابت برای شرکت‌های بزرگ‌تر افزایش‌یافته است.مزیت اطلاعاتی بالاتر، استراتژی‌های ورود از طریق سرمایه‌گذاری زمین سبز را هدایت می‌کند که منجر به کاهش نرخ‌های بهره از طریق رقابت بیشتر می‌شود. در نتیجه، رقابت، الگوی وام‌دهی را به تمام انواع مشتریان از جمله کسب‌وکارهای خرد و متوسط گسترش می‌دهد. | تملک باعث ایجاد اثر سرریز مثبت می‌شود، زیرا بانک‌های محلی تکنیک‌های غربالگری خود را بهبود می‌دهند و تکنیک‌های وام‌دهی مبتنی بر تراکنش را می‌آموزند.ورود از طریق تملک باعث کاهش تعداد بانک‌های داخلی می‌شود که این امر باعث کاهش بیشتر سطح اعتبار برای کسب‌وکارهای خرد و متوسط می‌شود. |
| **بازار و نرخ‌های بهره** | بانک‌های خارجی دارای شکاف نرخ بهره کمتری هستند و این مسئله بانک‌های داخلی را مجبور می‌کند که با ورود بانک‌های چندملیتی به رقابت، هزینه‌های خود را کاهش دهند.هر چه عدم تقارن اطلاعاتی بین بانک‌های خارجی و داخلی بیشتر باشد، نرخ بهره بالاتری در کشور میزبان اعمال می‌شود. | وام‌دهی فرامرزی هیچ تأثیر قابل‌توجهی بر نرخ‌های بهره ندارد. | در ورود نهادسازی، بانک خارجی کمترین نرخ بهره را برای جذب مشتریان داخلی اعمال می‌کند. | در ورود از طریق تملک، تازه‌واردان ممکن است از اطلاعات نرمی که از بانک‌های داخلی به دست می‌آید برای کسب سهم بازار استفاده کنند، نه کاهش نرخ بهره به‌اندازه ورود از طریق نهادسازی.ازآنجاکه ورود از طریق تملک باعث افزایش نرخ بهره به میزان کمتری نسبت به بانک‌های نهادساز می‌شود، این امر به بانک‌های داخلی کمک می‌کند تا در رقابت خفیف‌تری برجسته شوند. |
| **ثبات مالی** | بانک‌های خارجی ممکن است شوک‌های مالی منفی را از کشور مبدأ خود به بازار میزبان منتقل کنند.بانک‌های خارجی نسبت به تغییرات سیاست‌های پولی کشور میزبان حساسیت کمتری دارند.بانکداری خارجی در طول یا قبل از بحران مالی تأثیر تثبیت‌کننده‌ای در بازار میزبان دارد.تنوع بانک‌های خارجی بر اساس کشور مبدأ آن‌ها یک سیاست ضروری برای جلوگیری از اثرات سرریز منفی احتمالی است که ممکن است از بازارهای مبدأ نشأت بگیرد. | در مواقع بحران مالی، کاهش میزان اعتبارات توسط تأمین‌کنندگان مالی فرامرزی کمتر از کاهش وام‌دهی بانک‌های داخلی باقی می‌ماند. | باتوجه‌به وابستگی بیشتر بانک‌های نهادساز به منابع مالی بین‌المللی از جمله بانک‌های مادر، این بانک‌ها ممکن است در زمان بحران مالی در بازار مبدأ باعث بی‌ثباتی بیشتری شوند.تأثیر مخرب بانکداری خارجی بر سیاست‌های پولی در مورد بانک‌های نهادساز که بانک‌های مادر آن‌ها به منابع مالی غیرسپرده‌ای متکی هستند و بیشتر بین‌المللی عمل می‌کنند، سنگین‌تر است.بانک‌های نهادساز نسبت به وان‌دهندگان فرامرزی، در زمان بحران در بازار میزبان، از نظر عرضه اعتبار پایدارتر هستند. | ورود از طریق تملک، به ثبات مالی کشور میزبان کمک می‌کند؛ زیرا تخصیص منابع را از طریق بهره‌گیری از منابع مالی کارآمدتر می‌کند.ازآنجاکه بانک‌های چندملیتی به نقدینگی از بانک‌های مادر خود دسترسی دارند، بانک‌های خریداری‌شده می‌توانند در شرایط بحران مالی خود را تأمین مالی کنند.بانک‌های چندملیتی ممکن است نسبت به بانک‌های نهادساز تمایل بیشتری داشته باشند که در زمان بحران مالی، مؤسسات خریداری‌شده را در اولویت سرمایه‌گذاری مجدد قرار دهند، زیرا مشارکت از اهمیت استراتژیک بالایی برخوردار است. |

این جدول مقایسه‌ای را بر اساس مقالات مختلف علمی ارائه می‌دهد؛ این امر به مدیران کمک می‌کند تا در فرایند تصمیم‌گیری خود زمان کمتری صرف کنند؛ همچنین نکات مهم را خلاصه کرده و راهنمایی برای پژوهش نظری بیشتر است. همان‌طور که در جدول ۵.۳ نشان‌داده‌شده است، هر استراتژی ورود مزایا و چالش‌های مخصوص به خود را دارد. این اولویت‌های بانک‌های چندملیتی، یا به‌عبارت‌دیگر، انگیزه‌های توسعه خارجی بانک‌هاست که نقش مهمی در انتخاب روش ورود ایفا می‌کند. همچنین، نتایج حاصل از استراتژی ورود انتخابی، ممکن است به چالش‌هایی منجر شود، از جمله تغییراتی در مقررات کشور میزبان؛ بنابراین، درنظرگرفتن تمامی جداولِ این مطالعه، کمک می‌کند تا یک استراتژی توسعه خارجی کارآمد، در زمان کوتاه‌تری ارزیابی شود؛ زیرا این جداول، ادبیات برجسته این موضوع را با رویکردی انتقادی خلاصه می‌کنند.

به‌عنوان‌مثال، اگر بانک‌های خارجیِ با توانایی پایین در غربالگری مشتریان، بخواهند دانش بازار کسب کنند، می‌توانند جهانی‌شدن خود را با وام‌دهی فرامرزی آغاز کنند. بانک‌های چندملیتی کمتر توسعه‌یافته، معمولاً این روش ورود را ترجیح می‌دهند تا از پیامدهای کشور میزبان اجتناب کرده و ثبات دارایی‌های خود را حفظ کنند. اما سیاست‌گذاران بازار میزبان ممکن است بر وام‌دهی فرامرزی مالیات وضع کنند؛ چرا که این امر می‌تواند در شرایط بحران مالی، منجر به بی‌ثباتی اقتصادی شود. تمامی این اطلاعات مهم را می‌توان از این جداول خلاصه به دست آورد، زیرا بخش‌های مرتبط از مطالعات مختلف را به‌صورت ساختاریافته ترسیم می‌کند.

# راهنمایی برای پژوهش‌های بعدی

این مطالعه، علاوه بر ارائه راهنمایی برای کاربست‌های مدیریتی، نقاط شروعی را برای پژوهش‌های آینده، باتوجه‌به ابهامات موجود در ادبیات پیشنهاد می‌کند. با مشاهده شکاف موجود در مقالات علمی، مطالعات آینده می‌توانند از این مرور سیستماتیک الهام بگیرند. به‌عنوان‌مثال، تغییر در چارچوب مقرراتی کشور میزبان باتوجه‌به نفوذ بانک‌های خارجی، می‌تواند برای درک انتظارات سیاست‌گذاران، مورد بررسی قرار گیرد. مقالات زیادی درباره پیامدهای ورود بانک‌های خارجی وجود دارد، اما مطالعات محدودی در مورد واکنش‌های سیاست‌های داخلی به این تأثیرات انجام شده است.

علاوه بر این، پیامدهای پیشرفت‌های تکنولوژیکی، به‌ویژه هوش مصنوعی، بر فرایند آزادسازی[[17]](#footnote-17) بانک‌های خارجی، می‌تواند حوزه جالب‌توجه دیگری برای پژوهش‌های بیشتر در ادبیات توسعه بانک‌های چندملیتی باشد. الگوی دیجیتالی‌شدن ممکن است بسیاری از فرایندهای عملیاتی در صنعت بانکداری را با کاهش هزینه‌ها، به‌ویژه از طریق کاهش نیاز به اطلاعات و منابع انسانی، تحت‌تأثیر قرار دهد. اگرچه ادبیات کنونی، در زمینه تکنولوژی، تنها بر توانایی غربالگری تمرکز دارد، ممکن است هوش مصنوعی، مزایای رقابتی چالش‌برانگیز بسیاری برای صنعت بانکداری به همراه داشته باشد؛ لذا تحقیق درباره اثرات هوش مصنوعی بر فرایند جهانی‌سازی بانک‌ها، با نگاه به مزیت رقابتی در بازارهای میزبان، می‌تواند جالب‌توجه باشد.

منابع

* Boustanifar, H. (2014). Information acquisition, foreign bank entry, and credit allocation. The Quarterly Review of Economics and Finance, 54, 324–336.
* Buch, C. M., Koch, C. T., & Koetter, M. (2014). Should I stay or should I go? Bank productivity and internationalization decisions. Journal of Banking & Finance, 42, 266–282.
* Cerutti, E., Dell’Ariccia, G., & Martinez Peria, M. S. (2007). How banks go abroad: Branches or subsidiaries? Journal of Banking & Finance, 31, 1669–1692.
* Claeys, S., & Hainz, C. (2014). Modes of foreign bank entry and effects on lending rates: Theory and evidence. Journal of Comparative Economics, 42, 160–177.
* Clarke, G. R., Cull, R., Martinez Peria, M. S., & Sanchez, S. M. (2003). Foreign bank entry: Experience, implications for developing economies, and agenda for further research. World Bank Research Observer, 18, 25–59.
* De Haas, R., & van Lelyveld, I. (2006). Foreign banks and credit stability in Central and Eastern Europe: A panel data analysis. Journal of Banking & Finance, 30, 1927–1952.
* Degryse, H., Havrylchyk, O., Jurzyk, E., & Kozak, S. (2012). Foreign bank entry, credit allocation and lending rates in emerging markets: Empirical evidence from Poland. Journal of Banking & Finance, 36, 949–2959.
* Haselmann, R. (2006). Strategies of foreign banks in transition economies. Emerging Markets Review, 7, 283–299.
* Havrylchyk, O. (2012). The effect of foreign bank presence on firm entry and exit in transition economies. Journal of Banking & Finance, 36, 1710–1721.
* Hryckiewicz, A., & Kowalewski, O. (2010). Economic determinates, financial crisis and entry modes of foreign banks into emerging markets. Emerging Markets Review, 11, 205–228.
* Jeon, B. N., & Wu, J. (2014). The role of foreign banks in monetary policy transmission: Evidence from Asia during the crisis of 2008–9. Pacific-Basin Finance Journal, 29, 96–120.
* Jeon, B. N., Olivero, M. P., & Wu, J. (2013). Multinational banking and the international transmission of financial shocks: Evidence from foreign bank subsidiaries. Journal of Banking & Finance, 37, 952–972.
* Lehner, M. (2009). Entry mode choice of multinational banks. Journal of Banking & Finance, 33, 1781–1792.
* Lehner, M., & Schnitzer, M. (2008). Entry of foreign banks and their impact on host countries. Journal of Comparative Economics, 36, 430–452.
* Leung, M. K., Young, T., & Fung, M. K. (2008). The entry and exit decisions of foreign banks in Hong Kong. Managerial and Decision Economics, 29(6), 503–512.
* Li, J. (2008). Asymmetric interactions between foreign and domestic banks: Effects on market entry. *Strategic Management Journal 29*(8), 873–893.
* Li, Q., Zeng, Y., & Liu, B. (2014). *The Quarterly Review of Economics and Finance, 54,* 16–229
* Li, Q., Zeng, Y., & Zhang, B. (2013). Market characteristics and entry modes of foreign banks. *China Economic Review, 24,* 26–41.
* Molyneux, P., Nguyen, L. H., & Xie, R. (2013). Foreign bank entry in South East Asia. *International Review of Financial Analysis, 30,* 26–35.
* Mulyaningsih, T., Daly, A., & Miranti, R. (2015). Foreign participation and banking competition: Evidence from the Indonesian banking industry. *Journal* *of Financial Stability, 19,* 70–82.
* Petrou, A. (2007). Multinational banks from developing versus developed countries: Competing in the same arena? *Journal of International Management,* *13,* 376–397.
* Petrou, A. (2009). Foreign market entry strategies in Retail Banking: Choosing an entry mode in a landscape of constraints. *Long Range Planning, 42,* 614 632.
* Temesvary, J. (2014). The determinants of U.S. banks’ international activities. *Journal of Banking & Finance, 44,* 233–247.
* Tsai, H., Chang, Y., & Hsiao, P. H. (2011). What drives foreign expansion of the top 100 multinational banks? The role of the credit reporting system. *Journal* *of Banking & Finance, 35,* 588–605.
* Van Tassel, E., & Vishwasrao, S. (2007). Asymmetric information and the mode of entry in foreign credit markets. *Journal of Banking & Finance, 31,* 3742– 3760.
* Wu, J., Luca, A. C., & Nam, J. B. (2011). Foreign bank penetration and the lending channel in emerging economies: Evidence from bank-level panel data. *Journal of International Money and Finance, 30,* 1128–1156.
* Xu, Y. (2011). Towards a more accurate measure of foreign bank entry and its impact on domestic banking performance: The case of China. *Journal of* *Banking & Finance, 35,* 886–901.

پیوست‌ها

نتایج جستجوی واژگان کلیدی

|  |  |
| --- | --- |
| **جدول الف. ۱** | **نتایج جستجوی واژگان کلیدی** |
| **ورود بانک خارجی** | **تصمیمات ورود در بانکداری** | **شیوه‌های ورود بانک‌ها** |
| 103 | 10 | 28 |
|  | ***JSTOR*** | ***ScienceDirect*** | ***JSTOR*** | ***ScienceDirect*** | ***JSTOR*** | ***ScienceDirect*** |
| **تعداد مطالعات استفاده شده** | 3 | 28 | 1 | 4 | 1 | 16 |
| **تعداد مطالعات استفاده نشده** | 16 | 56 |  | 5 | 0 | 11 |
| **تعداد مطالعات بر اساس پایگاه داده** | 19 | 84 | 1 | 9 | 1 | 27 |

|  |  |
| --- | --- |
| **جدول الف.2** | **مطالعات استفاده شده** |
| **واژگان کلیدی** | ***منبع*** | ***عنوان*** | ***نویسنده*** | ***سال انتشار*** |
| ورود بانک خارجی | **JSTOR** | تعاملات نامتقارن بین بانک‌های خارجی و داخلی: تأثیرات بر ورود به بازار | J. Li | 2008 |
|  | **ScienceDirect** | فعالیت‌های خارجی بانک‌های آمریکایی از سال 1997: نقش مقررات و شرایط بازار در زمان بحران و دوره‌های عادی | J. Temesvary | 2015 |
|  | **ScienceDirect** | کسب اطلاعات، ورود بانک‌های خارجی، و تخصیص اعتبار | H. Boustanifar | 2014 |
|  | **ScienceDirect** | عوامل تعیین‌کننده فعالیت‌های بین‌المللی بانک‌های آمریکایی | J. Temesvary | 2014 |
|  | **ScienceDirect** | تأثیر حضور بانک‌های خارجی بر ورود و خروج شرکت‌ها در اقتصادهای در حال گذار | O. Havrylchyk | 2012 |
|  | **ScienceDirect** | به سوی اندازه‌گیری دقیق‌تر ورود بانک‌های خارجی و تأثیر آن بر عملکرد بانک‌های محلی: مطالعه موردی چین | Y. Xu | 2011 |
|  | **ScienceDirect** | چه عواملی پیشران توسعه خارجی صد بانک چندملیتی برتر هستند؟ نقش سیستم گزارش‌دهی اعتباری | H. Tsai, Y. Chang, and P. H. Hsiao | 2011 |
|  | **ScienceDirect** | ورود بانک‌های خارجی و تأثیر آن‌ها بر کشورهای میزبان | M. Lehner and M. Schnitzer | 2008 |
|  | **ScienceDirect** | بانک‌های چندملیتی از کشورهای در حال توسعه در برابر کشورهای توسعه‌یافته: رقابت در یک عرصه مشترک؟ | A. Petrou | 2007 |
|  | **ScienceDirect** | بانک‌ها چگونه به خارج از کشور می‌روند: شعبه‌ها یا شرکت‌های تابعه؟ | E. Cerutti, G. Dell’Ariccia and M. S. Martínez Pería | 2007 |
| ورود بانک خارجی و تصمیمات ورود در بانکداری | **ScienceDirect** | ورود بانک‌های خارجی در جنوب شرق آسیا | P. Molyneux, L. H. Nguyen, and R. Xie | 2013 |
|  | **ScienceDirect** | استراتژی‌های بانک‌های خارجی در اقتصادهای در حال گذار | R. Haselmann | 2006 |
|  | **JSTOR** | تصمیمات ورود و خروج بانک‌های خارجی در هنگ‌کنگ | M. K. Leung, T. Young, and M. K. Fung | 2008 |
| ورود بانک خارجی و شیوه‌های ورود برای بانک‌ها | **ScienceDirect** | نقش بانک‌های خارجی در انتقال سیاست پولی: شواهدی از آسیا در زمان بحران 2008 | B. N. Jeon and J. Wu | 2014 |
|  | **ScienceDirect** | اطلاعات نامتقارن، ورود بانک‌های خارجی، و رقابت اعتباری چنددوره‌ای در صنعت بانکداری | Q. Li, Y. Zeng, and B. Liu | 2014 |
|  | **ScienceDirect** | شیوه‌های ورود بانک‌های خارجی و تأثیر آن‌ها بر نرخ‌های وام‌دهی: نظریه و شواهد | S. Claeys and C. Hainz | 2014 |
|  | **ScienceDirect** | بانکداری چندملیتی و انتقال بین‌المللی شوک‌های مالی: شواهدی از شرکت‌های تابعه بانک‌های خارجی | B. N. Jeon, M. P. Olivero, and J.Wu | 2013 |
|  | **ScienceDirect** | ویژگی‌های بازار و شیوه‌های ورود بانک‌های خارجی | Q. LI, Y. Zeng, and B. Zhang | 2013 |
|  | **ScienceDirect** | ورود بانک‌های خارجی، تخصیص اعتبار و نرخ‌های وام‌دهی در بازارهای نوظهور: شواهد تجربی از لهستان | H. Degryse, O. Havrylchyk, E. Jurzyk, and S. Kozak | 2012 |
|  | **ScienceDirect** | نفوذ بانک‌های خارجی و کانال وام‌دهی در اقتصادهای نوظهور: شواهدی از داده‌های پنلی در سطح بانک | J. Wu, A. C. Luca, and B. N. Jeon | 2011 |
|  | **ScienceDirect** | عوامل اقتصادی، بحران‌های مالی و شیوه‌های ورود بانک‌های خارجی به بازارهای نوظهور | A. Hryckiewicz and O.Kowalewski | 2010 |
|  | **ScienceDirect** | استراتژی‌های ورود به بازار خارجی در بانکداری خرد: انتخاب یک شیوه ورود در شرایط محدودکننده | A. P. Petrou | 2009 |
|  | **ScienceDirect** | انتخاب شیوه ورود بانک‌های چندملیتی | M. Lehner | 2009 |
|  | **ScienceDirect** | اطلاعات نامتقارن و شیوه ورود به بازارهای اعتباری خارجی | E. V. Tassel and S.Vishwasrao | 2007 |
|  | **JSTOR** | ورود بانک‌های خارجی: تجربه، کاربست‌ها برای اقتصادهای در حال توسعه، و برنامه‌ای برای تحقیقات بیشتر | George Clarke, Robert Cull, Maria Soledad Martinez Peria, and SusanaM. Sánchez | 2003 |
|  | **ScienceDirect** | حضور خارجی و رقابت بانکی: شواهدی از صنعت بانکداری اندونزی | T. Mulyaningsih, A. Daly, and R.Miranti | 2015 |
|  | **ScienceDirect** | بانک‌های خارجی و ثبات اعتباری در اروپای مرکزی و شرقی: تحلیل داده‌های پنلی | R. De Haas and I. Van Lelyveld | 2006 |
| ورود بانک خارجی تصمیمات ورود در بانکداری و شیوه‌های ورود بانک‌های خارجی | **ScienceDirect** | بمانم یا بروم؟ بهره‌وری بانک‌ها و تصمیمات بین‌المللی‌سازی | C. M. Buch, C. T. Koch, and M. Koetter | 2014 |

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **جدول الف.3** | **مطالعات کنار گذاشته شده** |  |
| **واژگان کلیدی** | ***منبع*** | ***عنوان*** | ***نویسنده*** | ***سال انتشار*** | ***دلیل کنار گذاشتن*** |
| ورود بانک خارجی | **JSTOR** | توضیح سودآوری بانک‌های خارجی در شانگهای | M. K. Leung, T.Young, and D. Rigby | 2003 | خارج از موضوع |
|  | **JSTOR** | تنباکو و گذار: مروری بر سرمایه‌گذاری‌های صنعت، تأثیر و نفوذ در اتحاد جماهیر شوروی سابق | A. B. Gilmore and M. McKee | 2004 | خارج از موضوع |
|  | **JSTOR** | چه عواملی رقابت بانکی را تحریک می‌کنند؟ برخی شواهد بین‌المللی | S. Claessens and L. Laeven | 2004 | خارج از موضوع |
|  | **JSTOR** | مطالعه موردی: عرضه اولیه عمومی بانک چین هنگ‌کنگ | H. Thomas | 2004 | خارج از موضوع |
|  | **JSTOR** | ورود بانک‌های خارجی به شانگهای: پیامدها برای استراتژی‌های تجاری در بازاری با رقابت فزاینده | M. K. Leung and T. Young | 2005 | خارج از موضوع |
|  | **JSTOR** | اصلاحات، بهره‌وری و کارایی در بانکداری: تجربه هند [به همراه نظرات] | R. Mohan, M. S. Khan, and M. A. Janjua | 2005 | خارج از موضوع |
|  | **JSTOR** | نفوذ بانک‌های اروپایی در موج اول جهانی‌سازی: درس‌هایی از برزیل و شیلی، ۱۸۷۸–۱۹۱۳ | I. Briones and A.Villela | 2006 | خارج از موضوع |
|  | **JSTOR** | چگونه و چرا بریتانیا ممکن است به ارز واحد بپیوندد: نقش شکست سیاست‌گذاری | J. I. Walsh | 2007 | خارج از موضوع | خارج از موضوع |
|  | **JSTOR** | خدمات بانکی برای همه؟ موانع دسترسی و استفاده از بانک در سراسر جهان | T. Beck, A. Demirgüç-Kunt, and M. S. Martinez Peria | 2008 | خارج از موضوع |
|  | **JSTOR** | بانک‌های خارجی در کشورهای فقیر: نظریه و شواهد | E. Detragiache, T. Tressel, and P. Gupta | 2008 | خارج از موضوع |
|  | **JSTOR** | حلقه گمشده: رابطه مالی و رشد و رکود اقتصادی در گویان | T. Khemraj | 2008 | خارج از موضوع |
|  | **JSTOR** | تأثیر آزادسازی مالی و مقررات‌زدایی بر بخش بانکی در پاکستان | K. Abbas and M. H. Malik | 2008 | خارج از موضوع |
|  | **JSTOR** | فراتر از بحران مالی ۲۰۰۱: اقتصاد سیاسی مرحله جدید بازسازی نئولیبرالی در ترکیه | Z. Öni¸s | 2009 | خارج از موضوع |
|  | **JSTOR** | یک ازدواج مصلحتی: سیتی‌بانک، دولت هاوک-کیتینگ و ورود بانک‌های خارجی به استرالیا | H. Knowles, G. Patmore, and J. Shields | 2010 | خارج از موضوع |
|  | **JSTOR** | آیا شرکت‌ها به تغییرات در صنعت بانکداری با تعدیل شناسایی به‌موقع زیان خود واکنش نشان می‌دهند؟ | T. A. Gormley, Bong Hwan Kim, and Xiumin Martin | 2012 | خارج از موضوع |
|  | **JSTOR** | چرا هزینه واسطه‌گری مالی در بوتسوانا در حال افزایش است؟ | S. Ikhide and O. Yinusa | 2012 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | ورود بانک‌های خارجی و رقابت بانکی در محصولات مالی در چین: مدلی از اندازه بانک | X. Chen, L. Yao, Z. Xu, and Q. Xu | 2018 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | حاشیه‌های سود و مقررات بانکی در آمریکای مرکزی و کارائیب | A. Birchwood, M. Brei, and D. M. Noel | 2017 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | استراتژی‌های بین‌المللی‌سازی بانک‌های بازارهای نوظهور: چالش‌ها و فرصت‌ها | J. C. Marques, A. Lupina Wegener, and S. Schneider | 2017 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | آیا ساختارهای بازار بانکی محلی برای تأمین مالی و عملکرد کسب‌وکارهای خرد و متوسط اهمیت دارند؟ شواهد جدید از یک اقتصاد در حال ظهور | I. Hasan, K. Jackowicz, O. Kowalewski, and L. Kozlowski | 2017 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | پیوستن به سازمان تجارت جهانی، ورود بانک‌های خارجی و بهره‌وری شرکت‌های تولیدی چین | T. Lai, Z. Qian, and L. Wang | 2016 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | ورود بانک‌های خارجی و سیستم بانکی ترکیه در دهه ۲۰۰۰ میلادی | Ö.Süer, H. Levent, and S. Sen | 2016 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | آیا مداخله دولت بر جهانی‌سازی بانکداری تأثیر دارد؟ | A. Kleymenova, A. K. Rose, and T. Wieladek | 2016 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | جهانی‌سازی بخش بانکی و عملکرد بانک‌ها: تحلیل مقایسه‌ای کشورهای کم‌درآمد، بازارهای نوظهور، و اقتصادهای پیشرفته | A. Ghosh | 2016 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | تأثیرات داخلی و بین‌المللی بانکداری بین‌ایالتی در ایالات متحده | M. Cacciatore, F. Ghironi, and V. Stebunovs | 2015 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | سیاست کارآفرینی و جهانی‌سازی | P. J. Norbäck, L. Persson, and R. Douhan | 2014 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | بحران مالی و روابط بانک-مشتری: مالکیت خارجی، شفافیت، و انتخاب پرتفوی | A. Pennathur and S. Vishwasrao | 2014 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | آزادسازی مالی، ساختار بازار، و نفوذ اعتباری | F. Balmaceda, R. D. Fischer, and F. Ramirez | 2014 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | مطالعه وابستگی‌های علّی میان قیمت‌ها در بازار کالای گندم جمهوری چک | V. Adamec | 2014 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | بانک‌های خارجی و عملکرد صادراتی شرکت‌های بازارهای نوظهور: شواهدی از هند | H. M. Morgan | 2013 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | چه عواملی باعث می‌شود بانک‌های خارجی در لندن باقی بمانند؟ | A. Clare, M. A. Gulamhussen, and C. Pinheiro | 2013 | خارج از موضوع | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | تمایلات توسعه اصطلاحات فنی در زبان آلمانی مدرن: (مواد مرتبط با اصطلاحات برقی و فنی در زبان‌های آلمانی، فرانسوی و روسی) | B. Gulshat and Z. S. Kuzarovna | 2013 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | چالش پروژه‌های بزرگ تأمین آب در دو سر زنجیره در دره‌های کاتماندو و ملمچی در نپال | L. Domènech, H. March, and D. Saurí | 2013 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | کارایی و قدرت بازار در بانکداری آمریکای لاتین | J. Williams | 2012 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | مقررات‌زدایی بانکی در سراسر جهان، از دهه ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰: تأثیر بر بیکاری | H. Feldmann | 2012 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | تصمیمات مکانی بانک‌های پیشگام و بانک‌های دیرهنگام در کشورهای میزبان: نقش تراکم محلی و یادگیری تجربی | H. Zhu, L. Eden, S. R. Miller, D. E. Thomas, and P. Fields | 2012 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | نقش بانک‌ها به‌عنوان یک نهاد در سیستم پیشگیری از پول‌شویی در مقدونیه | S. Nikolosk, and I. Simonovski | 2012 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | حرکت به سمت یک معیار دقیق‌تر از ورود بانک‌های خارجی و تأثیر آن بر عملکرد بانکداری داخلی: مورد چین | Y. Xu | 2011 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | اندازه، بهره‌وری و بانکداری بین‌المللی | C. M. Buch, C. T. Koch, and M. Koetter | 2011 | نگرش قومیتی |
|  | **ScienceDirect** | ورود بانک‌های خارجی و دسترسی شرکت‌ها به اعتبار بانکی: شواهدی از چین | H. Lin | 2011 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | اثرات اقتصادی حضور بانک‌های خارجی: شواهدی از فیلیپین | M. C. V. Manlagñitab | 2011 |  |
|  | **ScienceDirect** | عملکرد کسب‌وکارهای خرد و متوسط در اقتصادهای گذار: پیوند مقررات مالی و فساد در سطح شرکت‌ها | A. Wieneke and T. Gries | 2011 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | تأثیر ورود بانک‌های خارجی در بازارهای نوظهور: شواهدی از هند | T. A. Gormley | 2010 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | بازنگری در تأثیر مشارکت بانک‌های خارجی بر حاشیه‌های سود در بازارهای نوظهور | T. Poghosyan | 2010 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | چه عواملی تفاوت در کارایی بانک‌های خارجی را تعیین می‌کنند؟ شواهدی از استرالیا | J. E. Sturm and B. Williams | 2010 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | آیا عملکرد و شرایط محیطی به‌عنوان موانع بانکداری فرامرزی در اروپا عمل می‌کنند؟ | A. Lozano-Vivas and J. T. Pa | 2010 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | نقش سرمایه‌گذاران نهادی در شیوه‌های مدیریت موجودی و نقدینگی شرکت‌ها در آسیا | R. Ameer | 2010 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | تأثیر اصلاحات بخش بانکی در یک اقتصاد در حال گذار: شواهدی از قرقیزستان | Mr. M. R. Maurer, T. Pak, and N. Tynaev | 2009 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | چرا حاشیه‌های سود بانکی در اوگاندا این‌قدر بالا است؟ | T. Beck and H. Hesse | 2009 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | عبور از مرزها با تیم‌های مدیریتی بین‌المللی: مطالعه‌ای درباره شرکت‌های مالی چندملیتی اروپایی | P. Greve, S. Nielsen, and W. Ruigrok | 2009 | خارج از موضوع |  |
|  | **ScienceDirect** | بهره‌وری، فناوری و کارایی بانک‌های تازه‌تأسیس: شواهد مخالف از ترکیه | I. Isik | 2008 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | ادغام‌ها و تملک‌های فرامرزی در بخش مالی: آیا بانکداری با بیمه متفاوت است؟ | D. Focarelli and A. F. Pozzolo | 2008 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | ورود بانک‌های خارجی و رقابت بانکی | R. Sengupta | 2007 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | بانکداری خارجی در کشورهای در حال توسعه؛ منشأ اهمیت دارد | R. Sengupta | 2007 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | موانع ایجاد یک سیستم بانکی جهانی: «اروپای قدیم» در مقابل «اروپای جدید» | A. N. Berger | 2007 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | آیا بانک‌های چینی پس از پیوستن به سازمان تجارت جهانی می‌توانند رقابت کنند؟ | L. Xu and C. T. Lin | 2007 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | ترکیب ادعاهای خارجی بانک‌های بین‌المللی: عوامل تعیین‌کننده و پیامدها | A. G. Herrero and M. S. Martínez Pería | 2007 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | آیا بانک‌های خارجی برندگان قطعی چینِ پسا سازمان تجارت جهانی هستند؟ | M. K. Leung and R. Y. K. Chan | 2006 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخش مالی و رشد اقتصادی در اروپای مرکزی و شرقی: نقش حیاتی کانال بهره‌وری | M. Eller, P. Haiss, and K. Steiner | 2006 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | تجربیات مکزیک در خصوصی‌سازی و آزادسازی بانک‌ها، ۱۹۹۱–۲۰۰۳ | S. Haber | 2005 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | تأثیر مستقیم و غیرمستقیم خصوصی‌سازی بانک‌ها و ورود بانک‌های خارجی بر دسترسی به اعتبار در استان‌های آرژانتین | G. R. G. Clarke, J. Crivelli, and R. Cull | 2005 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | آزادسازی بخش مالی، خصوصی‌سازی بانک‌ها و کارایی: شواهدی از پاکستان | E. B. di Patti and D. C. Hardy | 2005 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | ورود بانک‌های خارجی، مقررات‌زدایی و کارایی بانک‌ها: درس‌هایی از تجربه استرالیا | J. E. Sturm and B. Williams | 2004 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | اثرات کوتاه‌مدت ورود بانک‌های خارجی بر رفتار بانک‌های داخلی: آیا توسعه اقتصادی اهمیت دارد؟ | R. Lensink and N. Hermes | 2004 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | ادغام و ساختار بازار در سیستم‌های بانکی بازارهای نوظهور | R.G Gelos and J. Roldós | 2004 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | مقررات و نظارت بر بانک‌ها: چه چیزی بهترین نتیجه را می‌دهد؟ | J. R. Barth, G. Caprio Jr., and R. Levine | 2004 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | مالکیت چقدر در بازاری با شرایط برابر اهمیت دارد؟ بازنگری در بخش بانکی هند | S. K. Bhaumik and R. Dimova | 2004 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | تأثیر ورود بانک‌های خارجی و ساختار مالکیت بر بازار بانکداری داخلی فیلیپین | A. A. Unite and M. J. Sullivan | 2003 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | ارزیابی موفقیت اصلاحات در بانکداری گذار ۱۰ سال بعد: تحلیلی از حاشیه‌های سود بانکی | K. Drakos | 2003 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | عوامل داخلی و بین‌المللی تعیین‌کننده سودآوری بانک‌ها: بانک‌های خارجی در استرالیا | B. Williams | 2003 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | بانک‌ها، سازمان بازار و عملکرد اقتصاد کلان: یک تحلیل محاسباتی مبتنی بر عامل‌ها | Q. Ashraf, B. Gershman, P. Howitt | 2017 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | بانک‌ها به‌عنوان «گربه‌های چاق»: تصمیمات شعبه‌بندی و قیمت‌گذاری در یک مدل رقابتی دو مرحله‌ای | P. Coccorese | 2012 | خارج از موضوع |
| تصمیمات ورود در بانکداری | **ScienceDirect** | در نظر گرفتن پتانسیل رشد دارایی و سوئیچ‌های ایمنی در بازار نزولی در تصمیم‌گیری‌های پرتفوی بین‌المللی | R. Östermark | 2012 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | مطالعه‌ای در مورد ریسک کارآفرینی در بازارهای جبران خسارت تالاب‌ها و جریان‌های آبی در ایالات متحده | T. K. BenDor, J. A. Riggsbee | 2011 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | یک مطالعه شبیه‌سازی‌شده درباره برون‌سپاری فناوری اطلاعات در تجارت کارت اعتباری | S. Paisittanand, D. L. Olson | 2006 | خارج از موضوع |
| شیوه ورود بانک‌ها | **ScienceDirect** | راهنمایی ورود به اتمسفر مریخ برای ردیابی مسیر مرجع بر اساس کنترل‌کننده ترکیبی مقاوم غیرخطی | J. Dai, A. Gao, and Y. Xia | 2017 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | کنترل لغزش ابرچرخشی زمان محدود برای ردیابی مسیر ورود مریخ | Z. Zhao, J. Yang, S. Li, Z. Zhang, and L. Guo | 2015 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | راهنمایی ورود مستقل به همراه محدودیت‌های جغرافیایی | J. Guo, X. Wu, and S. Tang | 2015 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | راهنمایی کششی فرمان‌پذیر برای مرحله ورود وسایل نقلیه بال‌دار | R. G. Benjamin, U. P. Rajeev, V. R. Lalithambika, and M. V. Dhekane | 2012 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | گرایش‌های توسعه اصطلاحات فنی در آلمانی مدرن: (مواد مرتبط با اصطلاحات الکتریکی و فنی در زبان‌های آلمانی، فرانسوی و روسی) | B. Gulshat and Z. S. Kuzarovna | 2013 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | توسعه یک مدل اندازه‌گیری ترکیبی حرارت و توان برای ساختمان‌های آموزشی عالی در بریتانیا | K. P. Amber, A. Dunn, J. Parkin, and A. R. Day | 2018 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | باززایی خانواده علف‌تباران، با تأکید ویژه بر بوم‌شناسی بذر و بانک‌های بذر | M. A. Leck and W. Schütz | 2005 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | ارزیابی ریسک گیاه انگل گل‌جالیز به دلیل علف‌های هرز در سیستم‌های زراعی با استفاده از یک شاخص مرتبط با مدل شبیه‌سازی‌شده | N. Colbach, C. Bockstaller, F. Colas, S. Gibot-Leclerc, and J. Villerd | 2017 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | ابزارهای محاسباتی برای تحلیل گروه‌های هترواتم و همسایگان آنها در ساختار سه‌بعدی پروتئین | K. Guruprasad, S. Savitha, and A. V. Naresh Babu | 2005 | خارج از موضوع |
|  | **ScienceDirect** | قیمت‌گذاری بازده سهام و ریسک‌های نکول در حالت ورود با ادراک برند در بانکداری خرد | J.-Y. Tsai, C.-P. Chang | 2012 | خارج از موضوع |
| ورود بانک خارجی و تصمیمات ورود در بانکداری | **ScienceDirect** | ورود و سطح فعالیت بانک‌های خارجی در ایتالیا: تحلیلی از عوامل تعیین‌کننده | S. Magri, A. Mori, and P. Rossi | 2005 | خارج از موضوع |
| ورود بانک خارجی و شیوه ورود بانک‌ها | **ScienceDirect** | خصوصی‌سازی بانک‌ها و بهره‌وری: شواهدی از برزیل | M. I. Nakane and D. B. Weintraub | 2005 | خارج از موضوع |

|  |  |
| --- | --- |
| **جدول الف.4** | **مقالات کنارگذاشته شده پس از مرحله شایستگی** |
| **واژگان کلیدی** | ***منبع*** | ***عنوان*** | ***نویسنده*** | ***سال انتشار*** | ***دلیل کنار گذاشتن*** |
| ورود بانک خارجی | ScienceDirect | دیدگاه "دست چپاولگر" یا "دست یاری‌رسان" فساد: شواهدی از ورود بانک‌ها به بازارهای خارجی | A. P. Petrou and I. C. Thanos | 2014 | خارج از موضوع |
|  | ScienceDirect | بین‌المللی شدن بانکداری خرد: سفر بانکو سانتاندِر به سوی جهانی‌سازی | P. Parada, L. Alemany, and M. Planellas | 2009 | ریسک سوگیری |
| ورود بانک خارجی و شیوه ورود بانک‌ها | ScienceDirect | ورود بانک‌های خارجی و تخصیص اعتبار به کسب‌وکارهای خرد و متوسط: شواهدی از کشورهای آسه‌آن(ASEAN) | Viverita, A. W. Lubis, Y. Bustaman. and R. S. Riyanti | 2015 | مقاله همایشی |

تصمیم‌گیری در مورد شکل سازمانی بانک‌های چندملیتی

# دفتر نمایندگی

دفتر نمایندگی ساده‌ترین روش برای حضور در یک کشور خارجی است، اما یک نماینده قابلیت‌های محدودی دارد (Goldberg, 1992 cited in Clarke, Cull, Martinez Peria, & Sanchez, 2003). به‌عنوان‌مثال، دفتر نمایندگی می‌تواند پرداخت‌های آینده را به بانک مادر انجام دهد، اما نمی‌تواند سپرده بپذیرد یا وام بدهد.

بانک‌ها دفاتر نمایندگی را در بازارهای خارجی ایجاد می‌کنند تا بر چالش‌های اطلاعاتی غلبه کرده و زمینه‌ای برای تأسیس‌های آینده به سبک نهادسازی فراهم کنند (Li, Zeng, & Zhang, 2013). در واقع دفتر نمایندگی، فرصتی برای آزمون و تصمیم‌گیری درباره تعمیق بیشتر حضور در بازار کشور میزبان ایجاد می‌کند.

## آژانس

آژانس‌ها قابلیت‌های بیشتری نسبت به دفاتر نمایندگی دارند، زیرا می‌توانند در وام‌دهی به بخش‌های تجاری و صنعتی فعالیت کنند؛ اما همچنان نسبت به شعبه، شرکت‌های تابعه یا سرمایه‌گذاری‌های مشترک، ساختار سازمانی محدودتری دارند، چرا که نمی‌توانند وام‌های مصرفی بدهند یا سپرده دریافت کنند (Clarke et al., 2003).

باتوجه‌به این‌که آژانس‌ها تنها به شرکت‌های بزرگ وام می‌دهند و نه به مشتریان فردی، وابستگی آن‌ها به توانایی‌های غربالگری کمتر است؛ بنابراین، تأسیس آژانس، مانند دفاتر نمایندگی به آشنایی با ساختار بازار کشور میزبان کمک می‌کند و همچنین امکان به‌دست‌آوردن اطلاعات نرم و بهره‌مندی از سود اضافی ناشی از وام‌های تجاری و صنعتی را فراهم می‌کند.

## شعبه

شعبه‌ها به‌عنوان بخشی از بانک مادر در کشور میزبان فعالیت می‌کنند (Hryckiewicz & Kowalewski, 2010). آن‌ها نیز مشابه شرکت‌های تابعه، نیاز به دریافت مجوز یا تأییدیه از نهادهای نظارتی محلی دارند. با اینکه شعبه‌ها می‌توانند خدمات گسترده‌تری نسبت به آژانس‌ها یا دفاتر نمایندگی ارائه دهند، خدمات آن‌ها همچنان محدودتر از دیگر اشکال سازمانی است درعین‌حال، دسترسی آن‌ها به منابع مالی بانک مادر، نسبت به شرکت‌های تابعه بیشتر است (Clarke et al., 2003).

افزایش ارزش پول کشور میزبان، بانک‌های خارجی را تشویق می‌کند تا از طریق ایجاد شعبه وارد بازار شوند (Hryckiewicz & Kowalewski, 2010)، زیرا افزایش ارزش پول نشانه‌ای از رشد سریع اقتصادی است؛ بنابراین، شعبه‌ها می‌توانند از توسعه اقتصادی سود بیشتری ببرند، زیرا در مقیاس بزرگ‌تری در کشور میزبان فعالیت می‌کنند.

در موارد زیر ایجاد شعبه ترجیح داده می‌شود:

* مالیات‌های بالاتر در کشور میزبان
* محدودیت‌های نظارتی کمتر در صنعت بانکداری کشور میزبان
* عملیات خارجی کوچک‌تر بانک‌های چندملیتی (Cerutti, Dell’Ariccia, & Martinez Peria, 2007).

ازآنجاکه شعبه‌ها بخشی از بانک مادر هستند، در صورت مالیات‌های بالاتر، سود آن‌ها به‌راحتی می‌تواند منتقل شود. همچنین، محدودیت‌های نظارتی کمتر در کشور میزبان، عملیات بانکی را ساده‌تر می‌کند. علاوه بر این، شعبه‌ها، اغلب به‌عنوان اولین قدم برای آشنایی با بازار محلی، پیش از سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در بازارهای دوردست، مورداستفاده قرار می‌گیرند. به‌عنوان‌مثال، لی، زنگ و لیو (۲۰۱۴) دریافتند که بانک‌های خارجی در چین، ترجیح می‌دهند ابتدا با شعبه‌ها فعالیت کنند تا نواقص اطلاعاتی را کاهش دهند؛ سپس با نهادهای چینی ادغام شوند.

بانک‌های خارجی معمولاً فقط در بازارهای توسعه‌یافته‌تر شعبه ایجاد می‌کنند تا از منافع بانک‌های چندملیتی محافظت کنند و اثرات منفی احتمالی کشور میزبان را کاهش دهند. ازآنجایی‌که سطح ادغام شعبه‌ها با بانک مادر بیشتر است، ریسک انتقال بحران مالی از شعبه به بانک مادر وجود دارد؛ لذا بانک‌های خارجی، در شرایط عدم قطعیت جهانی، از تأسیس شعبه‌ها اجتناب می‌کنند تا از گسترش بحران مالی جلوگیری کنند (Hryckiewicz & Kowalewski, 2010). علاوه بر این، بانک‌های چندملیتی تمایل دارند در محیط‌هایی با ریسک اقتصادی پایین‌تر، از طریق شعبه‌ها فعالیت کنند، زیرا بانک مادر مسئولیت کامل بدهی‌های شعبه را بر عهده دارد (Cerutti et al., 2007). همچنین شعبه‌ها در کاهش ریسک‌های سیاسی کشور میزبان نیز نقش مؤثری دارند. ازآنجاکه قوانین کشور میزبان، بیشتر برای شرکت‌های تابعه اعمال می‌شود، شعبه‌ها در بازار دوردست، در برابر عدم قطعیت‌های سیاسی، امنیت بیشتری برای بانک مادر فراهم می‌کنند (Cerutti et al., 2007).

ماهیت پرریسک شعبه‌ها، آن‌ها را نیازمند نظارت از سوی هر دو کشور مبدأ و میزبان می‌کند؛ اما مسئولیت اصلی تنظیم مقررات آن‌ها بر عهده مقامات کشور مبدأ قرار دارد. به گفته ریتس‌کِویچ و کوالِفسکی (۲۰۱۰)، دلیل اصلی محبوبیت شعبه‌ها در منطقه اقتصادی اروپا[[18]](#footnote-18)، الزامات نظارتی است که به آن‌ها اجازه می‌دهد با مجوز از کشور مبدأ در سایر کشورهای عضو شعبه تأسیس کنند.

# شرکت‌های تابعه

ازآنجاکه شرکت‌های تابعه سرمایه خود را در کشور میزبان نگه می‌دارند، می‌توانند طیف گسترده‌تری از خدمات را در یک بازار دوردست ارائه دهند. برخلاف شعبه‌ها، شرکت‌های تابعه، با همان الزامات نظارتی (مانند مقررات مالیاتی و الزامات حسابداری) که بانک‌های محلی دارند، مواجه هستند (Hryckiewicz & Kowalewski, 2010; Buch et al., 2014). شرایط برابر با بانک‌های محلی، یک مزیت نسبی برای شرکت‌های تابعه فراهم می‌کند؛ اما کارایی این نهادها در مکان‌های مختلف متفاوت است. به‌عنوان‌مثال، دِیونگ و نولی (۱۹۹۶) نقل شده در(Clarke et al., 2003)، دریافتند که بانک‌های آمریکایی در داخل ایالات متحده، کارآمدتر از شرکت‌های تابعه فعال در این کشور هستند، درحالی‌که شرکت‌های تابعه در بسیاری از اقتصادهای درحال‌توسعه، نسبت به وام‌دهی فرامرزی مزایای بیشتری دارند.

میلر و پارخای(1998) نقل شده در(Clarke et al., 2003) دریافتند که نرخ‌های مالیاتی بالاتر باعث کاهش تعداد شرکت‌های تابعه می‌شود، اما سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بیشتر، محیط مثبتی ایجاد می‌کند. هنگام افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، شکل سازمانی که ترجیح داده می‌شود، شرکت‌های تابعه هستند؛ چرا که شرکت‌های تابعه می‌توانند بر خلاف شعبه‌ها، طیف وسیع‌تری از خدمات مالی را ارائه دهند. همچنین، ظرفیت بالاتر رشد اقتصادی در کشور میزبان، بانک‌های چندملیتی را جذب می‌کند تا با سرمایه‌گذاری در بازار کشور میزبان از طریق شرکت‌های تابعه، به بازتخصیص سرمایه خود بپردازند (De Haas & van Lelyveld, 2006).

بانک‌های خارجی که در کشورهایی با رشد اقتصادی پایین‌تر مستقر هستند، ترجیح می‌دهند دارایی‌های خود را در دوره‌های گسترش اقتصادی، به بازارهای نوظهور منتقل کنند و از طریق تأسیس شرکت‌های تابعه سرمایه‌گذاری نمایند (Hryckiewicz & Kowalewski, 2010). شرکت‌های تابعه، در بسیاری از اقتصادهای نوظهور، نتیجه فرصت‌هایی هستند که توسط بحران‌های مالی ایجاد شده‌اند و قیمت‌های تملک را کاهش داده‌اند (Cerutti et al., 2007).

وابستگی شرکت‌های تابعه به منابع مالی خارجی، ثبات مالی کشور میزبان و سودآوری بانک‌های چندملیتی را آسیب‌پذیر می‌کند. هنگام بحران‌های مالی، بانک‌های خارجی نیاز دارند که ساختار سرمایه شرکت‌های تابعه خود را تجدید کنند؛ اما بسیاری از مطالعات نشان داده‌اند که بانک‌های مادر تمایلی به ایفای نقش آخرین وام‌دهنده یا ارائه پشتیبانی ندارند (Hryckiewicz & Kowalewski, 2010).

کمبود تأمین مالی در زمان مشکلات اقتصادی در کشور میزبان، اصلی‌ترین مشکل برای شرکت‌های تابعه است، زیرا بانک‌های چندملیتی، به دلیل اهمیت استراتژیک بانک مادر، معمولاً ترجیح می‌دهند به نهادهای خریداری‌شده کمک کنند تا نهادسازی.

# سرمایه‌گذاری مشترک

سرمایه‌گذاری مشترک به این معناست که دو بانک، برای منافع متقابل، به طور موقت همکاری می‌کنند و این مشارکت، به‌عنوان یک نهاد مستقل عمل می‌کند. پس از مدتی، احتمالاً در پایان دستیابی به منافع مشترک، مشارکت منحل می‌شود. سه عامل اصلی که باعث اتخاذ سرمایه‌گذاری مشترک، به‌عنوان یک ساختار سازمانی می‌شوند عبارت‌اند از:

* موانع نظارتی در کشور میزبان
* نیاز به منابع محلی همراه با سطحی از کنترل بر نهاد خارجی
* تفاوت‌های بین کشور مبدأ و کشور میزبان (Petrou, 2009)

اولاً ورود از طریق سرمایه‌گذاری مشترک می‌تواند موانع نظارتی در کشور میزبان را حذف کند، زیرا داشتن یک شریک محلی با منابع کافی به توافق با مقامات قانونی کمک می‌کند. با اینکه سرمایه‌گذاری مشترک، از طریق شریکی در بازار کشور میزبان دسترسی به منابع داخلی را تسهیل می‌کند، اما تقسیم کنترل، می‌تواند فرایند مدیریت را دشوار کند. بانک‌های چندملیتی، هنگام بررسی گزینه‌های ورود، می‌توانند بین نیاز به منابع و تمایل به کنترل، موازنه برقرار کنند. سرمایه‌گذاری مشترک، ترکیبی از دسترسی بالا به منابع داخلی و کنترل پایین یا متوسط را ارائه می‌دهد. درعین‌حال، به دلیل داشتن یک شریک محلی، ورود سریع‌تری به بازار کشور میزبان را ممکن می‌سازد، زیرا فرایند یادگیری درباره بازار محلی حذف می‌شود. تفاوت‌های میان کشور مبدأ و کشور میزبان نیز به نفع ورود از طریق سرمایه‌گذاری مشترک عمل می‌کنند؛ زیرا این ساختار، سطح قابل‌توجهی از منابع محلی را به ارمغان می‌آورد که می‌تواند موانعی مانند عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهد (Petrou, 2009).

مطابق نظر پترو (۲۰۰۹)، ورود از طریق سرمایه‌گذاری مشترک، چالش‌هایی نیز به همراه دارد؛ از جمله: حفاظت از منافع بانک مادر، افزایش درصد مالکیت و مذاکره با مقامات کشور میزبان. اگر مدیران ارشد بانک‌های چندملیتی بتوانند این موانع را از طریق ایجاد روابط مبتنی بر اعتماد، مدیریت کنند، سرمایه‌گذاری مشترک می‌تواند در نهایت به سهام‌داری عمده منجر شود و سپس به یک شرکت تابعه کاملاً تحت مالکیت تبدیل شود. ازآنجاکه سرمایه‌گذاری مشترک بر مبنای منافع متقابل استوار است و در آن، نهاد محلی از دانش محصول بهره می‌برد و بانک چندملیتی اطلاعاتی درباره کشور میزبان به دست می‌آورد، مدیران، باید مدت‌زمان این مشارکت را بادقت ارزیابی کنند. ممکن است شریک محلی پس از بهره‌برداری از دانش محصول، از سرمایه‌گذاری مشترک خارج شود.

منابع

* Buch, C. M., Koch, C. T., & Koetter, M. (2014). Should I stay or should I go? Bank productivity and internationalization decisions. Journal of Banking & Finance, 42, 266–282.
* Cerutti, E., Dell’Ariccia, G., & Martinez Peria, M. S. (2007). How banks go abroad: Branches or subsidiaries? *Journal of Banking & Finance, 31*, 1669– 1692.
* Clarke, G. R., Cull, R., Martinez Peria, M. S., & Sanchez, S. M. (2003). Foreign bank entry: Experience, ımplications for developing economies, and agenda for further research. *World Bank Research Observer, 18*, 25–59.
* De Haas, R., & van Lelyveld, I. (2006). Foreign banks and credit stability in Central and Eastern Europe: A panel data analysis. *Journal of Banking &* *Finance, 30*, 1927–1952.
* Hryckiewicz, A., & Kowalewski, O. (2010). Economic determinates, financial crisis and entry modes of foreign banks into emerging markets. *Emerging* *Markets Review, 11*, 205–228.
* Li, Q., Zeng, Y., & Zhang, B. (2013). Market characteristics and entry modes of foreign banks. *China Economic Review, 24*, 26–41.
* Li, Q., Zeng, Y., & Liu, B. (2014). *The Quarterly Review of Economics and Finance, 54*, 16–229.
* Petrou, A. (2009). Foreign market entry strategies in retail banking: Choosing an entry mode in a landscape of constraints. *Long Range Planning, 42*, 614–632
1. Entrants [↑](#footnote-ref-1)
2. Greenfield Investment: باتوجه به مفهوم نزدیک به واژه «نهادسازی» در دانش تخصصی بانکداری و مالی، از این کلمه به عنوان معادل استفاده می‌شود. یک استراتژی ورود به بازار که در آن شرکت از ابتدا یک کسب‌وکار را راه‌اندازی می‌کند-مترجم [↑](#footnote-ref-2)
3. روش مدیریتی است که برای بررسی جامع مسئله پیش از تصمیم‌گیری با طرح 6 سوال اساسی و دستیابی به ریشه مشکلات و برطرف کردن آن‌ها، استراتژی اصلی را طراحی می‌کند. [↑](#footnote-ref-3)
4. Funded Researches [↑](#footnote-ref-4)
5. Follow the Client [↑](#footnote-ref-5)
6. Allied Irish Bank [↑](#footnote-ref-6)
7. liability of Foreignness [↑](#footnote-ref-7)
8. Foreign Direct Investment(FDI) [↑](#footnote-ref-8)
9. . Greenfield Investment

یک استراتژی ورود به بازار که در آن شرکت از ابتدا یک کسب‌وکار را راه‌اندازی می‌کند-مترجم [↑](#footnote-ref-9)
10. در پیش‌گفتار کتاب این واژه توضیح داده شده است. [↑](#footnote-ref-10)
11. Upper Echelons Theory [↑](#footnote-ref-11)
12. Joint Venture [↑](#footnote-ref-12)
13. Spillover Effect [↑](#footnote-ref-13)
14. Cream-Skimming or Cherry-Picking Behaviour [↑](#footnote-ref-14)
15. Hot Money

پولی که دارنده آن، به سرعت آن را به انواع دیگر سرمایه تبدیل می‌کند تا از مزیت تغییرات نرخ بهره یا سودهای کوتاه‌مدت استفاده کند.\_مترجم [↑](#footnote-ref-15)
16. Lender of Last Resort [↑](#footnote-ref-16)
17. Liberalization [↑](#footnote-ref-17)
18. EEA: European Economic Area [↑](#footnote-ref-18)